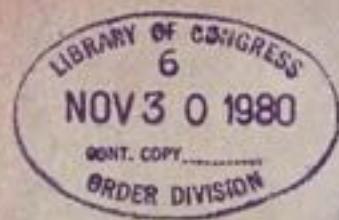


ون

طلاسم و کنایا

شنبه ۳ عقرب ۱۳۵۹
۱۹۸۰ ۲۵
شماره (۳۱)
سال (۳۲)
قیمت یک شماره ۱۳ افغانی



Ketabton.com

و همکاری میان دو کشور هنرمند سال
۱۹۷۸ ابراز رضایت عمیق شد.

بیانیه مشترک جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روز ۲۴ میزان در قصر کریملین در مسکو به امضای رسید.

ببرک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که مصروف فیدار رسمی و دوستانته از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی میباشند ۳۰ میزان وارد لیننگراد گردیدند.

د افغانستان دخلك دیدیم کرا تیک گوند مرکزی کمیته عمومی منشی د افغانستان دیدیم کرا تیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدر اعظم ببرک کار مل چی شوروی تپه رسمی او دوستانته سفر تلی دی دعوی ب په دو همه نیته له لیننگراد خخه مسکوته لام.

از طرف ببرک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تیکلگرام تبریکیه بمناسبت سی و پنجمین سالگرد روز مل متحد عنوانی جلالتماب داکتر کورت والده های سر منشی سازمان ملل متحد به زیارت مخابره گردیده است.

د افغانستان دخلك دیدیم کرا تیک گوند مرکزی کمیته دیسیاسی بیرو

غیری د افغانستان دیدیم کرا تیک جمهوریت د انقلابی شورا مرستیال او د صدر اعظم مرستیال سلطانی. کشتمند دعوی ب احری نیته به بر لین کی د آلمان دیدیم کرا تیک جمهوریت د سوسیالیستی متوجه گوند مرکزی کمیته له عمومی منشی او د دو لیتی شورا له رئیس از یشن هو نیک سره و کتل.



به شوروی اتحاد کی د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند مرکزی کمیته دعمومی منشی، د انقلابی شورادریس او صدر اعظم بیرون از کار مل دسفر نه مناظر و خخه.



ببرک کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام گل گذاری در آرامگاه سیاهی گمنام در جوار کرملین.

هیرشو روی سو سیا لیستی روز ۲۴ میزان در قصر کریملین در مسکو روی تبادل نظریه عمل آمد و انشاف صورت گرفت.

در دوران این مذاکرات که در یک پیروز مندا نه و مثمر این روایت بسیار مبنای معا عده دوستی حسن همچو ای و کتل.

افتخار و قایه

مذاکرات رسمی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی در دوران این مذاکرات که در یک پیروز مندا نه و مثمر این روایت بسیار مبنای معا عده دوستی حسن همچو ای و کتل.

جمهوری دموکراتیک افغانستان

منشور ملل متحد را به نظر

قدرتمند نگرد

پیام ببرک کارمل منشی عمومی اقتصادی کشورهای روبه اندکشاف کمیته مرکزی حزب دموکراطیک خلق توسعه همکاریهای اقتصادی بین افغانستان، رئیس شورای انقلابی اسلامی وایجاد نظام اقتصادی نوین و صدراعظم جمهوری دموکراطیک بینالمللی بوجود آورد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان سالگرد تاسیس موسسه ملل متحد سیاست پیگیرانه و قاطع دفاع از صلح وامنیت، حمایت از سیاست دیانت پشتیبانی از جنبش‌های رهایی

درین فرستیکه سی و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد بخش ملی آسیا، افریقا و امریکای لاتین در مبارزه علیه استعمار، امپریالیزم، ایارتایید، تبعیض نژادی و پشتیبانی از مبارزات خلق های نمایندگی از کمیته مرکزی، شورای انقلابی، شورای وزیران و همه تحت استعمار برای تأمین حق غیر قابل انکار، تعیین سرنشیت ملیون‌ها انسان درجهان را تعقیب مینماید و این سیاست چمپوری ده و کرا تیک دهنده پایندی راسخ چمپوری دموکراتیک افغانستان باهدا ف واصول منشور ملل متحد میباشد.

با وجود مبارزات روز افزون خلق منشور ملل متحد را که اهداف عالی آن تأمین صلح و امنیت بین‌المللی رفاه و عدالت اجتماعی و تأمین حقوق بشر، استقلال و حکمت ملی ملی میباشد به نظر قدرنگریسته استعمار اجرا گردد و ملیکه هنوز تحت یوغ استعمار بسر می‌برند.

برای ایجاد یک دنیای آزاد و فارغ از هر نوع ظلم، ستم و استثمار هر نوع تبعیض را در هر گوشه‌جهان میداند.

تبیح و در مبارزه به خاطر امحای کامل استعمار راسیزم و اپارتايد بپر شکلیکه باشد، به آن موسمه بذل مساعی خواهد نمود.

یکبار دیگر مراتب تپریک خود را به همه خلق‌های نیره های صلح مصائب زیادی را بر مردمان جهان دوست و مترقبی جهان به خاطر این روز تحمیل خواهد نمود دوام داده است. مهم ابراز داشته و آرزومندی صمیمانه امپریالیزم و حلقوهای جنگ طلب وابسته به آن با بر پانمود نمسابقات خلق و حکومت چمپوری دموکراتیک افغانستان را برای پیروزی صلح تسليحاتی و به خاطر تشدید ودوا م چنین مسابقات موافع بزرگی در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی در جهان تمامین هدفهای خلخ سلاح در راه رسید تکرار مینمایم.

پیام ببرک کارمل به مناسبت

عید سعید اضحی

که در راه انجام مسوو لیت‌ها ی هموطنان عزیز، شرا فتمند، خویش بخاطر سعادت مردم آزاده، سر بلند و زحمتکش! مومن، عدا لت پسند و آزاده کشور اجازه بدھید به هنا سبب حلول به پیش می‌بریم، یاری خداوند عید سعید قربان، از سر زمین بزرگ، پشتیبانی توده های دوستان تا ریختی، مطمئن و با زحمتکش و مردم صلحد و ستجهان اعتبار شما، از کشور همسایه با ماست.

بزرگ و مهمن نواز شما، کشور روزهای فرخنده عید نه تنها پیام آور مفہوم عمیق و بزرگ دوست اتحاد شوروی سو سیا - دینی میباشد بلکه از فضیلت انسانی مبنی بر دعوت همه کوته دوستانه صمیما نه ترین مسلمانان جهان به خلوص نیت، شاد باشها و درودها را توان با عشق پر شور به وطن به شما و همبستگی برادرانه نیز برخوردار میباشد. ولی دشمنان سوگند خوارده اسلام و مسلمانان زحمتکش مادران و فرزندان پاک تهاد، مبارز و باشها متکشور در هر جایی که هستید، تقدیم بدارم. همچنان ایام فرخنده عید سعید اضحت را به همه مسلمانان جهان و برادران پشتون و بلوج ما که به پیکار مقدس آزاد بیخش خود ادامه می‌دهند، صمیما نه شاد باش میگردند.

ما یقین کامل داریم که مردم زحمتکش و باشیا مت ما از دشواری های کنو نی که در نتیجه مذاخلات مستقیم و غار تگرانه از تجاع و ایام یازده سنت والای اسلام را به شما پیشنهاد کنم روزهایی که مردم ایجاد گردیده، پیروز مذاخنه بدر خواهند آمد. و به مذاخلات مستقیم و بیشتر هانه آنان مذکور داخلی مذاخلات مسلحانه در امور داخلی ما که به شکل جنگ اعلام ناشده، اعلیه افغانستان آزاد و مستقل، قهرمان و انقلابی براه افتاده و می‌سازد، پایان خواهد بخشید.

درین روزهای نشاط و صفاو صمیمیت به همه خانواده های داغدار و زجر دیده کشور که عزیزاً نخود را در نتیجه ظلم و وحشت باندیست، ها، دزدان و قطاع الطلاقان، یا لیستی در زدو بند خاینا نه با سادات و در زیر پو ششم عا هده نتکین کمپ دیوید به اشغال سر زمینهای عربی و تجاوزات مسلحانه آزادی، سعادت، آرامش و سر بلندی مردم ما، افظیار تسلیت مینمایم.

ولی ما یقین داریم که مبارزات بر حق و عادلانه مسلمانان جهان بخصوص صمیمه خارج از عادلانه مردم معرفت تجاوز خار تگرانه نو کران بلا کشیده فلسطین و خلق لبنان علیه از تجاع عرب، صمیمه نیز مفتاح وطن و صلح و آرامش مردم، اسرائیل و امپریالیزمه را به از ما خواهان قربانی و فدا کاری پیروزی میرسد.

بقیه در صفحه ۴۳

اليوم مسافت

به اتحاد شوروی



گوشه بی از جریان مذاکرات رسمی بین هیات های عالیرتبه جزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی . (تیلی فوتو)



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان و لیونید بریزنت منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی هو قیمکه بیانیه مشترک دوکشور را اعضاء مینمایند .
(تیلی فوتو)



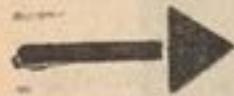
رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در میدان هوانی بین المللی ونکووا .

(تیلی فوتو)

بِرْكَ كارهُل سوسیالیستی



بِرْكَ كارهُل و لیونید بِرْناف بعد از امضای بیانیه مشترک بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.



استقبال گرم و صمیمانه لیونید بِرْناف و دیگر هبران اتحاد شوروی از بِرْكَ كارهُل و هیات معیتی ایشان نمودار دوستی بزرگ و خلخل ناپذیر بین خلقهای دوکشور میباشد.



هر اسم تودیع در میدان هوایی بین المللی و نوکوا.



بیڑا کارمیل هشی عومنی گمینه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس سوای انتلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عنکام ایراد بیانیه در تالار پوکنون مسکو.
(بیلی فوتو)

بیڑا کارمیل حين خدا حافظی در میدان هواپی ناشستند و حرکت جانب مسکو.



از بیڑا کارمیل در میدان هواپی مسکو استقبال بی ن سور به عمل آمد.



بیرون کارامل هنرمند عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان هو فیضکه در تاشکند با گرمه
استقبال شدند .



بیرون کارامل هنرمند اعضاء در کتاب خاطرات
موذیم گورکی لینتسکی .



بیرون کارامل و هیات همراهانش قبل از عزیمت
جانب گرجستان اتحاد شوروی .



درن مشماره

۳ عقرب جرقه که خرمن ارجاع
را آتش زد

درود پرشور بـر روان پـا ک قربانیان سوم عـرب

آیا موجودیت همه متحد واقعاً
ضروریست

نکاهی به سوابق تاریخی اساس
مای استقرار روابط دوستی و منا
سبات دیپلوماسی- بین افغانستان
و اتحاد شوروی

عملیات بن لین از دید گاه نظامی و سیاسی

دشوروی اتحاد دیہر نی سیاست
خلل نہ منوٹکی اصول

چرا هر رض بیدا می شود؟

زندگی و سر نوشت یک مبارزه فلسطینی

مهد او هنری روانشنا سی

روی جلد :
 یک دختر افغان در لباس ملی
 عکاسی مرتضی روشنان
 شرح عکسی صفحه (۱۱) :
 نویسنده مشهور وزیالست شوروی
 ماکسیم گورکی

روز سو م عقرب ، روز یکه‌خاطره اش جاودانه دردل تا ریخ
هماسه و آزا دیخه‌اهانه‌م دم مائنت گریده است.

شنبه ۳ عقرب ۱۳۰۹، ۲۵ اکتوبر ۱۹۸۰

سوم غرب روز فراموش ناشدنی

تاریخ مبارزات روشن فکری و نهضت های آزادیخواهی کشور عزیز ما مشحون از حوادث - رویدادها و وقایعی است که مطالعه آن، شجاعت شهامت، پایمردی و قهرمانی و فدا کاری فرزندان آزاد منش این مرز و بوم باستانی و سر زمین مردمخیز را نشان میدهد مگر در میان آنها حادثه خونین سوم عقرب ۱۳۴۴ بر جستگی خاصی داشته و خاطره آن تکان دهنده تر، المناک تر و فراموش ناشدنی می باشد.

تاریخ شاهد است که در حدود نیم بنددر چوکات قانون اساسی برای مردم مداده شده است که البته حکومت با نی اهداف شوم و بله عمال ارجاع مشارکه و قانون اساسی محصول و ستمگر شدند ...

بریتانیا ی کبیر درین کشور پایان دادند واستقلال سیاسی خود را به دست آوردند مگر استعمار حیله گرو مکاریار دیگر به شیوه جدید و غیر مستقیم و به قیافه دیگر تسلط خودرا درین سرزمین قایم کرد بدین معنی که خانواده آل یحیی زابه قدر ترسانید با آوردن خادر غدار بریتانیای استعماری می خواست تا مردم بلا را به صورت بی امان و گسترشده علیه و تامین عدالت اجتماعی و خوشبختی کشیده ورنج دیده ما را دو باره استبداد سلطنت ظاهر شاهی ادامه دادند، محکوم و برده خود سازد و هر چه خلق افغانستان بیوستند و هر نوع

فشرده تر، متشکل تر و با این و
عقیده خلل ناپذیر به بیروزی به
مبارزات خلاق، بیگیر ادامه دادند
سر ۱ نجاشو نهادی
شهیدان سوم عقرب گرفته شد یعنی
انقلاب شکوهمند ثور به بیروزی
رسید و کاخ ظلم وستم واژگون
گردید و برای همیشان به سلطنه
نیم قرن استعمار وارتعاع که خلق
های محروم وستمده هارا در پند
واسارات کشیده بودند پایان داد.
مادر حالیکه خاطره این روز پر
افتخار را با احترام و قدر دانسی
گرامی میداریم به روان پاکشیدای
سوم عقرب درود های گرم و آتشین
خود را می فرمیم.



بیرک کارمل در سالهای قبل از ۱۹۷۸ به شکو همند تو رهنمای سخن را نی در یکی از میتگ های عظیمی که بهمنا سبب تغییر از روز سه عقرب به استرالاندیگان اقشار زحمتکش مردم شهر کابل بر هبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان دایر گردیده است.

۳ عرب جو گه که خو من ارد تجاع دا

اسعمال محشیوں

خواهد گشت و نمی گردد . تاریخ
باد قریبی این انسان را در سیمه
راه رهایی انسان، فراوان در سیمه
دارد و آنرا نقل کرد . است که این
باد نامه ها گواه و مشوق بزرگی
است برای همه کسانیکه در راه
رها ظی انسان و علیه از تعجیل و
امیر یا لیزم می رزمند و هم چنان
آن کار نامه های حماسه آفرین
اسباب افتخار همه مبارزین را ه
حق و عدالت بوده واست .
گویند که زمانی یکی از قدرت
های متجاوز و استعماری در سیمه
تصرفات اراضی دیگران سر -
زمینی را به تصرف شهر گماشتگان
بعد از تصرف شهر گماشتگان
قدرت استعماری یکی از مبارزین
و مدافعین شجاع را در مقابل
خواسته های مبرم شان اتخاذ
نقمه در صفحه ۴۲

دست نیست که طبقات محکوم (اکثر) بیت اعضای جامعه) هم دست زیر زنخ (به اصطلاح) نمی نشینند و نه شسستند و همیشه در مقابله با انسان تجاوز کردند، انسان را از این اتفاقات واعمال غیر انسانی اعتراض کردند و مبارزه نمودند اند که این مبارزه از جنگ سردوگرم وغیره اعمال عبارت می باشد. یعنی اکثر یت عظیم توده های محکوم پیرای طرد و نابودی دشمن طبقاتی واستبداد گر بعیدان مبارزه از شناخته و به مبارزات طبقاتی دست زده اند و چه بسا که با این مبارزات خویش از تجاوز واستبداد را به زانو در آوردند است و آزادی خویش را بدست آورده اند. و گر گل هنگاهی مبارزه از شکست هم مواجه شده است ولی را ه پیروزی های آتی را هموارساز خته است.



انسان گشی و سایر اعمال احتراز طبقات حاکمه و مشتا قان
نمی کند و می توان تبروت ادعای تصرف اراضی دیگران همیشه
فوق را با مرور کوتاهی بر کوشش و تلاش کرد و اند که
مرحله بردگی (دو مین فور ما- دشمن خود را با تمام وسایل
سیون اقتصادی اجتماعی تاریخ دست داشته از بین برند . قتل
بشر) بخوبی دید . ولی با ید



عبدالرحمن وعبدالقادر شهداي قهرمان ۳۳ عقرب

درو د پر شور بروان پاک

قریب ایان سوم عقرب

نوشته: غفار عریف



در این عکس‌ها گوشه‌ای از میتنه‌های ۳ عقرب که توسط ح.د.خ.ا. به شهر یا ن کا بل دایر گردیده، دیده میشود

آخر در تاریخ کشور، شور انگیز ترین و هیجانی ترین دوران مبارزه و قهرمانی زندگی مردم افغانستان را می‌سازد. این دوران مملو از افتخار و سر بلندی توده‌های وسیع زحمتکشان کشور، روشنگر خاطره وطنپرست طرح می‌شود که به صورت قطع برای توده‌های وسیع زحمتکشان تابناک والهام بخش نیاکان و اسلاف باشیامت ماکه در پیکار خو نین در فرش پیروزی راعلیه زور گویان ستمکستر، سر بلند و پاکیزه نگهداشته اند، میباشد.

در روز سوم عقرب سال (۱۳۴۴) محصلان، شاگردان، روشن فکران و شهربان شرا فتمند کا بل با استفاده از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی ((فصل سوم) که دست آورد سالیان دراز مبارزه مردم ما بشمار می‌آمد، بنابر فشار طاقت فرسا و تراکم رنج‌های بیکران مردم و به خاطر علی شدن جلسه رای اعتماد بر حکومت در ولسی جر گه، بقیه در صفحه ۴۷

بااستفاده از شیوه تفتین موجودیت ساخت کداو راق زرین تاریخ و استقلال و مدنیت درخشنده کهنه وضع فرتوت و هلاکتبارسیا سی، افغانستان پر غرور می‌بین محبو ب مردم، تحت چکمه‌های سینگین وزن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استبداد و مستمرکری و اشغالگران کشور، نقشه سرکوب خونین نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقیخواه و دژافکن، در طول سده‌ها و هزاره ها باریخته شدن خون یا ک انسان قطع برای توده‌های وسیع زحمتکشان و اقتدار دمو کراتیک جامعه تحمل ناپذیر بود.

در سراسر جامعه غمزده‌ما و اوضاع واحوال ناپایدار سیاسی و اجتماعی مستولی بود و نارضا یتی عمومی و مدام توده‌های مردم را فراهم می‌ساخت، طینین بیکار بیکیر و گستردۀ فکران و شهربان شرا فتمند کا بل در راه استقرار و بسط حقوق و آزادی های وسیع دمو کراتیک مردم، قربان از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

بهترین انسان‌ها در دفاع از آزادی و استقلال و مدنیت درخشنده کهنه وضع فرتوت و هلاکتبارسیا سی، افغانستان پر غرور می‌بین محبو ب مردم، تحت چکمه‌های سینگین وزن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استبداد و مستمرکری و اشغالگران کشور، نقشه سرکوب خونین نیروهای ملی و دموکراتیک، ترقیخواه و دژافکن، در طول سده‌ها و هزاره ها باریخته شدن خون یا ک انسان قطع برای توده‌های وسیع زحمتکشان و اقتدار دمو کراتیک جامعه تحمل ناپذیر بود.

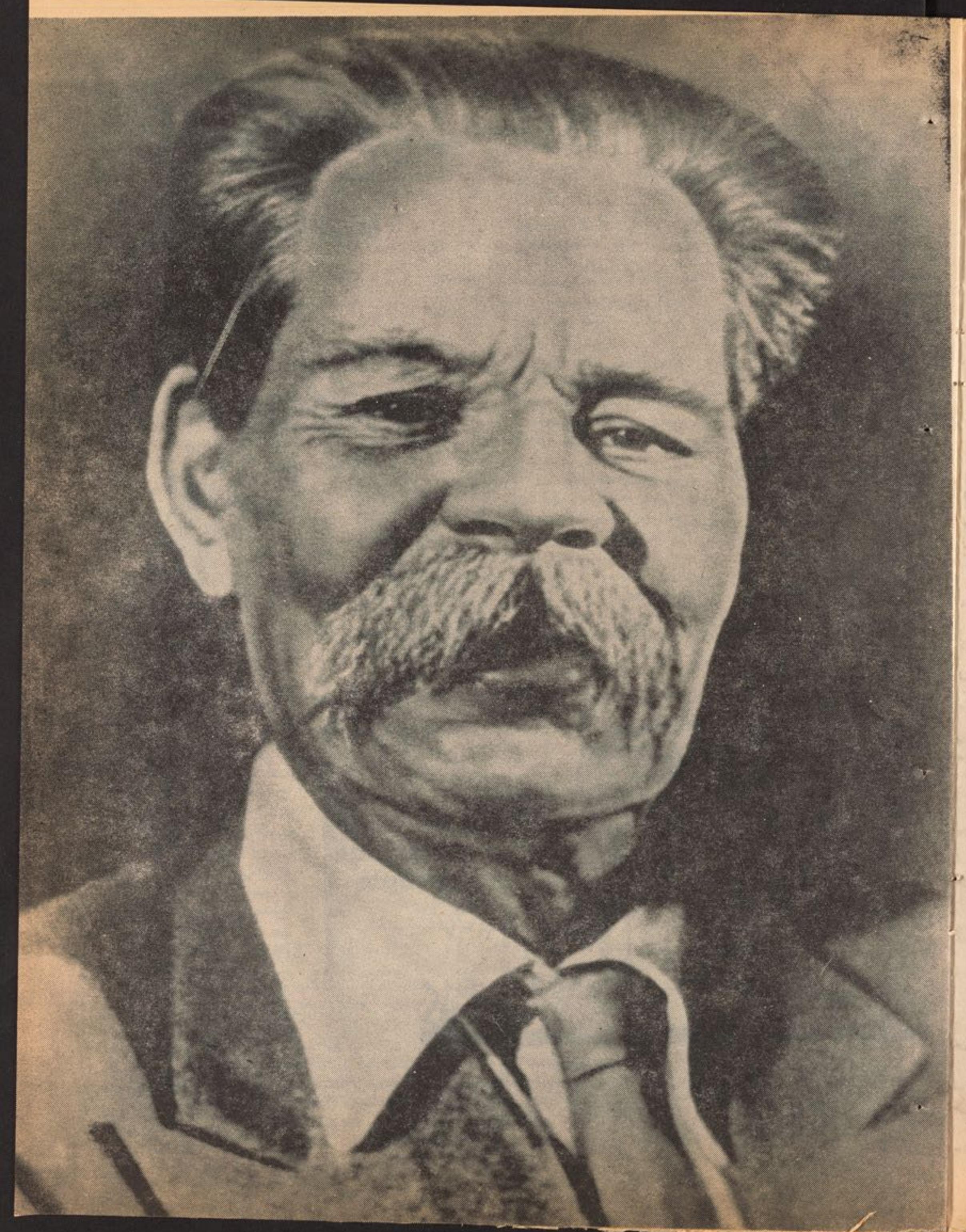
کشوری که سلاله خونا شام یحیی چون جوک‌های کثیف به گوشت و پوست مردم باصفای ما چسبیده گلگون کفن و گمنامی از خود به جا گذاشته است.

بدون تردید میتوان خاطر نشان که از مبارزین اکثریت زحمتکشان بود و شیرخوار از نیم قرن اخیر در خواه ملی به خاطر استحکام مبارزه جامعه مارا بیحرمانه می‌مکیدند. مردم آزاده و تسليم ناپذیر افغانستان، پدران و مادران شیر دل و باکنیاد ما در ادوار مختلفه حیات عمومی ضد سیاست استبداد قرون خویش به خاطر دفاع از حق و ویرای تامین و دفاع از آزادی‌های انسان عدالت حقوق و آزادی‌های انسان زحمتکش، چون دژ استوار بـا گردیده است.

مقامات و سر سختی علیه جباران و ستمکران داخلی و نیروهای اهربینی خارجی، بارها با نبرد

استبدادان ارتقا ع فشودالی در فرهنگی تومار فتنه انگیزانه نیز و های ارتجاعی را علیه جنبش آزادی بخش ملی مردم را تحریکا تو و توطئه‌های بی در بی بد هشت‌افگانی تاریخ چند هزار ساله می‌بین شیر کشور به پشتیبانی از تبعاع بینـ اهلی و امپریا لیسم با تحریکا تو و سیزین نده بـا خاسته اند.

سردمداران ارتقا ع فشودالی در های ارتجاعی را علیه جنبش آزادی بخش ملی مردم هم می‌بیجید و توطئه‌های بی در بی بد هشت‌افگانی تاریخ چند هزار ساله می‌بین شیر و اختناق عمومی میان مردم دست می زدن و برای تعکیم موقعیت روبروی جنایتکارانه حاکمه فشودا لی به مبارزه انقلابی و جنبش‌های آزادیبخش توام با مقامات و دلیری بوده و خویش تلاش مداوم به خرچ میدادند بر میخاستند. یک دهه و نیم



ارسالی: ملل متحده

آیا موجودیت

ملل متحده

واقعاً

ضروری

است؟

در عین حال با برو بلطفهای سنت درین قرن دو باز در گو دال
جادید و جدید دیگری چون خفا. جنگهای جهانی بر تاب میشوند.
آیا معنی این حر فبا اینست که

طلت محیط زیست انسانی، تا میز
نیرو و ضروریات جهانی که
نفوذ آن، تابایان قرن تقریباً
است؟

دو برابر خواهد شد. مواجہ
ملل متحده کارهای زیادی
میباشد. و گذشته از همه اینها
عیو لای هستوی همچنان بسیار
فقطیت های آن در مطبوعات به
سر همایه میافکند.

بسیاری از مردم، ملل متحده را
خاطرو ل و ضع فعالی جهان میدانند
مگر اکثر کارهای آن تبایخ
ولی، ملل متحده حکومت جهانی
نشده است.

زمانیکه منتشر ملل متحده اضا
گردید، خود ارادیت، یعنی حق
حاکمیت مردم و حق انتخاب روش
زندگی شان، یک هدف بسود
که به ملل متحده از اراده سیاسی
برای عمل، بول، کار منته
و همداد و جمیت می دهنند.
که سایق تحت استعمال بود،

در صورت فقدان هر یک از این
عنصر، ملل متحده نمیتواند
میانجیگری بین وقوتهاي حفظ
با مشکلات موافقانه یافجه نرم
کند. البته از کشورها تو قمع
صلح در کنترول نمودن یا
برده شده نمی تواند که با هم

آهنجکی کامل و مداوم کار گند
در بین کشورهای عضو
در بین نقاط جهان نقش داشته
نموده که ((اکثر در موسمه ایکه
اولین ملل متحده در سال ۱۹۴۸

محل عضو آن دارای فرهنگ، تاریخ،
اعلامیه جهانی حقوق بشر را در
تاریخ ندوین نمود و متعاقب
مختلف اقتصادی و اجتماعی اند.

بارها گفته شده و باز هم تسلیحاتی اسلحه زده نشده است
در هر دو کی نظام اقتصادی بین-
المللی ادامه دارد، و شکاف بین
غیری و ندارد و سعی همیشگی
خود با قیست، تبعیض نژادی
مليون ترا انسان را در افریقا
محل و سیمه ایست برای تبادل
نظر عداوم در بازه مشکلات، و
مشوره های فوری در موقع

بخارا نی.

تشکیلات بین المللی یکی از
واعیات حیات در جهان امروز-
یست قعا لیبهای هو میسات اختصار-
صی جون ساز ما نهایی یستی،
حمل و نقل و تبلی کامو نیکیشن
که ما آنرا یک امر عادی تلقی
میکنیم بدو نهاد ری های بین-
المللی ناممکن است. حتی تجارت-
منظمه در امتعه و مخصوصاً لات صنعتی
بدون موافقات و ترتیبات منسجم
بین المللی غیر ممکن خواهد بود.
ملل متحده در تغییر او ضایع

جهانی چه گردیده نمیتواند؟

خطاب به شاگردان یکی از
بوهستو نهای امریکا، منشی عمومی
ملل متحده کنور کورت والدهایم،
در ماه ابریل ۱۹۷۹ اظهار رداشت
که دنیای امروز دست خوش اخلاق
شناک و تردید و بی تضمیمی است
شعله های اخلاقیات منطقه ای در
شرق عیانه، قبرس، و بسیاری
از نقاط افریقا و هندو چین باز هم
باز هم بلند میبرود و مساوی
بزیانه میکشد مصارف تسلیحاتی اند.

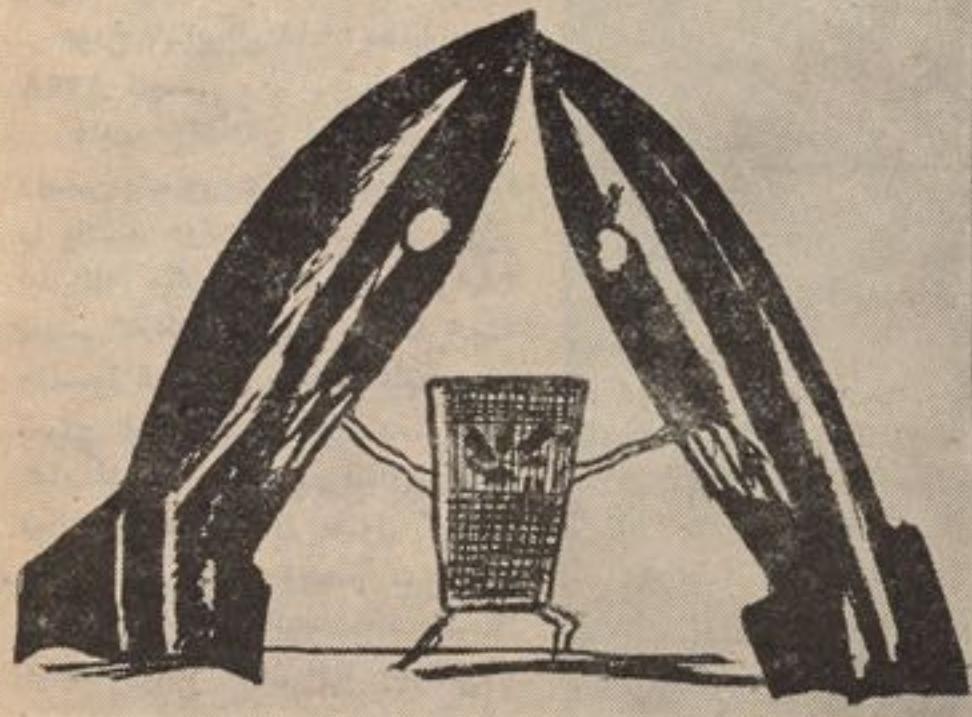


محروم میسازد و حقوق اساسی اخلاقیاتی را میدهد که بعضاً آن دو میتاقدیکر را تصویب نمود
تعداد بیش از مردم در اکناف به تصادم میانجامد. قطعاً این میتاقدیا حقوق مدنی و سیاسی
جهانی به ذرا بیع مختلف با مال قابل تعجب نیست. ((آنچه مایه و اقتصادی مندرج در اعلا می
میگردد. میلیونها نفر دیگر در اینجا است، اینست که چرا جهانی را، شرح داده، و به
بنجه آفتاب سماوی و تعدیب کشورها در حالیکه از فرجام تا میان آن کشورهای عضو را
سیاسی در جستجوی منزل و ملجا تبا هی آور نا کامی کاملاً آگاهند. قانوناً متعهد میسازد. این میتاقدیا
هنوز هم با عمل کرد های نادر در ۱۹۷۶ نا فذ گردیده و شامل

مِدِيمُ مَلِيْكِ مُتَّحِدِ

آیا مردم ملل متحده همه دیپلو مات این امتیازات شامل معا فیت ند؟ خیر : آنها مشتمل از سه گروه میباشند و هر یک از یین گروه ها برای مر جمع مختلفی فعالیت دارد :

- ۱- نمايندگان حکومات در ملل متحده و يا هر جاي دیگري
- ۲- نمايندگان موسسات از جهان ما موریت داشته باشند . مجاز است .
- ۳- کارمندان سازمانهاي چنین نمايندگان در کلیه مجاہدین ملل متحده .



کشورهای کوچک و بزرگ در فشار رخراجی انجام داده بتوانند، از یک سلسله امتیازات و مصووب- تطبیق و پیشبرد سیاست خارجی نسبتی حقوقی بر خورد ارشاد متحده استفاده میکنند.

تر تیبا تی غر پس رسید گی به تصادم و تمدید بر خورد ها در شکایات و عدو ل از موازنی تعدادی از نقا ط بحرا نی جهان حقوق بشری میباشد . ممل متحده در چو کات ممل متحده و سازمان از بدو تا سیس ، پا نزده عملیات حفظ صلح را در نقا ط مختلف شرق های مر بو ط آن کنوا نسیو نهای زیاد دیگری که تحت آن کشورها تأمین حقوق خاص را تعهد می نما یند به امضاء رسیده است مثلا ((کنوا نسیو نهای قتل نوع، حقوق سیاسی زنان، برد ه گیری و برد ه فروشی، کارا جباری ، حیثیت مهاجرین، از بین بردن بعض نژادی، صرف معدودی از بین کنوا نسیو نهای میباشد . در ساحة اقتصاد و مسائل بشري و اجتماعی موافقتهاي - سیستم ممل متحده قابل ملاحظه اند : تحت یك عملیاتی که از طرف یک سسه صحت جهانی انسجام شد . در اکثر عملیات حفظ صلح این ماهول های مهم تحقق یافته به حل صلحجو یا نه اخلاف میباشد . در اکثر عملیات حفظ صلح این ماهول های مهم تحقق یافته یا فت چیچک محور گردید . به کوشش مو سسه مواد غذائی اند .

وزرا عت يك سیستم اخطا ر قبلی- تشكیل قواي اضطرا ری ملل-
در برا بر کمبود ها ی ۱. حتما لى متعدد در سال ۱۹۷۳ برا ی ثبو ت
جبو با ت و مواد غذائی د یکگر برآه مفید یت عملیات حفظ صلح ملل-
اندا خته شد . متعدد مثال خوبیست ، در ماه

از طریق صندوق اطفال ملل - اکتوبر آنسا ل باز هم بین مصر متعدد و موسسه صحبت جهانی و اسرائیل تصادم واقع گردید، به چهارصد میلیون طفل در برآبر و باشدت جنگ بحرا نی پدید آمده امراض مهملک و معیوب کشته که خطر شمول قوای بزرگ را درین برخورد بعیان آورد . تشکیل معا فیت داده شده .

عملیات خطوط هوایی جهان در نتیجه قوانین و مقر را تیکه روی آن در چوکات موسسه فضای نورده ای ملکی موافقت بعمل آمده محفوظ تر گردیده است . در تطبیق تقریباً ۸۰۰ پروژه از اینکشاوهای از طریق پروگرام - آتش پس کمک نمود .

انکشا ف ملل متحد معاو نت بعمل شورای امنیت در عملیات حفظ صلح ملل متحد صلاحت است اعمال میا ید .

و معیارها نی که از طریق
موسسه بین المللی کا ر تثبیت
گردیده شرا یط حیات را برای
مليونها کارگر در اطراف واکناف
جهان بهتر و محفوظ تر ساخته
است .

*آبدات گرانبها چون معبد ابو- براه انداخته شده میتواند . باین سمبول در مصر واکرو پولس در دلیل ملل متحده نتوانست در بعضی یونان به کمک موسسه تعلیمی ، از برخوردها ، چون جنگ و یتنام علمی و فرهنگی ملل متحده از - ، دخالت نماید . همچنان بد لیل

تخریب و نقص حفظ میگردد. اینکه ملل متحد مجبور است از کوششهاى ملل متحد در امر اعمال قوه اجتناب نماید، واژه

حفظ صلح نا کدام حد مو نر افتاده تشو یق و ترغیب کا ربکیرد، عساکر
است؟ ملل متعدد جز در موقع دفاع از

یقینا در جلو گیری از بروز مجدد د توا نند.

اساسهای استقرار رو ابطد وستی و مناسبات دیپلمو هاسی بین افغانستان و اتحاد شوروی

«محب حیرت»

الله استاد موقت تاریخی روشتر است که امیر امان الله خان غازی رئیس دولت افغانستان، تحت شرایطیکه تجاوز امیری است، افغانستان را تهدید می کرد، بتاریخ هفتم ابریل سال ۱۹۱۹ عنوانی لین پیام فرستاد که بگفته اهل تحقیق «عزمون این سند بوضوح نشاند هنده آن اختقادی است که بیرون های میهن پرست افغانستان به گشود سوسیا لستی شوروی و به لین داشته باشد»، همچنان رئیس دولت افغانستان فرم آن پیام ارسالی خود علاوه داشته بود: «من معتقدم که اعلامیه مربوط بودت و دوستی به نوعی میرم برای همیوستگی و صلح و برای رفاه بشریت ضرورت دارد»، مقابلاً هن جوایه آن پیام بتاریخ ۲۷ مه می سال باد شده، با پیغای لین و کالین عنوان رئیس دولت افغانستان فرستاده شد که محتوای آن از سلامها و احسانات کم رهبران شوروی نسبت به ملت آزاد و مستقل افغانستان و تبریکیه جلوس امیر افغانستان برخخت مشحون بوده و با تعجیل از طرف دولت کارگران و دعفانان و قاطبه خلق شوروی متقابلاً بغلق آزاده افغانستان که دلیرانه از آزادی خود در برایر اسارتگران خارجی دفع میکردند، درود و تهیت فرستاده شد.

فمن آن تصريح یافته بود که: «ما تصمیم اعلیحضرت را برای برقرار ساختن مناسبات نزدیک با مردم روسیه تبریک می گوییم، از شما خواهشمندیم تا نهایت دوستی برای مسکو معین کنید، هم پیشنهاد می نهایم که نهایت دوستی کارگران و دعفانان به کابل عزیمت کند و از اعلیحضرت تقاضا می کنیم تا برای صدور اجازه قدری دستورات لازم را بهمه مقامات دولتی بدھند»، بر قراری مناسبات دایمی سیاسی بین دو ملت بزرگ امکانات وسیعی را در زمینه کمک متقابل بر خد عرض کونه دستیسه د دمنشان خارجی علیه آزادی و

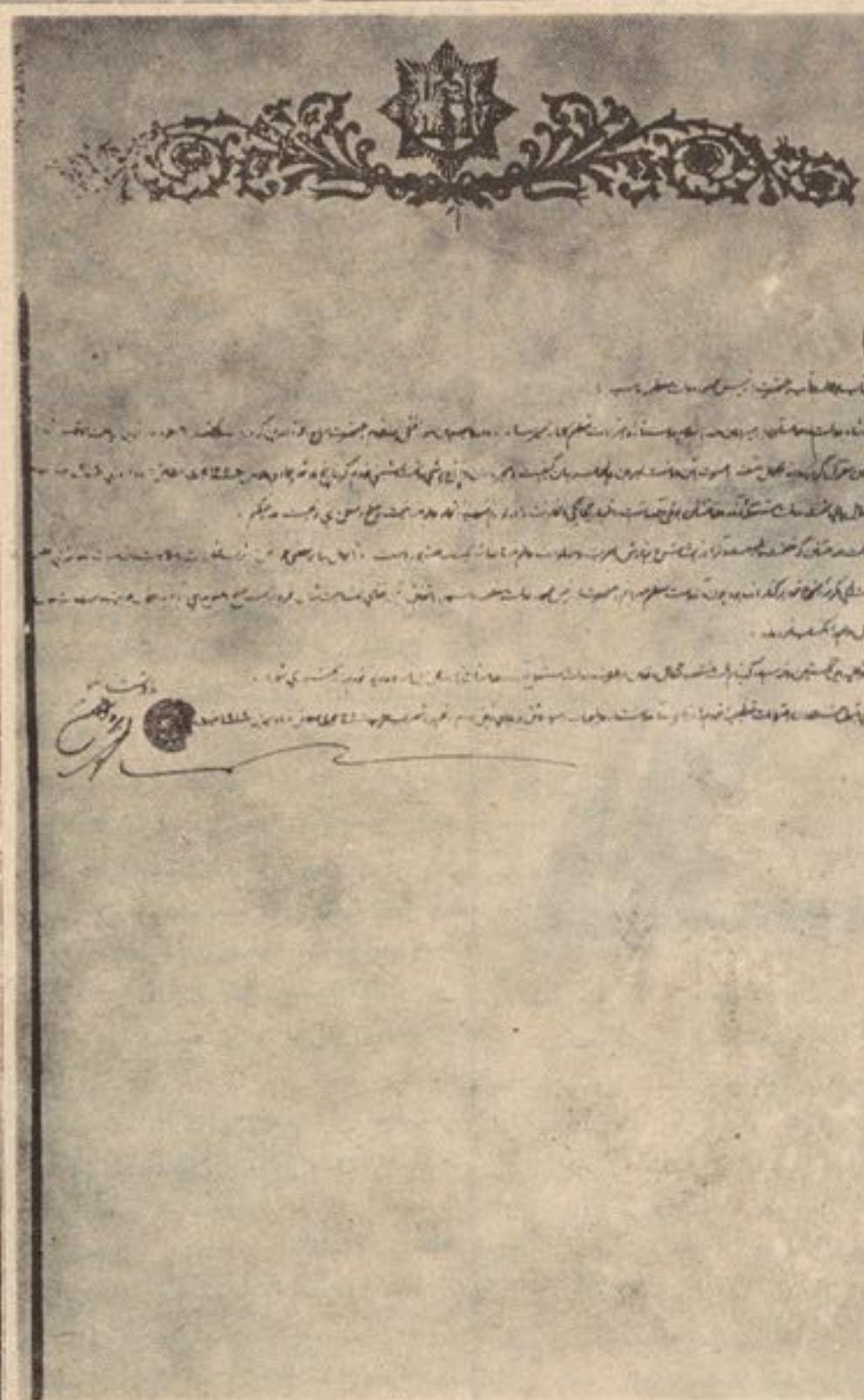
فوتو کاپی هن پیام مر حوم امام الله خان غازی پادشاه افغا نستا ن به عنوان ولادیمیر ایلیچ لینن رئیس شورای کمیسaran ملی جمهوریت فدراسیف شوروی سوسیا لستی روسیه و م. ا. کالینن رئیس کمیته مرکزی اجراییه کل روسیه بشر ح آتی است:

مورد ۷-۱۴ ابریل ۱۹۱۹ مطابق جمل ۱۲۹۸ شمسی.

جناب جلال الدین اعلیحضرت رئیس جمهوریت دولت معلمۀ روسیه را پادشاه دولت افغانستان (امیر امان الله) سلام دوستا نه و احترامات تعظیم کارانه میرساند و از فاجعه جانسوز قتل پدر خودم، اعلیحضرت سراج الملہ والدین که از دست کدام غدار نا معلوم در اثنای سیاحت ممالک شاهانه شان مقتول گردیده اند، بكمال اسف و حسرت به آن دوست مهربان، عالیجناب، بیان کیفیت و بخبر دادن از تا چپوشی و تخت نشینی خودم که به تاریخ ۱۹ شعبان جمادی الاول سنه ۱۳۳۷ هجری مطابق ۲۱ ماه فبروری سنه ۱۹۱۹ عیسوی، در کابل پایتخت دولت مستقله آزاد افغانستان به وقوع آمده است، اظهار یگانگی و محاد نت را از لوازم ضروریه اتحاد عالم انسانیت و صلاح و صلاح بنی نو عیت عهد میکنم.

دولت افغانستان که خلق است و طبیعت آنرا از اساس و بنیاد شن با حریت و مساوات عالم انسان نهاد شریک ساخته بوده است، تا به حال بنابر بعضی عوارض از شرف مخابرات و مکالمات و مذاقات با دولتیای معلمۀ و ملتبای مکر مه همنوع خود برگزار مانده بود.

چون آندوست معظم میر با نام اعلیحضرت رئیس جمهور دولت معلمۀ روسیه باتفاق دیگر رفقاء انسانیت شان، فخر و شرف، صلح و صلاح بنی آدم و اعلان حریت و مساوات دول و ملل عالم را اکتساب نموده اند، بناء علیه این نخستین دفعه است که بنام ملت مستعد با



تمام افغان از طرف دولت مستقل در سالهای ۱۹۱۹ - ۱۹۶۹ (۱۹۱۹) از انتشارات وزارت امور خارجه افغانستان و وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لستی اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لستی طبع کابل. دلو ۱۳۴۹ و رسالت تحت عنوان «د افغانستان او د شوروی اتحاد د دوستی دینخوسم کا ل د ترون به مناسبت د افغانستان او د شوروی اتحاد د دوستی د تو لنی خپرونه)، هورخ ۸ هو ت ۱۳۴۹ - ۲۷ فبروری ۱۹۷۱ از نشرات مستند وزارت اطلاعات و کلتور.»

دوست شما امیر امان الله سند مربوط به آرشیف هر دو کشور.

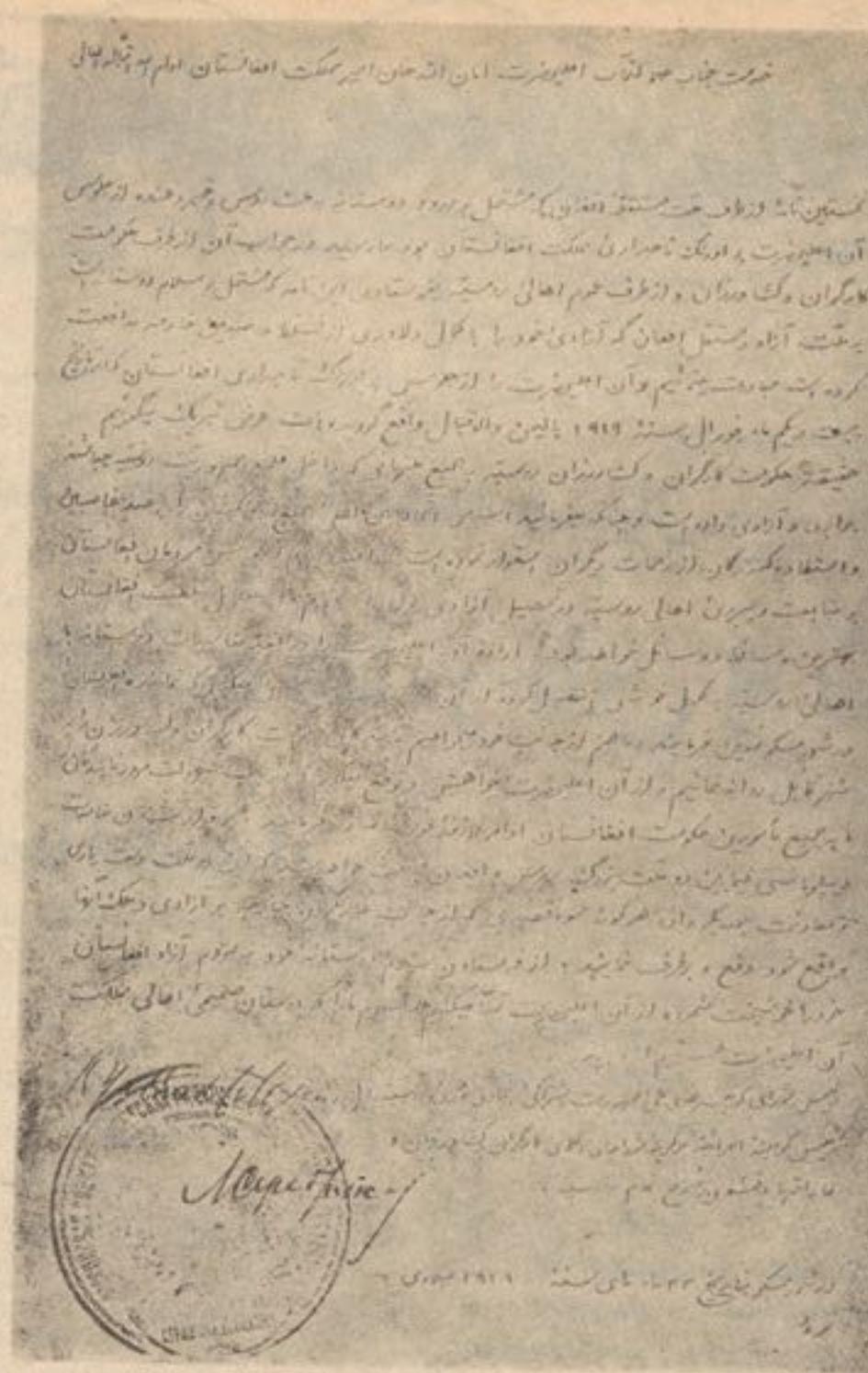
(انتخاب و اقتباس از متن کتاب «مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی»)

حقیقتاً حکومت کا رکران و
کشاورزان روسیہ به جمیع ملتها ی
کہ داخل قلمرو جمهوریت رو سیہ
می باشند برابری و آزادی داده است
و چنانکہ میر مایید اساس اتحاد
بین المللی جمیع زحمتکشان را بر
ضد غاصبین واستفادہ کنند کا ن
از زحمات دیگران استوار نموده است.
امید وارم کہ کوشش مردمان
افغانستان بر متابعت و پیروی اهالی
روسیہ در تحصیل آزادی برای
استحکام واستقلال سلطنت افغانستان
بہترین وسایط و وسائل خواهد بود.
ارادة آن اعلیٰحضرت را در عقد
مناسبات دوستانہ با اهالی رو سیہ
با کمال خوشی استقبال کرده از آن
اعلیٰحضرت خواهش میکنیم کہ
نماینده افغانستان رادر شهر سکو
معین فرمائند و ما هم از جانب خود
میخواهیم نماینده گان حکومت کارگران
و کشاورزان را به شهر کابل روانه
نماییم و از آن اعلیٰحضرت خواهش
و توقع میکنیم کہ در باب سهو لست
مرور نماینده گان مابه جمیع مامورین
حکومت افغانستان اوامر لازمه فوریہ
صادر فرمائید . برقرار شدن
مناسبات دیپلوماسی فيما بین دو
ملت بزرگ روس و افغان باعث
خواهد شد که این دو ملت دست
یاری و معاونت بیمددیگر داده ہرگونہ

ملکت افغانستان بود بما رسید . رجوا - آن از طرف حکومت کارگران
خارجه بر آزادی و ملل آنها واقع شود
کشاورزان و از طرف عموم اها لی
و سیه بقرستادن این نامه که مشتمل
رسلام دوستانه است ، به ملت
زاد و مستقل افغان که آزادی خود
با کمال دلاوری از تسلط غا صبین
خارجه مدافعت کرده است ، مبا درت
صمیمی اهالی مملکت آن اعلیحضرت
همستیم ، از هابذیرید .

رئیس شورای کومنیسٹ های ملی جمهوریت اشتراکی اتحاد شوروی روسیه : ولادیمیر ایلیچ لینن . رئیس کمیته اجرائیه مرکزیه شورای وکلای کار گران و کشاورزان و قزاقها و قشون سرخ تمام روسیه م. کالینن .

(آرشیف افغانستان - متن اصلی
پیام فوق به لسان دری میباشد)
(برگزیده و رونوشت از کتاب
((مناسیب افغانستان و اتحادشوری
در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۶۹ اورساله))
افغانستان او د شوروی اتحاد
دستی دپنحوسم کا ل د ترو ن په
مناسیب دافغانستان او د شوروی
اتحاد د دوستی دولتني خیرونه)



لور کابوی فتن پیام ((۹.۱.لینن))
» ۱۰. کالینن « عنوانی مر حوم امان
له خان غازی پادشاه افغانستان .
مورخ ۲۲ می ۱۹۱۹ مطابق
دور ۱۳۹۸ .

خدمت حناب جلالتماب اعلیحضرت
مان الله خان امیر مملکت افغانستان
دام الله اقباله العالی .

قطار سایر کشور های جهان و عمجهوار دودولت کلیه بلانهای استعمار گیری انگلیسها در داخل افغانستان که مشتمل بر درود دوستانه که در تاریخ بیست و یکم ماه فورال سنه ۱۹۱۹ بالیمن والاقبال واقع به ملت روس و خبر دهنده از جلوس آن اعلیحضرت بر اورنگ تا جداری گردیده است، عرض تبریک میگوییم.

و دو مملکت دوستی بودند که بدون پون و پسر و خارج افغانستان حتی گردید و حسون سرخ روسیه شوروی همکام با حوادث داخلی روسیه رزیمهای همدیگر را به رسوبت شناختند . سپاه انگلیس را که میخواست از راه تفرازو در قبال این اقدامات انگلیسها ، علیه افغانستان و روسیه شوروی در صدد عملیات تخریبی بر آمدندتا آنجاکه سخن بچنگ و ستیز رسید و در سال ۱۹۱۹ ، بین افغانستان و انگلستان آتش جنگ سوم شعله ور شد ولی با تر درایت رهبران هدیر و دلاور افغان و هنگی بر مقاومت واپسادگی هردم رسید افغانستان بالمرداد

دارایین دیگران فراهم خواهد ساخت مافوق العاده خوشوقتیم از اینکه این اولين درود را به خلقبای افغانستان هیفرستیم واز اعلیحضرت خواهش میکنیم تا سلام کرم دوستانه ما را به عنوان دوستان ملت افغانستان بیدایرید».
رویداد های تاریخی آنزمان میان چنان ناگواری های غرض الود منابع استعماری غرب شد که مبارزان راهی بخش ملی در افغانستان و انگلستان و تائیر آن در برخی از سر زمینهای دیگر شرق زمین، اسباب تشویش و تکرانی امپریالستان های جراحت را فراهم آورد چنانچه در ماه جولای سال ۱۹۱۹ خبر نکار آزادس «بونایتیدرس» افریقا بی شمن مصاحبه با لین، این مطالب را نیز مطرح کرد که: «جمهوری روسیه شوروی در باله افغانستان، هندوستان و سایر کشورهای مسلمانی که جزو روسیه نیستند چه تاکتیک و سیاستی دارد؟» لین فهم رسانی
بدین سوال روش نساخت که: «فعالیت جمهوری شوروی در مردم افغانستان، هندوستان و سایر کشورهای مسلمانی که جزو روسیه نیستند تماماً براین اساس مبتنی است ناسیون شود که به اتحاء مختلف به ترقی مستقل و از ادھر ملت کمک شود و بدون عیج قید و شرطی همه آن عوامل که ستم هشت قلیل سر «ایه داران متمدن را نسبت به زحمتکشان کشور های خود و نسبت به صدھا میلیون نفر در مستعمرات آسیا و افریقا و نواحی دیگر تحکیم می کند، منتف نوابد».

البته حقایق هندرخ استاد مستند تاریخی گواه بر
آنست که راجع به سیاست خارجی این هم در
افغانستان و هم در کشور های دیگر خاور
ذمین، علاقه زیادی ابراز نمی شد. چنانچه برواق
انشیار نظر یکی از محققان معاصر سوری،
این اوضاع و احوال را حتی جراحت اجتماعی
انگلستان نیز بنایدار تایید کرده و از فران
نفوذ دولتی سوری در آسیا فوق العاده ابراز
نگرانی مینمودند. چنانچه مجلد «کوئتم پوراری
رویو» چاپ لندن در اواسط سال ۱۹۱۵ چنین
نوشت: «ما نمی توانیم توضیح بدھیم که
چطور شد بلشویزم نه تنها در نواحی آسیای
میانه بلکه در افغانستان و حتی در هندوستان هم
ظرفیت دارد. اگر حقایق مورید این
امروزه وجود نداشت، ممکن بود تصویر شود این
چربان که تزهای بلشویزم بسوی ملل مسلمان
داده میباشد، حقیقت ندارد».

این رویداد ها ضربه شدیدی را بر روحیه توسعه جویانه استعمار گران در سراسر جهان، بخصوص در آسیا وارد کرد و مردم هند را نیز تکان داده و شعور آزادیخواهی را در دماغ باشندگان نیم قاره بیدارساخت چنانچه جواهر لال نبرو صدراعظم فقید عند در کتاب خود بدان نکته نیز اشاره گرده است .
بدینترتیب افغانستان وروسیه سوریه در

سلسله گفت و شنود ها و نشسته های اقتصادی ذو ندوش

در زیر ذره بین نقد و انتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ذو ندوش

یک بررسی همه جانبه از عمل بروز اختلاف میان:

عدو سه ها و خشوه ها، زنان و شوهران جوانان و سالمندان

اما دختران و پسران امروز در موقع ازدواج

تحصیلاتی در حدود متوسط و با بیشتر ازان
دارند و معلوماتی درین زمینه کوشش آیده اآل
چگونه باید باشد و یا زن مطلوب واجد چگونه
شروعی باشد که معلومات و تحصیلات باید
واردی خلاصه هیگردد؟
باید گفت که ازدواج هادر گذشته تابع یک
آموزی به عمران نباشد نقش موثر در تعکیم
روابط خانوادگی دارد.

اما من بالین نظر داصح عمرانی هیکنم که
بدآموزی جوانان سبیل شده است برای تبارز
اختلافات فراوان خانوادگی جراحت دختران ها زیر
تاثیر فلم های هندی بادستان های روماتیک
شور ایده اآل را در قالب یک قبرمان سینما
می اسد ، نفخت چرگه فامیلی باشست چند
بزرگسال دورهم صورت هیگرفت موظوع بررسی
می شد و برای رفع اختلاف توصیه های داده میشد
که چون جوانان احترام و گپ شنوی از بزرگان
پرده سینما تمیتوان دیدوبه همین ترتیب خیلی
از پسران ما هم چنین می اندیشند که هر زن باید
در روایت خانوادگی خود باشوهر در واقع

یو هاند امین:

- ۱- میز گرد ذو ندون به اشتراک :
- ۲- داود پنجشیری معاون و استاد پوهنخی حقوق و علوم سیاسی یو هنتون کابل
- ۳- دکتور محمد اصفهانی استاد پوهنخی حقوق و علوم سیاسی یو هنتون کابل
- ۴- یوهاند محمد امین استاد پوهنخی تعلیم و تربیه یو هنتون کابل
- ۵- میر ناصر الدین کلیم فاضی در محکمه فامیلی
- ۶- نجمه منشی زاده فاضی در محکمه فامیلی
- ۷- لینا یونل معاون تدریسی لیسه عالی سوریا
- ۸- عبدالحق واله آمر شعبه ترجمه ملل متحد
- ۹- حلیم توییر دایرکتور پروگرام تلویزیون زن و جامعه
- ۱۰- انسه اویب معلم در مبارزه بابی سوادی
- ۱۱- سیما رازین انوری پروڈیو سر پروگرام تلویزیون زن و جامعه
- ۱۲- مبلغه صادقی معلم مکتب لامعه شبید
و تعدادی از اعضا گروه مشورتی ذو ندوش در هتل انتر کا نتینتال کابل دایر نمود
بود.

سالنامه اجتماعی و اقتصادی شهر، شهرستان و کلانشهرها

آن زن به جان آتش

۰۰۰ که فهد

اگر تو بستر زمین سخت و لحافت آسمان
چرا یک مرد از کانون گرم و با صفات
گستردگی خدا باشد ، من لذت یافتو بودند را
خانوادگی اش دلزده می گردد ؟
با عمه‌ی نروت‌عای دنیا عوض نمی کنم .
چرا سهر و محبتی را که باید در این
کانون به سراغ گیرد در جای دیگر می
گردد ؟

اگر تو خیمه بی در دشتی برافرازی ونان
چوید ؟
خشندو طرقی آب‌واندگی‌نهاد رادر دست‌خواست
بود اینکه در چشم آمالش بدل می گردد به
گذاری من این خواراک ساده بسیار فقیرانه
کونه ایکه وی بودن در هر جای دیگر را به
رادر کنار تو چنان شادمانه و در اوج لذت
صرف خواهم گردگه هرگز مانندی برای آن
بودن در خانه ترجیح میدهد خیلی چرا های
دیگر خانم من به سان خیلی از زن های

دیگر که تمام بینش شان از محظی فلم‌های
عاشقانه هندی و رنگین نامه های چاپی داخلی
و خارجی مایه پذیر است انتظار دارد که
شوهر او و مرد زندگی او همیشه در قالب
فلان قهرمان سینه‌ایی در زنگی خانوادگی
نمازی گردد و در تمام لحظات فقط نیوا های
وجود من در توست که عهتم بیدا می
عاشقانه رایه گوش او فرو خواند از زیبایی
گند .

چرا گاهی :
تو ابری و من باران
تو سبزه بی و من شنیم
تو آوازی و من طنین آواز
تو آبی و من ماهی

و تو ،
خاکی و من ریشه بی در تو
* * *

این کلمات عاشقانه و سینه‌ای از سخنان
همسر من بود در بیش از ازدواج و در آن روز
هایی آرزوی پیوند جاودانه و ازدواج یافتن به
قول خودش روشنترین و پر فروغ ترین
ستاره در شب تاریک زندگی او بود همسر
من یعنی همین خانمی که هفته گذشته دست
به فلم برد بود نابا نشر درد دل‌هاوشکوه
وشکایت های غراآوان خود از هن که شوهرش
می گوید ، تو همین و اعانت می گند و چنگدو
ستیز را جای نشین صلح و صفا می سازد .
همسر من که از یاد برده است تا بیش از
ازدواج چگونه شخصیت هر یه ستایش می
گرفت و هر برتر و داناتر و بهتر از هر مرد
ستان خود راستگو نمی‌باشد خانم من به شما
دیگری می اتفاق نمایم ، اکنون همینکه ویکی به
داوران جمل های خانوادگی زوندون لب به
شکوه گشوده است که من یعنی همسر هر دو
زندگی وی بعداز سبزی شدن ماهی چندان من گفت هر زنده و درو غافل می خواند
ازدواج هان به وی دلسرد شده ام و از دی
میز بریده ام و محبتی را که حق
مشروع و قانونی وی است به بیان زندگان
ریخته ام - اما هر گز در این زمینه اشاره‌ی
نکرده است ، که :

بقیه در صفحه ۴۹

چنان باشد که ستاره گان زن سینما می‌باشد .
بهر صورت هدف این است که در این بخش
سطع ناجای امکان بتوانیم ریشه عای اختلاف
نیز در این زمینه نقشی واپر و موثر دارد .
را باید و در سطح مسائلی فرهنگ و اجتماعی
و اقتصادی خود توصیه ها و پیشنهاد هایی برای
بکاره میرسیم باید مسائله که بیشتر ناسازگاری
های خانوادگی در میان زنان و شوهرهای تحصیل
دانش باشیم که زمینه تطبیقی داشته باشد .
آنچه از این اصل ناشی می‌گردد که هر یک
خواهان حقوقی بیشتر در چوکات خانواده
می‌باشد شوهر از یکسری تأثیر مناسبات
یدر سالاری رفته و همه چیز را حق مسلم
خود میداند وزن در ساحه چنان بینی که دارد
طالب حقوق مساوی باشد است و این نقاد
فرکی خود ریشه خیلی از اختلافات می‌گردد ،
که در عمه جا و عمه‌ی اداره خشونت عاهم در ملامت
قرار می‌گیرند و اعمال شان تقبیح می‌گردد ، چرا
چنین است ؟

خشونه‌ای درک و برداشت شان از مسائل
امروز بسیار می‌گشند آن را از میان برداشند
و گمتر موفق می‌شوند ، بنابرین ماناید آن گونه
برای عروس خود فراز گیرند و از التفات داشت
و همچو ورزی های مادری خود عروس را نصیبی
که راه حل معضله این نمی‌باشد .
دهند که اگر چنین باشد مشکل خود به خود حل
می‌گردد .

به اجازه شما می‌بردازم به دوین بخش
از جمل امروزی خود و بررسی و آنکیزه یابی
علل اختلاف نظر نا سازگاری میان عروس هاو
خشوهای .
همانگونه که در بررسی عمومی ناسازگاری
های خانوادگی اشاره شد امروز هاکمتر فامیلی
را میتوانیم سراغ گیریم که به نحوی باشواری
ها و مشاجرات میان عروس و خسو
دچار نباشد و هر روز به گونه یی مداخله های
آنها در زندگی هم موجب سرو صداو ایجاد
پکوو مکو های تازه نگردد .
در بخش های دیگری این جمل اشاره
هایی رفت به اینکه زمینه های تحصیل و در
مجموع گلستوری و بالا رفتن سطح آگاهی جوانان
موجب شده میتواند که خانواده ها از نظر روابط
اعضای خود باهمدیگر سالم تر باشند .

در حالیکه تجارب نشان میدهد که خانواده
های تحصیل یافته کنونی به مراتب بیشتر در گیر
نایابانی های خانوادگی می‌باشد نسبت به
ولیقه عروس های تحصیل یافته است که با احترام
به خشو و ازرس گذاری به مقام مادری و حقیقت
می کنم که برینده ترین نمایش تیاتری دریک
دهه اخیر در میان خانواده های تحصیل یافته
و اگر همیشه به وجود می آید که موجب بروز
تکنیک اجرا و یا محظی خود چنان روشنگرانه
بوده باشد که گروه گروه جوانان تحصیل یافته
و پیران خانواده رایه خود بکشند ، بلکه به این
دلیل که در این نمایش خشبور اساس دیدی روشنای
و بدون علت یابی کوینده میشند و عروس ها تبرئه
باکیفیت خشونه بلکه در نظر یک مادر همراه
وادر می‌ساختند هم خود این نمایش را بینند
تبارز گند .

سوادآموزی عمومی و سوادآموزی حیاتی در
از میان برداشت عوامل اختلاف میان خانواده
و پیش از این هزار یعنی در حدود هشت هزار
زمینه های سواد آموزی برای تعامل زن های
خانواده تماساگر داشت و تعدادی نیز موضوع
ما فرامی آید بدون شک تا حدود زیادی نیز
آن زمینه صحبت در مخالف خانوادگی می‌گردد
که اگر قبول گنیم اختلاف میان عروس و خسو
مشاجراتی که سبب وعلت آن آگاهی کم و بی
دو خانواده های روشنگرانه ماحصل شده باشد باید

باید این اساس وظیله تمام زنان تحصیل یافته
در مسائل میان خشوع عروس نباید این همه
های سواد آموزی باکم خود سهم گیری خود
گیرد .

در عین مورد خاص بالا مبین است. جنسی هم میتواند در جای خود یک سبب اتکیه در بیرون و با ناسامانی های امور خانوادگی گردد.

حليم تنویر:

شما مسائل اقتصادی و در این شمار علم قدرت تبیه سریناه شخصی را به مسایل اخلاق میگذارید. از این مسائل خانواده انتقال می یابد. بر این عروس خود عقده هندی گردد و عقده هایش نیز با روش های انتقام جویانه تبارز و خود خانواده که موجب می گردد عروس و خوش نمایی می گند. نظر شما در این مورد چه میگیرد؟

دکتور ذهنی:

شما به دو موضوع کاملاً مختلف از عزم اشاره می کنید یعنی استقلال زوج و زوجه در امور داخلی زندگی خانوادگی و دیگری حس

عاطلی مادری و پسری.

که در هردو مورد مسائل استثنایی را باید به عنوان اصل مورد پذیرش قرار دادو باشید رابه صورت متفاوت و در درون یک یا چند خانواده نموده به نسبت زندگی گرفت که میتوان به خصایق رسید و حال بقای این است که دلایل اقتصادی عده، اساس و تعیین گننده است و مسائل عاطلی هم فقط در زمینه روابط از دارد و نه اینکه جای متن رابه خود اختصاص دهد، از طرفی هم روابط عاطلی از اصل اقتصاد مایه پذیر است.

پیر ناصر الدین کلیم:

من در تایید گلته های دکتور ذهنی فقط این نکته را می افزایم که در چگونگی روابط خوش با عروس و در شرایطی که مسائل عزم توائی های اقتصادی موجب می گردد که زن و شوهر با خشونتی عروس دریک منزل زندگی گنند. به وجود آمدن حسن تفاهم و یاسو و تفاهم و خوش بینی شاوه بینی ها هر بروز می گردد به ظریز

روابط و بیش آمد پسر با خانم و هادرش اگر

شوهر بداند که چه مکلفتی هایی در برآور

خانم خود دارد و چه وجایی در برآور مادر

خود و بگویند که این مکلفتی ها وجود ندارد

زندگی خصوصی خود بایش و داشت تعیین

گنند بدون شک زمینه بسا از اختلافات و نا

سازگاری ها از هیان میروند - در صورتی که

اگر روابط شوهر به گونه می تبلیغ شده باشد

که حسادت مادر و یا خانم را برانگیزاند و یا

یکی معمول و دیگری حاکم قرار گیرند ناسامانی

عادر سطح خانواده افزایش می یابد و آرایش

از آن رخت برمی بیند.

ناتمام



کنندگان همیز گرد مجله زوندون در باره مسائل خانوادگی صحبت می کنند.

برای همه میبا گردد و سطح معلومات و داشت می سازد.

در جامعه هایلا رود که با به وجود آمدن این

امکانات مشکلات و دشواری های در سطح

خانواده در سایه درگاه منطقی و درست فضای

ازیکسو و رفع زمینه های نا مساعد عامل

اساسی اقتصادی از سوی دیگر خود به خود

از میان میروند.

حليم تنویر:

که اسراهه گردم نه تنها بروز حسادت هایگونه

من گفان میکنم تقسیم عواظف دوستی

پسریه مادرهیان خانم و مادر بعده ازدواج

جوان و سالمدر آن دیده میشود طبیعی

است که انواع معضلات و پرایلم ها عرض

اندام می گند، درحالیکه عکس شرایط نتایجی

در مبارزه با جبل و پاسواد ساختن دیگران حصه گیرند و نقش خود را ایفاء نمایند.

رووف راصع

من پیشنهادی دارم میتوانم بر اینکه برای بیرون گشیدن جدل ازحالات کنفرانس مانند کنونی غریب از مشمولان این گردهم آیین در صورتی که با محظی مختار یک سخنگوی موافق نبوده و برای رد آن دلایلی داشته باشند آن را به طرح آورند تا به این صورت با تبادله دلایل کافی در هر زمینه امکان نتیجه گیری بیتر فراهم آید.

دکتور ذهنی:

من با اینسه ارسیب و آنچه را که وی در زمینه اختلاف میان عروس و خشونجیت را بطریح آورده میباشم به اضافه اینکه زمینه این اختلافات نا سازگاری هاومنجرات از لی وابدی نبوده بلکه گسبی است علاج نایدیر نبوده بلکه در شرایط معین کاملاً امکان رفع آن وجود دارد.

همین آنکنون ما بررسی گرده می توانیم که

معاربه برلین (۱۶ اپریل - ۸ می ۱۹۴۵) نفعه اوج هیبیت ترین و خوفناکترین جنگنده تاریخ بشر بوده است. جنگی که زمینه آن به وسیله امپرمالیزم چیانی بی ریزی شد و به وسیله آلمان نازی در اوائل سپتامبر سال ۱۹۳۹ هنگامیکه نازی ها پولند را هورد حمله قرار دادند. برای اندخته شد. برای مدت نسبتاً کوتاهی که فاشیستها و عمال هتلر ظاهر مقاومت جدی ای در برآبرخوبیش نمی‌دانند، همه گردیدند تا تقریباً تمام اروپای غربی را تحت انتقام خود درآورند.

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۴۱ آلمان نازی اتحاد سوروی را خایانانه هورد حمله تجاوز قرار داد؛ اما از نخستین لحظات برخورد در خاک سوروی روشن شد که جنگ در نواحی شرقی تباشت به آنجه که ورماخت در غرب به راه اندخته است ندارد. چه فقط در جبهه جنگ سوروی - آلمان بود که عقلمت واقع عملیات، از نظر گستره و شدت بدیدار شد وهم درینجا بودگه ستون فقرات آلمان نازی ونزویلای عقیم نظامی آن درهم شکست شد. نیروهای مسلح سوروی ۶۰۷ لشکر نازی را با تارومار گردند و یا به معاصره کامل گشیدند. در آن سالها آلاف بر قدر هتلر، درشگل یک اتحاد نظامی، سیاسی گشودها و مردمانی که اعضای عمدۀ آنرا اتحاد سوروی، ایالات- متحده امریکا و بریتانیا تشکیل گرداند به آنان آمد و تقویت شد. نقش عمدۀ درین ائتلاف نظامی، سیاسی بر عهده اتحاد سوروی بودگه نیارهای زیادی را دریگار علیه دشمن متحمل گردید.

در دوران جنگ، آلمان نازی متعددیش را از دست دادو خود رادر حالت انزواج سیاسی یافت، درین زمان جنگ در سرزمین آلمان بیوسته تحریک گردید.

در پیار سال ۱۹۴۵ نیروهای شودوی پس از حمله ایکه در زمستان انجام دادند، بعدود خط «اودر» که فقط شصت کیلومتر از برلین فاصله داشت رسیدند.

نیروهای شوروی بر آن بودند تابه آخرین حمله فاطع و خرد گشته بر نیروهای فاشیستی دست زنند. جنگ شدیدی در طول جبهه سوروی - آلمان میان نیروهای دو کشور جریان داشت. نیروهای عمدۀ ورماخت هنوز در جبهه شرق و علیه نیروهای شوروی همراه شده بودند. تاریخ شانزدهم اپریل درین جبهه ۲۱۴ قشون نازی و ۱۴۵ بریگاد شامل عملیات بودند، در حالیکه در برآبر گلیه شصت قشون دشمن نازیها صرف بادو حد تانک در برآبر گشود های غربی می‌جنگیدند.

بایتخت دایش سوم نه تنها مرکز فعالیت‌های سیاسی نازیسم بشمار میرفت، بلکه نکی از مرکز بزرگ تولیدهای نظامی نیز بود. قوای دشمن در خط برلین همراه شده بودند. رهبری نازیها سخت تلاش مکرر دند تا پیش قیمتی که باشد از اشغال و سقوط برلین بدست نیروهای نظامی شوروی جلوگیری نمایند. نازیها فکر می‌کردند بترخواهد بود برلین را به الکتروسکوپ ها تسلیم گشته تا آنکه به نیروهای شوروی اجازه ورود به آنرا بدهد.

بقیه در صفحه ۴۷

نوشته: کلونل ا. زیونز لوفسکی

ترجمه: حمید

صفحه ای از تاریخ

عملیات برلین

از دیدگاه نظاهی و سیاسی

دشوروی اتحاد بھو نی سیاست خلل نہ منہ نکی اصول

دقتیل خود یافته زیارت

دشنه بره

نفس په غاړه واختیت د دنځه دکټورین تیری کوونکی او استعمالګرانه اړخ یېښکاره توګه دنې د دلخی سیمې د هلتونو د ملي کېږو سره مقایرې لري. دغه د دکټورین چې اسرائیل هم یې هماغه کال کن ورسره یوځای شول د عربی هیوادو پر فرد یې د نوی تیری له پاره زمينه برابره ګړه سوروی دولت ۱۹۵۷ کال په اعلامې کې جي د ایزنهاور د دکټورین « په مناسبې خبره شوه د استعمالګر انو غولوونکي نفسی یې د سوا ګړی او تاګید یې وکړ چې سوروی انعاد د دلخی سیمې د هیواد ونو د ملي خپلواکۍ ټنیکیت او اقتصادي روتق په نزدی ختیغ کي د سولوی او امنیت ډاډه کوونکي شامن دي. سوروی دولت د سوله خوبستونکي سیاست د اجرایه ترڅکي خو خلی د امریکا، انگلیس او فرانس دو لتو نو نه پیشتاب ګړی ووچې به نزدی ختیغ کي دنا حلوم سالو دحل ګولو دوسيلى یه نامه له زورنه کار اخستل په کله سره وغندی خو لويدیخ دفسه چول پیشتابونه رد ګړیدی.

د استعمار ګرانو د قوتونو چله ایز نوی والی
کلوبیدیشو هیوادونو یه دغه بیووالی کی دلار
ښیووکنی روول تایمیتول دامریکا د متحده ایالاتو
په پاره یه عربی هیوادونو د امبریالیستی بشکاره
حملو د نویو هڅویاباعت وګرزید .
پوهېروجی د امریکا د منځوصن استازی
هندرسون « یه لارښوونه د سوریین یکسر -
دنونوکی دسترو وسله والو قواوو خای یه خای
لیدل پای شوول : یه ترکیه کی له ینځوس
رو عسکرو خنه زیات تیار سی ګرای شوول
و دنایو د سمتندري قواوی او د امریکا دشپرم
او ګان یو نټونه د سوریین سواحلو ته
زدی شوول او چمتو ووچی د امبریالیستی
ړوغاندايو یه لوهری قومانده یه خیلواکس
سوریی تیری وکړی دندغی توطئی هدف یه
سوریی کی د امریکائی زعمادارانو له پاره
وی دولتی ګودتاترسره ګول او ددوی یه خوښه
ډوه مناسب رذیم ټیکاول و .

لاس و هو نکی چې به خپله لاره کې د شوردوی
تعداد له غاطقې تک لاری سره مخاځنځ شول
هه سانګکه هجبوره شول . سوریه ته ددی
مکان به لاس ورځی چې د ټولنیز پرمختګ
لاره کې خپلی هیاروی ته دواړم ورکړی .
۱۹۵۸ کال کې هډنګه خطړ عراق تېدیدکړو .
د عراق انقلاب سلطنتی رژیم نسکونکړ او یه
ین حال کې د نود سعید رژیم او د بېناد
رون له هنځه لاید . د امریکا متحده ایالات یه
ووی خپلواک شوی عراق باندی د فشار واردولو
هه غرض یې خپلی قواوی د لیبان خاوری تداو

وکره سوروی دولت د امنیت د شورا یه غونبهه
او د ملکه و ملتونو د عدهه توئی به فوچ العاده
غونبويکي او به خپلو یاد داشت ليکونوکي بي
و سله والوتيری کوونکو ته به بشپره جدي
توگه اخطار ورکه چي به نزدي ختيغ کي دی
يه جدي توگه سوله یمتنه شی . تيری کوونکي
د هصر يانو د فېرمانانه مقاومت او د شوروی
اتحاد له قطعی تکلاوري سره مخانج سولواو
يەشالاپل . د هصر ير شد ۱۹۵۶ کال ماجرا
د استعمارگر اتو د یوخى ، معنوی او سیاسي
ماتی سره مخانج شوه . د هصر د انقلاب د
يکولوله پاره د امير بالستانو هخى او د
اقتصادي تد يېرونون نیولو کومهه نېتىجه ورنە^۲
کرە .



سوردوي انجاد د تختيک دعالی بشونخس زده گوونکی دعمنی کار به حال کیه لیدل کیری

شوروی اتحاد مصر ته د امپریالستانوله خوداتیلو اوغنمو اطلع کولو اودغه راز دهصر دیوبهبي د بیرودلو خنه د خان زغورلوبه متابل کن د مصر سره هرسته وکره ۱۰ او به دغه توگه دامپریالیستا نو نقشی د مصر یانو د تابع کولو لهامله هاتی سره مغامن شوی * دینغوسو ۱۹۵۶ کال کی خیلواکی ته ورسیزی یسه کلونو به دوهمه نیماين کی دامریکی متعدد ایالات د نوی استعمار د مهمی تکه گاه به شکل نزدی ختیخ ته ورننوت ۵ ۱۹۵۷ دجنوری به بنته نیته د ایزناهار گذاشی دکتورین * وداندی کړ او به دغه توگه بې دغه دغدو دا پو خیوادو له هلتونو سره هرسته وکړي او به ډیر تزدی وختکي پیاسی خیلواکی ته ورسیزی د دغه هلتونو دغه حقو قو خنه د شوروی اتحاد ګلک ملاتر ارانسنه تیزیدنی ته مجبوره ګړه اودغه رازله ډونس او المقرب سره هرسته وکړه چې یسه دسویس د ګانال د علی کولو به بازو کسی هرسته تضمیم او دغه راز دانگلیس، فرانسی و اسرائیلو ۱۹۵۶ کال د تیری پر فنده هرسته ۵ ۱۹۵۷ شوروی اتحاده بشپړ ملاتر خهد استفاده

شوری اتحاد دفلسطین یه خاوره کی دغیر بی هیواد او بیوودی هیواد به نامه ددوه وو خپلوا کو هیوادونو له جو پریدلو سره هم مخالفتونه که خود استعمارگرو هیوادو تو دسیاست له اخیزی دملکر و ملتونو نو د هوسمی هربو ط تصمیمونه اجرانه شول او به نتیجه کی خلود چکری بی بشی شوی او د نزدی ختیخ بحران او بده بنه غوره گره ، داسرانیلو هیواد چی سبیونیستاناویه فلسطین کی داستو گنو بی بودیانو او عفو بی بودیانو چی د فاشیستانا دنزاد بالونکس سیاست فربانی شوی وو هفه «ملی کانون» اعلام که به لنه هوده کی بی ما هیت بی عضی بدل شوی او د زاندارم نقش بی ولو بواه او د عرب برو د خپلوا کو ملتونو بر خدمه هیار ذه کی د استعمار و سیله او به نزدی ختیخ کی د امپریالیزم تکیه گاه شو دیامنرنی و پیکی دادی چی به هفه وخت کی انگلیس، فرانسی او امریکا له خپلوا استعماری گتو خنده درایداشیو اختلافونو سره سره له لوهری بیل خنده داسرانیسلود سبیونیستی لاربسوونی یه ملاتی او هخونی بیل و گر.

پەندەنە شان حالاتوکى شورۇرى اتحاد دەر بولۇتۇنۇ دېرلە يىسى مەلاتىر سیاست تەدۋام
ورگىز.

دنزدی ختیخ د آزادی بیسونکو ملي غورزنگ
په لاره کي دخنهونو بینا کولو له پاره د
اهبر يالستانو هغئي هر خل دشوروي اتحاده
سخت مقاومت سره مخامن ګيدلى. شوروی
اتحاد ۱۹۵۰ کال د می د هیاشتني په ۲۵
نیمه اعلامیه کي د اړیکا، انګلیس او فرانسی
ددري واډو دولتو نو د عربی هلتونو د آزادی
بیسونک غورزنگ پر پرسد ګه عملیات محکوم
کړل او د ۱۹۵۱ کال د نومبر ۲۱۵ - ۲۴ نیټې
او د ۱۹۵۲ کال د جنوری د ۲۸ نیټې په یاد
داشتونوکې یې به اصطلاح د منځنی ختیخ د
فرهان روزاينه اتیری کوونکي هاهیت چې د چوپې دو
عذف یس د اقلاتیک خطر نالز اندام تدمیرې
هیواد ونو جلبول او د امير يالستني سلطني

د یو یو ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ کلونوکی کله‌چی استعمار گرو
هیوادونو یه دله سیمه گی د بقداد دتوند
راهنخ ته کولو یه باره گی نوی یوخی نقشی
و زاندی کبری یه نزدی ختیغ گی مشایه حالت
هنج ته راغی + سوروی اتحاد یا هم دسوری
اوهر اوئورو عربی هیوادونو دده یوخی
بلوک د هنج ته داتللو یه خد مبارزی ملاتی
و گر + نزدی او هنخنی ختیغ دامنیت یه باره
کی د سوروی اتحاد د بېرنیو چارو دوزارت
اعلامی د ۱۹۵۵ کال د ایریل ۱۶ نیمه د

دغه دریخ په گوندي او دولتي ستدونو اود
شوروي اتحاد دسياسي او دولتي شخصيتونو
په خرگند ونوکي خوغوخلني بيان شويدي *
شوروي اتحاد یولي مشخص پيشتباډونه وړاندۍ
کېږي اودټولو مربوطو اړخونو په تيره ښاد
فلسطين داژادي بښونکي سازمان يه ګډون د
نردي ختیخ يه باره کې دزنيوډ ګنډانس زیات
اهمتنه اشاره وکړه *

شوری اتحاد د ټولو هربوتو اړخونو له
غې جملی د فلسطین د آزادی بېسونکۍ موسسی
په ګډون د نزدی ختیغ د اختلافونو د بېغې
حل یړله پسى طرفدار و اوږدي.

یه تیره بیا د اسرائیلی و اکمنو یولنو تیری
کوونکو عملیاتو د سختوالی له اهله دنزردی
ختیخ اوستن اوشعاع ته اواده ریکن یه ملاترد
عفو هخوتنه به پاملرنی سره چسی دهمر
مشتری دناره ایپسو دونکی تک لاری خخه به
ستفادی سره به عربی هیوا دونو باندی دبیلو
عاملو به تحملو لو سره دسوروی اتحاد دریخ
یات اهمیت پینا کوی - سوروی اتحاد دهفو
ربی عیواد ونو د تک لاری چی ددغونکشو
مقابل کی دریزی او دنزردی ختیخ دچارویه
اره کی بی اصولی روشن غوره کریدی ملاتر
وی او غواصی چی د اختلاف دحل به بابدی
نفعه خبری پندی شی چی اسرائیل او د
اسرائیلو ساتونکی قدرتونه بی غواصی او و به
وضن کی دی دنزردی ختیخ د اختلاف د حل له
اره عملی لاره بیدا شم .

سره يه زده بوردي هرسته وکره دشوروی
اتحاد له ټولو نیول شویو سیمو خنځه د
اسرانیلی ڦواوو دوتلو يه لاره کي يه ټسول
هئانت مبارزه کېږي او کوي یې اوډ عربۍ
ملتو تو د عادلانه مبارزې چې د اسراپلیو ترتیری
لاندی واقع شویدی او دغه راز د نزدی ختیخ

دختلارونو دخل گولو او ډالسليطي عربو د
حقه حقوقو د تامين له پاره دعفو دعفو هر اي خير
بلوي گوي ڀودنه راز برخورد د ۱۹۷۳ کال
مهما اكتوار گي د نزدي ختيخ د حالاتو د خطرناک
و خامت یه وخت گي د شوروی اتحاد داعمالو
بنسيت گينسوده شوروی اتحاد داکتوبه دهیاشتی
جيڪري له لو هري و د خس خخه
يه عمل گي د عربی هيوادو نو هلاپه چي د
سرانيل تيري ڪوونکو له خواه نيوں شويو
خهکو دخيلواهي یه لازه گي په مبارزه بوخت
هي تايد ڪريدي ، عربو په هفني وسلني چي
سودوي اتحاد دور گريوه د دېمن نه هاتيدونکي
فسانه بر باده گرهه ۰ په عين حال گي شوروی
تحاد له عربی دوستواو نورو هيوادونو سره
نهاس ټينګولو او هوافقی ته به رسيدلو سره
د ډيلوماتيکو عملونو چي له هفو خخه مطلب
جيڪري ٿيرڙه ٻندول او د سولئي له لاري د
تلابونو حل و به توله هخه گهون و گهه .
دنزدي ختيخ د بحران یه باب دشوروی
تحاد د ديرخ ڀيچي روسانه او خه گندئي .

پیاوی کولدی، سوروی سیاست دنگو هیوادونو
دیسایسی، اقتصادی او فرهنگی پرمختک له
پاره برآخه شرایط برابر کول.

د نزدي ختيخد هيوادونو برياليتوب چس
دغېر پانګوالى ودى يېلازه يې گام اېپسندى
ددى پېتكارندوى دى چې دوى د اجتماعى او
اقتصادى اصلاحاتو دتر سره ڭولو له ياره. زيات
قدرت لىرى او دا ھماگە عامل دى چى امير-
يالستان يې يە خاصە توکە اندېپىشمن كېرىدى
ددوى يە عقىدە د ستر مزاياوو تە لاسە تلل
باید دخوانو هيوادو نو د پانګوالى ودى پە
وسىلە جبران سى. او خنگە چى دغە راز
نقسىن نشته استعمارگران ھەنگى كوي چى لە
نۇلۇ خەنخە تەخە ددوى مەتقى رىزيمونو او
ولتىز وكتۇر تە حىددە ورسىسى.

سوردوي اتحاد او نور سوسیا لستی هیوادونه
غئی هو ضموم ته به یاملرنی سره په تیره یماد
ستر فی رذیمهونود یمکنیت په برحه کی یاملرنه
و خارنه کوی، له هفو سره هرسته کوی او
للاتریسی کوی کله چی ۵ ۱۹۶۷ کال په جون
لی اسرائیلو د امیر بالستی هیوادو به ملاتری
پسر، سوردیس او اردن پر فند تیری و گر،
سوردوي اتحاد او نور سوسیا لستی هیوادونه
لی له ختنه د عربی ملتونو د حقوقو او گتمو
فاع و گره *

شوری اتحاد به هفه وخت کی د داعی
درت یه زوندی کولوگی د هصر او سودنی

انگلیس خیلی قوایی اردن نه داخلی کپری به
یمن، عمان او اردن او نورو عربی عیادونو
کی امیر بالستی د سیسی ورخ به ورخ خر گندیدنی

دغه داره، يه دغه راز يوه سخنه دوره کي
سوروي اتحاد بيا ددوسي د گتو دفاع و گره.
سوروي اتحاد دنگي سيمى پيشو ته د نيري
دهولو اجتماعي ټولنو یام واپاوه اوډ لويدېخو
هيادونو د عملونو خطرناک اړخ ته یې اسارت
و گره د سوروي اتحاد او نورو سوسیا لستي
هيادونو هلاپر او د عربی هلتونو سره دهولو پال
لهمناو شريافو افرادو پيوستون تيری کوونک
مجبور کړل چې د سوریي له سرحدو نوخنې
يه سالادستي او له لبنان او اردن خڅه خپلې
دواوی او باسی او دعراقي په خوان جمهوریت
باندی د تيری کولو په باره کي له خپلې
نقش خڅه لاس واخلي . يه دغه توګه د
ميراليستي توطنو په مقابل کي د اعرابو د
ساسې خلوا اړکه دفاع و شوه .

د خیل ملي استقلال د ترلاسه کولوله پاره
دالجزایر د خلکو د سختی او اوپردی مبارزی
به وخت کی د دخه ملت له پاره هم زیات
کارونه وسول . سوروی اتحادنده یوازی داچی
به معنوی او سیاسی توگه . بلکه په مادی لحافا
هی هم دالجزایر وطنبالو تکو ته وسله ورکړه او
وهړئی هیواد و چې د الجزایر نوی جمهوریت
کې به رسومت و پیژاند .

دادی یه تردی حیجع کن د سوروی اتحاد
سیاست مشخصی مظاہر چی عدف یی دعربي
بیوادونو د خپلواکن اوامبر بالستي فند یووالی



دستوری اتحاد خلک به خیل کاروزیار سردهنگل هیواد لاهم پسی آبادوی.

پاک و سالم می باشد . وجود انسان برای همیشه تحت تأثیر عوامل طبیعی و اجتماعی مختلف مانند آب، هوا، شار سعاء، آشنا، مکروپها، غذا اجتماع، خانه و لکتور های روحی که زاده محیط اجتماعی من باشند بوده که این عوامل به اسکال گوناگون بدین راهنمایی هی سازد بدین ترتیب که عوایض روحی انسان را جزیه دار ساخته و دماغ را تحت تأثیر خود فرار میدهد ، غربت، گرسنگی خانه، غای غیر صحی امراض، بیسوسادی، خرافات و غایای خراب صحی عموماً بالای جسم تأثیر خراب وارد می کند در حالیکه فشار های ذندگی روز مر، چنگها چاروچنجال های خانوادگی و غیره برای انسان تکالیف روحی پیدا می کند . درین صورت اگر بخواهیم یا نخواهیم عوامل مذکور طبیعی و اجتماعی بدین مارا تحت تأثیر خود می کنیم . اینکه چگونه میتوانیم بدین خود را از تأثیرات نا مطلوب این عوامل حفاظه نماییم و یا اینکه از آنها به نفع بدین استفاده نماییم موضوع مورد بحث هارا تشکیل میدهد بیشتر خواهد بود که تأثیر این عوامل را تحت مطالعه قرار بدهیم تا اینکه در نگهداری حفظ الصحه شخصی و عمومی به اهمیت آن توجه مبنول بماند .

از همه اولتر باید این سوال طرح شود که عوامل میهم بوجود آمدن و انتشار امراض در وطن معجوب ما کدام هاند . در جواب این سوال باید اول از آب یاد آوری نماییم .

آب ماده اساسی و ضروری بدین است موجود است آب در هضم و انتقال مواد غذایی ، اطراف مواد اضافی، تنظیم درجه حرارت بدین ، تامین بقاء حیزی ساختمان و دیگر انساج حتمی بوده بدین اساس ذریبلوی اینکه آب برای فعالیت روز مر ها خیلی ها ارزش دارد از نقطه نظر حفظ الصحه نیز اهمیت خاصی دارد .

در شهر ها فراء و قصبات وطن عیزیز ماز آب های چاه، چشم، جوی، دریا، حوض هاو نل استفاده بعمل می آید که در جمله آب های مذکور آب نل آب کاملاً صحی می باشد آب چاه وقتی قابل استفاده است که در ساختن و حفر چاه شرایط و اوصاف ذیل مراعات مجدد :

- ۱- چاه باید در جای بلند که خاک آن ساده دار نباشد حفر گردد ، تا آب ملوث بدرفت در آن نفوذ گردد نتواند .
- ۲- چاه باید از بیت الغلایا بدرفت ۱۰۰ قدم یا ۲۰ متر دور کنده شود .
- ۳- چاه باید عمیق و فراخ باشد .
- ۴- دورادور چاه باید ۲-۳ قدم یا ۸۰ سانتی متر بلند و اطراف آن نشیب داشته باشد تا آب شایع شده به خوبی به بدرفت برخته بتواند .
- ۵- برای تخلیه آب شایع شده باید بیک بدرفت که از چاه ۵۰ قدم یا بیست هتر فاصله

مراعات حفظ الصحه در صرف غذاییه عاضمان صحت و سلامتی شما است .

وقیکه در باوه حفظ الصحه صحبت می کنیم . بوشاک و مسکن یک سلسله تحقیقاتی نموده (آب، هوا، خاک، لباس، خانه) وغیره بردخته اند مقصود ها از آن بوجود آوردن شرایط بیشتر اند که درین ردیف آثار داشتمند بلند بایه و حفظ الصحه را بحیث یک علم وسیع شناخته صحي تامین صحت واقعی و باکی محیط من افغانستان عزیز این سینا بلغی شاهد این اند و به سویه بین المللی در هرورد خدمات حفظ الصحه در قایه انتشار امراض تقویه، باشد . هدف اصلی حفظ الصحه را اکشاف حقیقت است .

همه جانبیه حیات، ازین بردن موائع در راه صحت ازعدت مددی بدن طرف در ارائه اکشاف محافظه، سلامت هردم و تربیه نسل سالم اجتماعی بنشاد های علمی گذاشته اند که به عقیقی کلی آن تقویه حیات و طول عمر اقتصادی، اجتماعی و ساینس توجیه علما به اینکه از صحت غایه و حفظ الصحه معروف گردیده علما نتیجه مطلوب آن عبارت از تنقیص امراض آب دریا استفاده نموده بتوانند به این نکات تشکیل میدهد .

از دیرز مانی علما در بازه چگونه می خوراک مذکور باز آن نظریات علمی خود را بازه معرفی از دیاد طول عمر و به وجود آوردن یک محیط اصلاحی ذیل توجه نمایید .

چرا مرض پیدا می شود لا

چگونه و از اینها از امراض جلوگیری کیم؟
عقاید گونه گون در بار ۵ غذا ...





خوردن غذای پخته شده (مخصوصاً) در سرسرک و بازار غیر صحی بوده و باعث بوجود آوردن امراض میگردد.

فرهنگی باعث میشود که بدن شان به کمبود مواد هایه شکل عادت‌غذایی باقی‌مانده بطور میان غذایی مصائب می‌شود. از این عوامل ذیل باد خوراکی نواخت برنج در لفمان. عدم داشتن آگاهی صحی در هورد غذا:

بعضی مردم یک تهدید را عرض می‌کنند که بدن غذایی را بنابر توجهات مختلف نمی‌انظریم. مگر از نگاه ارزش خورنده بطور میان میگویند گوشت‌گاو‌بادگین است. این اهمیت بوده نظر به عقیده آنها همین غذای هاست‌سرو است، خوبیزه زخم صد ساله را تازه میکند، شیر باددارد، همین قسم بسیاری هردم بطور میان در کشورها پلویک غذای خوب شمرده شده در حالیکه از نظر ارزش غذایی فقط ارزش برنج را دارد.

طريقه های غلط پخت و پز:

بعضی هردم ارزش غذایی غذا را توسعه یافتن کم می‌سازد.

بعضی از غذایی را می‌شارند و آن را می‌پزند. این میان می‌گذرد. از طرف دیگر تخم یکنوع پروتئین دارد، که بناهای ایجاد شده از جوشاندن دور و یا هم آب برنج را بعد از جوشاندن دور و قیچه تخم خام خورده شود او بین دینه و دینه و اما همراه بیک و یاتامین هم گویتامین می‌گردد. در وطن عزیز ما این بین بیک و یاتامین یا (بایوتین) یاد میشود یکجا شده و عادت عمومی است که بیاز و روغن زاده وقت یافتن خوب سرخ می‌کنند. و آنرا یک عمل مفید میدانند در حالیکه سرخ گردن یا بریان نماید و بین سبب بدن به کمی و یاتامین (بی هفت) مصائب میشود. اگر تخم پخته شود او بین همینه و یاد میشود و این همینه بلکه ضرری و این عمل ذیان آور آن چلوگیری بعمل می‌آید.

اعتدت خراب غذایی:

در بعضی قسمت ها خوردن یک تعداد غذا سرخ گردن بیاز و روغن بوجود می‌آید.

الف: از ملوث نمودن آب دریا ها و کانالها بسیاری امراض می‌شود. توسط بدرفت ها مواد غایط انسانی و حیوانی با توجه به اساسات ذیل باید در تکمیل است. برواد فاضله خانه ها و فابریکات و بعضی مواد صحت خود و دیگر هموطنان خود بگوییم. مفسر عضوی جدا چلوگیری بعمل آید.

ب: از آب دریا هایی که عمق شان کم و در موسوم تاستان خشک می‌باشد هیچگاه باید استفاده نشود. ج: آب های دریاها و کانال های انتظامی به صورت طبیعی توسط شعاع آفتاب و حیوانات بحری دقیق و یاک می‌شود. شعاع آفتاب یک اشمه مخصوصی دارد که در یاکی آبها گمک می‌گذرد اگر با ای آبیای خستگی کدام تائیری ندارد. و این تصفیه و یاک آب به عمق زیادی و سرعت جریان آن ارتباط دارد.

د: آبی که از دریا تبیه میشود باید از جایی که از حیوانات به انسانها انتقال میکند تراخم و عده زیادی امراض دیگر که بواسطه آب انتقال می‌کند بوجود می‌آید.

عامل مهم دیگر که با صحت و مریضی ارتباط نزدیک دارد غذا است غذای خوب و مناسب برای تامین صحت خوب ضروری است. زیرا نشو نمودانکشاف بدن تواند و تناسل، نولیدانتری فزیکی و صحت دماغی تحت تأثیر مستقيم غذا می‌باشد. بین ترتیب غذا از هر دکتور دیگر حفظ الصحه بالای صحت بسیار موقتاً است اینکه چگونه در بینایش امراض حصه می‌گیرد بحث مفصلی است هر کادر اینجا بوجود آمدن امراض را از سبب غذا به دو دسته تقسیم می‌نماییم.

الف: بوجود آمدن امراض ناشی از گمیود مواد غذایی.

ب: بوجود آمدن امراض از سبب الودگی مواد غذایی توسط مکروبها و پرازیت های اگر بتا بر عوامل مختلف مواد غذایی مورد شرورت نظر به احتیاج بدن ترسد بدن بیک سلسه امراض گوناگون دوچار می‌شود. در آن عنده افراد جامعه که سویه زندگی شان پایین باشد نظر به کمی مواد غذایی مقاومت عمومی بدن شده استفاده می‌نمایند و در بسیاری جا عا استفاده از آبیای خستگی کار نیایند و ناپاک دریاهای کار این طبقه زیاد دینه میشود. بعضاً با وجود آنکه توان خرید مواد غذایی موجود می‌باشد استفاده می‌کنند که در جویجه های روی زمین در جریان داردویاز آب چاهی که نزدیک بدرفت کنند شده استفاده می‌نمایند و در بسیاری جا عا استفاده از آبیای خستگی کار نیایند و ناپاک دریاهای کار این طبقه زیاد دینه میشود. بعضاً با وجود آنکه توان خرید مواد غذایی موجود می‌باشد در بختانه موجودیت بعضی عواملی کلتوري و در وطن عزیز ما سبب بوجود آمدن و انتشار



رحمه الله

زنان و دختران افغان در نهضه ملی دفاع از وطن و انقلاب

اگر اوراق تاریخ پر افتخار
کشور خویش را ورق بز نیم و با
نگاه زرف و واقع بینانه بدا نینگریم
بو ضاحت کامل در می یا بیم
که همیشه زنان نا مور کشور ما دو
شادو ش مردان قهرمان خویش در
امر دفاع از وطن ، حفظ استقلال
علی و تمامیت ارضی کشور از خود
شجاعت و دلیری ها یعنی نشان
داده اند که در دل تاریخ جامعه ما
چون نقش بر حجر جای دارد . آن
مبازراست بر حق و عادلانه زنان
قهرمان هموطن ما در امر حصول
استقلال کشور به مقابل مقندر ترین
قدرت زمان یعنی استعمار انگلیس
هر گز نمیتوان ازیاد برد .
این همان خواهران و مادران
نا مور ما بودند که به هنگام قیام
عادلانه خلق زحمتکش کشور به
مقابل استعمار انگلیس در سنگر
های گرم مبارزه دوشا دو شان
برادران قیصر مان شان
علم نبرد بر دوش بر داشتند
و با خواندن سرود هاوتانه های
حماسی مملو از عشق به وطن و وطن
برستی جوانان دلیر و بیکار جوی ما
را برای درهم کوبیدند کامل دشمن
آزادی و شرف مانشون می نمودند .
آری بزرور و بازوان تو انا می مردان
وزنان آزاده و شجاع کشور هیولای
بدسرشست استعمار انجلیس از
پهنهای میین محبوب ما بدور ساخته
شد و در مقابل خشم این گردان
زنان جامعه مازنانی اند که سال
های سال را در تحت ستم های
مردم آزاده و قیصر ما نا باوصاف
آنکه استعمار انگلیس را به زانو
بیشمار روز گاز ، ینجه نرم کرده
اند ، از این رو آنها را از جمله علم
برداران راستین راه رهایی هر چه
مقطع زمانی متوقف نساختند ، زیرا
بیشتر توده های علیو نی خلق کشور

از در کینه توزی و دشمنی پیش
می آید و به خصوص با ضدیت
دیر یعنی که با نهضت نسوان دارد با
زنان و دوشیزه گان وطن پرست ما
که پهلو به پهلوی مردان دورانساز
کشور مصر و فاعل اعمار یک جامعه
عادلانه نوین ویک افغانستان آزاد
آبادو شگوفان اند از در خصوصیت
علتی پیش می آیند ، مثل نمی
خواهند زنان این نیمة کاملی از پیکر
جامعه مادر مکاتب ، مزارع ، فابری
یکات و ادارات دولتی دوش بدوش
مردان در امر نوسازی و تحرک جامعه
سهم بکریند و رسالت تاریخی
خویش را در برانگار مادر و طن به
انجام رسانند . آن هامی خواهند
امروز جامعه مارا که بحق انسان
دوران بیداری ملت ما و در هم
شکستن زنجیرهای اسارتبار ارجاع
و امیریالیزم است در چار چو بخانه
نگهدارند و او را برده وار نگهداری
نمایند . ولی این ما مول نا مقدس
دیگر دوران خود را بیموده است و با
هیچ قدرتی نمیتوان سد راه نهضت
های آزادی خواهی و تحول طلبی
زنان جوامع بشری گردید .
زیرا مبارزه زنان برای رها یعنی آن
ها از تحت ستم های گوناگون
اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و
کلتوری برق است و حق بر باطل
همیشه پیروز است و پیروز می شود

این زن بادرایت و توجه زیاد به کار خویش صروف است ، گهاین علاقمندی سبب موفقیت اویه کار هایش می شود .

ترجمه عین الدین قادری

قانون ازدواج

فامیل در شوری

طريقه طلاق:

برای اطفال میباشد سازد .

پدر و مادر مجبور اند که اطفال خود را تربیه کنند . در نتیجه یک طلاق اگر یکی از والدین حق دارند در صورتی که خواسته باشند از محکمه تقاضای طلاق تنها یعنی . محکمه باید علی بنابر آن دیگری (مادر یا پدر) مجبور است که طلاق را تحقق نموده و زوجین را آتشی دهد اگر عملیه توافق آنها ناکام میگردد و محکمه مطیع میشود که ادامه زندگی فامیل آنها ناممکن است طلاق زوجین را تصویب نماید اگر زوجین موافقه میکنند اطفال خود را هم ندارند ممکن است طلاق بدون جریانات رسمی از طریق اداره محل صورت گیرد . در صورتی که زن بخاطر حاملگی و یا داشتن طفل کمتر از یک سال طلاق را در میکند عملیه طلاق صورت نمیگیرد بعداً زمانی تصمیم گرفته میشود که طفل مختلف اند که والدین سن شان را (مادران خود را بعداز ۵۵ سالگی و پدران را بعداز ۶۰ سالگی) اعتمام نهایت ، و در صورت ناتوانی والدین سن شان در نظر گرفته نمیشود نفقة والدین به حکم محکمه بالای فرزندان تعیین میگردد . مبلغ تعیین شده مربوط باندازه درآمد و معاش فرزند میباشد .

رکھشا بندھن

این نوع ابریشمی مقدس در افغانستان و افغانستان به آینه بود و به جنگاور قوت قلب پیشتر می بخشید و اورا در قلبی بر دشمن تشجیع میکرد .

جنگ این یادیه ناگوار هنوز هم در جامعه بشری وجود دارد . چراکه نیروهای جنگ افزوخته و متجاوز هنوز هم در عرصه گیش وجود دارد و منافع آنها حکم میکند تا آتش جنگ را در بینها و آنها برافروزنده و انسانها را فربانی مطاعع شوند .

اگر بیرون ادیان و مذاهب پیشو از رضه جنگ به انحصار مختلف مبارزه کرده اند در لحظه ای که ناگزیر بجنگیدن بوده اند با استفاده از سبکی مقدس و بالایان از مقدسات دین بر ضد دشمن جنگیده اند .

امروز در افغانستان غریز که انقلاب نور

و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن نفسی باز و شرایط پیشتری را برای بیرون تمام ادیان

و مذاهب بوجود آورده است برادران اهل هنود هائیز با اطمینان خاطر و آسوده حالی میتوانند تمام شعایر، رسوم و رواج‌های دین و مذهبی خود را بجا آورند .

برادران اهل هنود مایا بدش بیوش سایر برادران هموطن افغان خوبی در جنگ حق و باطل یعنی سرکوبی دشمنان انقلاب تورو وطن سبب بکردن و بجاست .

وقتیکه بالغتخار به جنگ با دشمنان وطن میروند خواهشان بازهم راکیم را بانست شان بینند و بگویند : «ای راکیم برادران راحلا کن »

رکھشا بندھن یکی از مراسم خیلی قدیم برادران اهل هنو دمیباشد .

این روز زد تمام تقاضی که اهل عنود در آن زندگی میکنند تعجیل میشود .

درین روز خواهر، راکیم را، که عبارت از یک نخ ابریشمی است دور بند دست برادر خود میبندند و به برادر خود سرینی هدیه میکنند .

با انجام این مراسم در حقیقت خواهر شرق و غرب خود را در اختیار برادر خوبی میگردد و برادر منعید میگردد که از شرف خواهر دفاع نماید .

در قدیم هنگامیکه جوانی برای حفاظت وطن علیه دشمن به نبردی برداخت خواهر بدست برادر را کمی بسته منمود و آشتہ زمزمه میگرد (ای راکیم برادرم را حفظ کن) و بعد از جنگ دشمن هیرفت .

مراسم (رکھشا بندھن) امروز هم به شکل عنعنوی باطرقه های مختلف از قبیل کل های رنگارانگ برگذار میشود .

راکیم آیهار بین کاهی

راکیم تو بیار بین کاهی

راکیم معیت و صمیمیت خواهراست

اس کاپندھن یعنی سوکھوایی

بسته نودن آن سرور انگیز است .

یونو آئی راکیم لانسی

بهانی و دهنیه سوبهانک هی

چس نی یهنا دا هکاھی

برادری خوش قسمت است که راکیم دارد

و بین دهنیه چس کاپان

خواهی خوش قسمت است که برادردارد

یونو الی راکیم لانسی



وظایف والدین:

والدین تازه ما نیکه اطفال شان بزرگ میشنوند و بروش صحت و تربیه آنها برای فعالیت های مقید اجتماعی نیز قبول شده است بصورت استثنایی بعض ازدواج هامیکن قبل از ۱۸ سالگی های تام دولت برخوردار اند طور هنال: دولت به فامیل های گسترده و مادران بیوه که بتوانند فیز صورت گیرد . مگر ایجاب میکنند که این برخی هایان را بمکتب پرسنلی میباشد اوکراین - مولداوی و بعض چمپوریتیای ویکر ، ممکن دختران در شانزده سالگی ازدواج و گودکستانهای دولتی فرستاده میشوند دولت انتدیه ازدواج در دفتر محلی یاد رقص دایماً یک تعداد موسسات طبعی، مکتب های میگیرد . میبورت ، سند یوم ها، تیار ها و سینما هارا ازدواج (محل) تعیین شده صورت میگیرد .

کارولان حلہ ... کارولان

قصر امل

دھفو و یادلو شبیدانو او پتمنو میندو نه چې به خیلو سرو و بینو نی دا فغانستان دزیار استونکه
انسان دا زادی چې یوه روپانه و سانله او دخاین امن او دعنه دویسی تو یوکی فائستی باشه به وړاندی
نی دستلیم سرونه پیت تکول، دوازندی کېږي.

کاوون تو فانی

موردی ..

موری یه مایسی زیامه کوه
مادوطن په مینه سر ایښی دی
نور نوستا غیری ته در تلی نسمه
دوینو غیر کی هی تهرا یېښی دی

زیه می سوری که ددینمن ګو لیو
له زخمی زیه می وینی و پهیدی
زخمی زخمی شوم دبرجو به خوکو
دزو ندانه غوټه می ورز یېدی

وینی می توی شوی، زیه می ودریده
خو می دخبلی مینی پت وسا ته
زه دایمان او عقیدی په گناه
داستبداد لمبو کی و سوز یدم

موری زما دوینو سرو پخرا کو
زه له انسان سره دعینی په تور
د استبداد په کور بلار اوستی
د خیلو وینودن کی ولبیدم

چاچی وزلم او خندل یې را ته
او س یې هغه لره زپا راوستی
سر می قر بان که داو لس له پاره
خودوطن سر می او چت وسا ته خیر که زماد زوند ډیوه پیه شوہ

خوبه وطن کی آزادی وینیه شوہ
خیر دی که زه شو هه دقیق بندی
خوبه وطن کی خپلواکی وینیه شوہ

بس دی نومایسی زیامه کوه
ای دردیدلی او غمجنی موری
نور می به زیه کی اړهان پاتی نه
زمی پتمنی، اړهان نجني موری ...!
کا بل پو هنتو ن ۱۲ - ۵۸

پیا که قصر امل سخت سست بسیار است
بیمار باده که بندیاد عمر بر باد است
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زه رجه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
چه گویتم که به میخانه دوش میست و خراب
سرو ش عالم غیبم چه هر ده ها داد است
که ای بلند نظر شاه باز سد ره نشین
نشیمن تونه این کنج محنت آباد است
ترا زکنکه عرش می ز نند صفیر
ندا نمک که درین دا مکه چه افتاد است
نصیحتی کنم یاد گیر و در عمل آر
که این حدیث زبیر طریقتم یاد است
رضایا به داده بدہ وزجین ګرمه یکشای
که بر من و تو در اختیار نکشنا دست
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجو زه عروس هزار داماد است
غم جهان عخور و پند من مبرازیاد
که این لطیفه نفرم زهر وی یاد است
نشان عبده وفا نیست در تیسم ګل
بنمال بلبل بی دل که جای فریاد است
حند چه می بری ای سست نظم بر حافظ
قبول خاطر و لطف سخن خدا داد است
حا نظ

از سعدی شیرین سخن

حدیث هن و حسن تو

لا بالی چکنند د قتر دانایی را طاعت و عظ نباشد سرسودایی را
آب را قول توب آتش اگر جمع کند نتواند که کند عشق و شکیبایی را
دیده را فایده آنست که دلبر بیند ورنیبند، چه بود فایده بینایی را
عاشقان را چه از سر زنش دشمن دوست یاغم دوست خورم یاغم رسوایی را
همه دانند که من سبزه خط دارم دوست نه چودیکر حیوان سبزه صحرایی را
من همان روز دل و صبر بیغما دادم که مقید شدم آن دلبر یغما یی را
بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس حد همینست سخنداانی وزیبایی را

کهن شود همه کس را بروز گارارد
مکرمرا، که همان عشق او لست وز یا دت

شنیدم که نظر می کنی بحال ضعیفان
تبم گرفت و دلم خوش با نتخار عیا دت
گرم بکوشة چشمی شکسته وار بیینی
فلک شوم بزرگی و مشتری به سما دت
اگر جنازه سعدی بکوی د وست پر آرند
زهی حیات نکونام و رفتني بشهادت

سعدی

کارولان حلہ ... کارولان

روان حلہ ... کاروان حلہ ... کاروان حلہ

خیالی پسروای

دیسرای هوا ده ورمه چلیزی
بلبل ناری وهینه برسکل چغیزی
د گلو و زم او عطر هر خواخوریزی
آسمان کی پرک و هلی د خوار لسمی سیبور می
باغ کی نخیزی ، خاندی تاندی او مستن غوفی

خماماز ، رقیب نشته دی زه یم نه یار سره
خر و ب او هست یه میو ، هل یم له خمار سره
و بم له یار سره ، لو بم گلزار سره
جانان می غیر کی بروت دی بی بروا هسته هسته
یوه د گلو خانکه یوه د گلزار بنته

د هیخ کمی نشته دی زه او جانان یـوو
د بیلتون ملا ماته ده خوشحال خندان یـوو
د زره رازونه وايو سره گویان یـوو
تر مودو وروسته وروسته دوصال شبه ده
ده خوند وره که نه دکیف شیبده

به هوا کپری یمه د خیال وزرونو
تر کپکشانه لایم او تر هسکونو
له دوز خونو تیر شوم تر جنتونو
بیزنه می پام شو پام شودا خیل جهان ته
دی ویر لپلی خوارته بد مرغ انسان ته

۱۳۰۴ ر. ۲۲
کندھار
سنگر

مولوی

خوش است

باز به بط گفت که صحراء خوش است
گفت شیبت خوش که مرا جاخوش است
سر بنهم من که مرا سر خوش است
راه تو پیماکه سرت نا خوش است
مگر چه تاریک بپود مسکنم
در نظر یوسف زیبا خوش است
دوست چو در چاه بود چه خوش است
دوست چو بالاست به بالاخوش است
درین دریا به تاریک آب تلخ
در طلب گوهر رعنای خوش است
بلبل نالنده به گلشن به داشت
طوطی گوینده شکر خاخوش است
چون که خدا روفت دلت را ز حرص
رویه دل آور دل یاک تا خوش است

بھسوی رنگ خزان

ج

شاخه نهادها

سسوی رنگ حزان اوچ عىگىم د

٦٣

- مثل طراوت -

بہ کوچ می اند یشد

و باع دانسته است:

هن سبز وی ارحمله‌ی خشونت برف

الحمد لله رب العالمين

رفعت

—
—

卷之三

卷之三

هماقضاوت کنید . این دختر هنوز طفل است مگر قسمت بیشتر معاش شوهرم بالای آن مصرف میشود زن دیگر باحیرت اورا خطاب کرد (چرا اینطور؟) در خانواده ماشمار ما این است (همه چیز فدای طفل) زن جوان با غرور گفت : حقیقت سخن این است که دخترم (اله) به چیز هایکه ماصر ف میکنیم اعتنا نمیکند خوراک و لباس او خاصه خودش است ما غم خودرا نمیخوریم بلکه تو جه مابه آنست که برای اودر هر محفل یکلبای س جدید تهیه بینیم و گرنه خود را خواهیم خورد اگر لباس او از همه بهتر نباشد . گذشته از آن همه چیز را صدقه سر طفل خود میکنیم که او دائم خوش باشد . بعضی مادران این طور نیستند بلکه بهجای اینکه طفل خود توجه کنند بیشتر به لباس و خوراک خود توجه دارند . (زن نسبتاً

مسن بایک نگاه سریع به لباس نسبتاً کهنه زن جوان نگریسته و پرسید) شما نمیخواهید (لباس نو بخود بسازید؟) نه خیر . من غم خود را نمیخورم بلکه طوریکه شما میدانید عالیترین سرور و شادی من و قیمت که دخترم بهترین لباس به تن داشته باشد و همه مردم اورا تماشا کنند . من خود را فدای دخترم میکنم و این یکانه آرزوی من به حیث یک ما در است !

نا گهان (اله) کو چک با دید -
گان براز اشک نزد مادرآمد و صحبت راقطع نمود . وباستا ب و عتاب از مادرش چنین تقاضا نمود (یورایک بایسکل دارد چرا من نداشته باشم؟) مادر جوان بدختر کوچکش گفت:
بابه ات را میکویم که بهتر از آن بایسکل برایت بگیرد . (دختر کوچک پاهایشرا به زمین کوبیده باگریان و فغان بلند تر گفت) (من حالا با یسکل می خواهم همین حالا برو یکی به من بخرید) از شنیدن این داد و فریاد الله کوچک که حتی بروی مادرش سیلی میزد دیگر اطفا ل بدوز آنها جمع شدند و صحنه را تماشا میکردند . ناتمام



اطفال امروز

پیوسته بگذشت
اطفال درسال های قبل از هدایت چگونه در ورش یافند



نقاشی و رسامی های اطفال نمایانگر برداشت آنها از محیط محروم شان است

بول جیب خرج نمی خواهد وهم عادت ندارند که لباس جدید بخواهند بلکه آنها بوره اگهی دارند هرچه مادا شته با شیم از آنها درین نیمکردد متأسفانه بعضی از فا میل ها هرگز باین نکته ملتافت نمیکردنند که از فرزندان خودچه نوع شخصیت میخواهند بسازند و چه نوع خصایص وسجاوارا از زمان طفو لیت در وجود آنها برورش دهند . چنین مادران و پدران عدف معینی ندارند از آن و پرورش و تربیت فر زندان شان کدام سیستم و شیوه اصولی وجود ندارد . البته این یک امر تصادفی خواهد بود که از چنین اطفال نتیجه مطلوب بددست آید زیرا ناممکن است که (جو بکار یم از آن گند مانتظار برم) . معمولاً این چنین پسران و مادران بهجای اینکه عاقلانه و آگاهانه اطفالشان را رهنما بی کنند کورکورانه و بیهدف فرزند انسان را تربیت می دهند . بعضی پدران و مادران هنوز باین عقیده اند که دوستی زیاد با اطفال و برآوردن تمام خواهشان آنهاحتی اگر به قیمت جان پدر و مادر هم تمام شود در حقیقت از وظیفه پدران و مادران میدانند اما دیری نخواهد گذشت که ضرر های آرامشناهده خواهد کرد و شاهد اینجنبین صحنه ها خواهد بود : روزی دو خانم جوان روی چوکی های باغی نشسته بودند . خانم جوانتر بدیگرمش گفت :

ترجمه: احسان آذر



بلکه باید چنین فکر کنند که بیشتر از همه آنها انسانهایی اند که واجد شرایط انسانیت عطوف عواطف، احساسات و احساس مسؤولیت در مقابل دیگران می باشند.

فلم های ماجراجویی که در کشورهای غربی دیده می شود اکثر نشان دهنده عملیات خرابکارانه دزدی، جنایت و غیره است اما برخلاف فلم های ماجراجویی که در کشور اتحاد جماهیر سوری سوسیالیستی تولید می گردد گذشت عame مردم نشان میدهد که چطور یک قهرمان علیه همگین، جنایت های بازاره بی اهان نموده جانش را قدری مصالح عمومی و صلح در جامعه بشری می نماید.

سرچن می خالکوف نمایش نامه نویس سپر برای اطفال و عضو اکادمی علوم اتحاد جماهیر سوری سوسیالیستی می گوید: این یک امر غیر قابل غلو است که به اطفال گفته شود که دورنمای آینده او صاف و روشن است بلکه باید به او گفته شود که در آینده عای دورزنیدیک باچه مسابل روپرور می شود چه مشکلات دامنگیر اش می گردد و وظیفه او در قبال چنین مشکلات و غلبه برآن چه خواهد بود با اظهار مطالبی ازین قبیل روحیه مبارزه و تلاوا تکاء به خود در اطفال رشد می کند او همچنان می گوید تربیه اطفال در مورد دشمنی با دیگران و کیه ورزی با مردم، یکی از بدترین وقایعه است که جرخ تکامل را عقب راند و همانع در راه بیبود تکامل و ترقی اجتماعی بار می اورد.

می خالکوف اظهار میدارد که نباید همه چیز را که دلخواه بخواهد به روی صحنه و پرده نشان دهیم ولی داشتمندان و نمایش نامه نویسان غربی عقیده دارند تمثیلگران نمایش نامه باید با یک دید در همه چیز، همه مسابل را بدانند که این نظر کاملاً نادرست بوده ذیرا هنری که در خدمت اطفال قرار دارد بایست نهایت ساده و عاری از هر گونه پیچیده گی و گره اندازی باشد اما این ساده گوایی را نباید تاسطعی نزد دادگاه از آن چیز مستفاد نشده و نتواند در رشد و تکامل ذهنیت گیرنده، کمک کند.

مارک دونسکوی کارگردان فلم می گوید که در اتحاد شوروی سوسیالیستی هنر هندا و نمایش نامه نویسان حق دارند تا آثار بکر هنری خلق کنند گه در خدمت مردم و منافع جامعه بشری باشد اما آنها حق ندارند تا آثار هنری بیافرینند (film، تصاویر) که در تعیین چنگ، وحشت، زیور، تعیش و یا تغذیر ذهنیت و افکار عاده گذاشت.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سالانه در حدود سی فلم برای اطفال تهیه می گردد که نصف ازین فلم ها در سینمای بزرگ گورکی در شیر ماسکو صورت می گیرد این سینمای کنی از بزرگترین سینمای های فلم سازی در اتحاد شوروی بوده که سایقه دیرین چهل ساله دو فلم و تورید فلم می باشد درین سینمای در حدود سه هزار نفر ممثل و کارگردان های شیر، چون هارک دونسکوی سرجن گراسیمو وغیره نیز شامل اند.

فلم ها و تصاویر دنگه برای تو جوانان نیز

در هر زده سینمایی فلم سازی تولید می گردد در یازده ایالت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی فلم ها علاوه بر زبان ایالتی به زبان روسی نیز دوبله شده تادرس اسر اتحاد شوروی مردم از آن استفاده نموده بتوانند.

در اتحاد شوروی سوسیالیستی سه صدو بیست و پنج سینما وجود دارد که محض برای اطفال فلم نمایش میدهد. تکت دخول سینما خیلی

ارزان بوده در حدود ده الی بیانزده کوپک و با کمتر از قیمت یک تبریخ است در سال ۱۹۷۸ در حدود یک بیلیون تکت برای ادخال در سینمایی فلم اطفال فروخته شده بود.

دانشمندان و روان شناسان امروز روحیات و روان کاوی اطفال عقیده دارند که نمایش جشن فلم ها آینده درخشان را در یک جامعه سوسیالیستی نوید میدهد و اطفال را با روحیه جامعه سوسیالیستی تربیت می نمایند تا بتوان جامعه سوسیالیستی شگوفان را غنیمت نمود و شگوفان تر ساخت.

دور نمای پر ایلام فلم ها در پر ۹ سنه

رشد شه خصیت اطفال

تصاویر و فلم بحیث متابع ساخت و معرفت، یکی از عمدۀ تربیت و سیله تعلیم و تربیه اطفال نسبت به سایر وسائل هنری دانسته می شود زیرا اطفال قبل از اینکه مقایم هنری را از ماجسه، رسامی هاویابه از رخواندن کتب ها بشانند به بردۀ سینما و یا تلویزیون تکریسته واز آن شروع به تقلید و آموزش می نمایند. بنابرین صحبت معنوی و صفاتی آموزش نوجوانان بعدی ما بصورت اساسی مربوط به این دانسته می شود که آنها چه چیزی را در بردۀ تلویزیون و سینماها ملاحظه و تماشا می نمایند ذیرا این ها همه در رشد شخصیت و سلول سنجایی اطفال تأثیرات عمله را وارد می سازد. یکی از دانشمندان روان شناسی مربوط به اطفال عقیده دارد که دماغ و ذهن اطفال به مثابه سینماها و تلویزیون ظاهر گردد اما این قهرمان نه آن قهرمان باشد که دست های زمعتش را به خون انسان های بی کنای و مقصوم آلوهه سازد بلکه انسانهای واقعی و قهرمان های راستین که در خدمت مردم و جامعه بشریت می باشد نمیتوان از ظاهر شدن آنها در بردۀ سینما و تلویزیون مخالفت ایجاد نمود. اولان بیکوف گردانند کارگردان سینمایی اتحاد شوروی سوسیالیستی طی تفتیش این خیافت را اتفاق نموده است وی گفته است: زمانیکه مردم و همین تأثیر پذیری قبلی در تأثیر پذیری شخصیت بعدی او تأثیر قابل ملاحظه از خود بجا می گذارد. شخصیت سنجایا و سلوک آدمیزد نمیتواند خلاصت کشیل یابد بلکه محیط اجتماعی در رشد شخصیت سنجایا و گرکتر او نقش قاطعی بازی می کند و شعور اجتماعی او در همین محیط اجتماعی که اورا احاطه نموده رشد می نماید. علوم روان کاوی امروز می گوید که اختلاف زیادی در بروزه رشد شخصیت اطفال و نو جوانان وجود دارد این اختلاف را میتوان در قهرمانان که پدطوانی دارند همگون تصور گنند مشاهده فلم جستجو نمود که اطفال بادیدن فلم



زندگی و سرنوشت

یاک مبارز فلسطینی

قسمت دوم

و بدتر از همه از یک مرض علاج نایدیر
شکر رفع هی کشید) بزودی در یافت که
 فقط هرگز میتواند هارا از هم جدا کند.

من در کود کستان معلم شدم و نویا
 بعد از آمدت مان به لبنان با هم عروسی
 گردید که هیچ کدام ما هیچ گاه از آن
 پیشمان نبودیم. ما نیز مانند سایر فلسطینی
 ها از تگاه اقتصادی و غیره بمشکلات مواجه
 بودیم در چندی ۱۹۶۲ هنگامیکه اوضاع
 سیاسی خیلی تا پایدار بود خسان مجبور
 شد برای مدت یکماه در خانه بعضاً یعنده

زیرا اوهویت رسمی نداشت. از طرف این

مدت اولانول «انسان ها در آفتاب» خوش

را نوشت که بعد ها در سراسر جهان عرب

شرت بسرا یافت و او این اثرش را بنام

من اهداء کرده بود.

خسان ناول ها و داستان های خوش را

در حین نوشتن بمن ترجمه میکرد و من

به آثار سیاسی او نیز آشنا شدم حوصله

اش به فوشن انتها نداشت گویی مفرغش

دریای افکار و کلمات بود که میخواست

از آن ها عضفات را یافته بی دیگر راجع

فلسطینی، کشورش و مردم اش بود.

او شبشه مشغول نوشتن بود گویی مرگ

فقط بالای سرش قرار دارد و بزودی او را

ازین کار مانع می شود.

خسان یک نقاش و یک دیزاینر نیز بود.

یکی از نقاشی های او در آن دوره مردی را

خسان می دهد که قربانی روز گار شده است

من شدیداً تحت تأثیر افکار خسان قرار

گرفتم مگر اوهی وقت آنها را بمن تعجب

نمیکرد. در مورد سایر وقایی ما که می

خواستند اوضاع فلسطین را از طریق او در

یا بند نیز وضع یاری متوال بود و بسیاری

ازین وقت بعد ها در گذشت های خوش

واقعیت مساله را و نمود گردند. روابط من

با خانواده خسان بسیار تزدیک شد از همان

آغاز آنها به گرمی و عهمان فوازی از من

استقبال گردند و این خانواده دوست بسیار

شیرین من شدند.

زندگی خانوادگی ما به اعتماد، احترام

و شق مقنک بود همچنان این زندگی هسته

شکوهمند زیبا و متنی بود. اولین فروردین

ما بک بسر بود که در ۲۴ اگست ۱۹۶۲

متولد شد او را فائز بیرونز به نام پدر

سپاهان نام گذاشتند.

خسان بحیث یاکژورنالیست و نویسنده

خسان اگون لست ۵۰ هر وقت دیگر در

گار تر بود و کاملاً در گار های خوش

مشغول بود او در ۱۹۶۳ و تلهه ۱۵۰۰

یاک شریه جدید نظام المحرر که از امیری

ها و شروهای هتل قی انداشت گردد

او شاد شد. این روز تاریخ ۲۰ دی می

روز تاریخ ایشان شد که در سراسر مملکت

عرب منتشر مگردید. او بین میان در بن

روز تاریخ گار گرد و در عن زمان هنرهای

«المحلی» که از شعرهای المثلث «جشن

ملی عرب» نامیدگی میگرد و با مسائل

فلسطین در ارتباط بود لذت گشتر مگرد.

«جشن ملی عرب» در ۱۹۶۳-۴ در راه

سو سیا لیسم علمی قرار گرفت و در سال

۱۹۶۴ تصمیم گرفت تا مبارزه مسلحه را در

فلسطین راه الداڑد. گمی بعد گز از آن

در آن زمان اعراب فلسطین بعد از قتل
عام دهکده ساکت و آرام «دیر یاسین» -
وحشت زده بودند در یک رایور چشم دیشد
نمازندۀ صلیب مسخر «جا کویس درینیر» آمده
است که چگونه ۲۵۴ نفر زن طفل و مرد و
بیرون یاکت های کاغذی میباختند
ازین طریق چیزی بدلست آورند و قابلی
شند و اجساد بسیاری آنها توسط گروپ
های تروریست صهیونیست - ایران و
استرن - به چاه الداخنه شدند.
مقامات رسمی صهیونیست این قتل عام
روز کار میگردند از طرف شب در مکتب
شبانه درس می خواهندند. ایرانیون
بهرهبری میباخیم بیکن که بعد از صلاحیت
داران چندین حکومت اسرائیل (فلا مصلحت اعلی
آورده و در ۱۹۵۲ به کویت رفت و در آنجا
به درس و تعلیم مکانی پرداخت.

او بعد از بدمست آوردن درجه افتخاری
تحصیل بمن شازده سالگی در مکتب یونیورسیتی
(نما یندگی کار و فنا) میباشد
ملل متعدد شروع به درس دادن نمود. خسان
نیز معلم شد و مسؤول درس دادن نفر
اطفال آوارگان فلسطین گردید امامعده توین
هد فش آگاه ساخت اطفال از تکاه سیاسی
بود ویشتر شاگردان اوردر مکتب یونیورسیتی
بعد ها کما ندو شدند.
خسان قبل از معلم شدن در مکتب یونیورسیتی
در یکی از مطابع دمشق شاگرد حروف چین
بود. در ۱۹۵۵ چنین ملی عرب ازو دعوت
نمیباشد.
زاده دیر یاسین به تاریخ ۹ ایبریل

۱۹۴۸ در دوازده سالگی خسان رخداده از
همین یا عث او دیگر هیچ شان باخواهش فایزه و برادر-
ش خانی در کویت بیوست، عرسه آنها
هر سال در همان روز پیغامبر او و پیغمبر
یگنگان دیر یاسین ساکت می شینند.
فامیل خسان کمسی بیشتر از ۱ میلیون
که با آن میتوانست یقیه فا میل را کمک
کند و در عین حال بی اجازه داده شده بود
تا بیعیث و کیل مدافع در دمشق کار کند.
خسان معلم ارت و سپورت بود و آن سال
ها در حیات وی نقش ارزشی داشت. تا می
او قات انسانی خوش را صرف نقاشی،
نویسنده و مطالعه میگردید. او میخواست
در میان اولین کسانی که بعد از جنگ بین اسرائیل
باز میگردند شامل باشد، طوریکه در آن
وقت مطابق فیصله ای ۱۹۴۱ (۱۱ دسامبر

۱۹۴۸) ملل متعدد به تمام آوار «جان فلسطین»
باز گشت و عده داده شده بود، مگر با آنهم
نه دانستیم که آن فیصله عملی نشد و
مقامات اسرائیلی، فلسطینی ها را اجازه بر
گشت ندادند - صهیونیست ها کشور را
میخواستند نه مردم آفران.
زندگی در آوار گی و کسب ۱۵ نش

بدون خسان با تمام فامیل بیک دهکده کو -

میراث ادبی از فاسخانه

سمبول زیبایی، جرات، شرافت ذکاوت
حقیقت و آزادی است. برای من (آن) غسان
خودش نام این شخصات را نادارا بود. اسب
های او - که اسما فه تراز بیست اسب در
سال های اخیر نقاشی کرده بود - اکنون
در دیوار های خانواده های ما و رفقاء، در
معا لک استکنند ناوی و کتور های عربی در
دیوار های پاسبانان، داکتر ها و نرس های
شنا خانه مجسم آوریزانت.

کار های ادبی غسان دوش بدوسن فعالیت
های سیاسی و زور نا لیستی او ادامه می
یافت و او را مدت ها قبل از شهادتش در
قطار بهترین نویسنده گان فلسطین و عرب
می شمردند. او معقولاً جویان مکمل یک
دانستان، ناول یا نمایش نامه را در مغز خود
تر نی بپیکرد، میس در ظرف مدت کمی
سر نا پا آنرا می نوشت و بعد اصلاً حات
نایزی در آن می نمود. تمام نسخه های او
دست نویس اند او هیچگاه کابی ای از آن
ها ترتیب نکرد.

در حقیقت اگر چهار مسلمان و من میخوی
بودم اما این مساله مانع روابط ما نشد. در
۱۹۶۴ الیوی بنام «الباب» که یک نمایشنامه
است به فرانسوی ترجمه شد و در مجله ادبی
«الاور ینت» در پاریس منتشر گردید.

شق غسان به اطفال در مجموعه داستان
های کو قاه او در سال ۱۹۶۵ بنام «دنیای
که از ما نیست» بیان شده است. این
دانستان ها به قایز، لمیس و دیگر طنزی
که مابه ایشان دنیای را خواستار بودیم
اهداء شده است. او در همان سال «مساله
ها» در پاره ادبیات مقاومت در فلسطین
منتشر شاخت که برای اولین مرتبه به
دنیای عرب و آنود کرد که شعر ای زبر
دست و مضمون عرب قلمطینی در داخل اسرائیل
میتواند جدا از وضع اجتماعی و سیاسی
کتاب معنی شده است محمود درویش،
سمیع القاسم، تو فیق زیاد و چند تن دیگر
میتوان نام برد که بعد ها در دنیای عرب
و سایر کشور ها شهرت بسیاری گسترش
کردند.

و در مورد قتلش یک روز نامه بیروتی
جنبن نوشت: چرا آنها غسان را گشتهند،
بخاطر یکه او چون یک گوه بود و یک گوه
را میتوان با دینامیت منفجر نمود.

شق به زندگی خود نت را بدنبال دارد
ازینکه غسان یک آدم تبل نبود او مانند
کارل لیکنخت روزالو کسما مبورگ از نست
نلمن، لو مو مبا و چه گواه در مبارزه
طبقاتی بشهادت رسید. آنطور ریکه آنها
بزندگی شق داشتند او هم همایش بود.
او تیز ما نند آنها محصورت قهر اقلای را
برای دفاع از خود بر خدمت ستم طبقاتی
استثمار گران لازم می دید. او به تهدید
های عکر ریکه بر قدم حما کش صورت گرفت
هر چند تن در لادا جنبش مقاومت فلسطین بجهور
شده بود قهر را به قبر جواب گذاشت، این
جنش در مبارزه تا پایان خود را قریباً نیز
میگرد و همه وزیر مرگ را استقبال می
نمود. یک روز نامه تکار غربی غسان را کمی
بیشتر از شهادتش برسیده بود: آیا مرگ
برای شما معنی ای دارد؟

فلسطین آنام سازد. روزنامه ای «استار»
در شماره ۹ جولای ۱۹۷۲ در «ورد اونوست»
بغسان کما ندوی بود که هو گز فیض تفک
نکرد، سلاح او فلم خود کار و میدان اش
صفحات روز نامه بود. او نشستن را بیست
از یک قطار کماندو نخست ساخت.

هشت میله جیبه مردم برای آزادی فلسطین
چار طیاره خطوطه شوابی غرب را زیود می
افزا فه تراز یک هنره غسان را تبدیلیم.
این دوره معروف نرین دوره فعالیت اطلاعات
نی وی بود. او در آستانه ای قتل عام
وحشتنا کی که از طرف رژیم اردن بر ضد
خلق فلسطین و جنبش مقاومت در اردن برای
انداخته شده بود از عمان توسط طیاره به
بیروت باز گشت نمود.

اگر هیچ یک از صد ها روز نامه نگاری
که بتعیین الهدف (که بعد ها غیر قابوی
شده بود) سرا ذیر می شدند قادر نبودند
غسان را در جزو بحث قائم بسازند دلیل اش
این بود که غسان جواب های نافذه قاطع
و دقیق میداد و عدمه تراز همه اینکه امری
را که او از آن دفاع می نمود - مبارزه
اقلای خلق فلسطین ساهری بود عاد لانه
یسیاری از روز نامه نگاران و کسان دیگری
که کوشش میگردند بر خورد های شرقیانه
را بطور واقعی پیشند، در خانه یا ملاقات
میگردند بعضی از آن ها تو باره رجعت می
کردند و برخی ها هم رفای شخصی مانند
شده.

غسان یکی از جمله کسانی بود که برای
تکامل جنبش مقاومت آزادی ملی فلسطین
لیک جنبش اقلای سو سیا لیست با نغرب
که مو ضوع آزادی فلسطین جزء جدایی
کا بذر آن بود صادقه مبارزه میگرد.
او همیشه اصرار می نمود که مساله فلسطین
نیتواند جدا از وضع اجتماعی و سیاسی
جهان عرب حل شود.

غسان در نوامبر سال ۱۹۷۱ بعلت نوشتن
یک مقاله در الهدف در مورد رژیم های ارتجاعی
دهد ای از معا لک عربی با وجود اختلاف
های شدید اتحادیه های تو میشد گان و
زور نا لیستان محبوس شد. مطبوعات لبنان
اختلاف های خود را بعلت زندانی شدن او
در علاوه ها و سر میتا له های خوش درج
گردند.

او بعلت معرفی ایام جیس رادر شفاخانه
محبیت میگرد و در آنجا عده ای نمایش
نامه های «استرین برگ» و یک ناول طولانی
«هالدور لکسیز» تو میشد آیس لندی را
توانست بخواهد. اما این فه تراز آن موقع
استراحت نداشت او تاول تا تمام خوش را
در پاره فلسطین نوشت. این ناول که
«عاشق» نام دارد راجع به تمام میا در زاده
فلسطین از آغاز آن بر خدمت صلاحتی زمان
انگلیسی و نیرو های صیوبنیتسی تا به
میتواند این میگردد.

غسان بعیت یک تیور یعنی سیاسی در
تنظیم برو گرام های سیاسی و انسانیه
عای جیبه مردم برای آزادی فلسطین شرکت گرد
و برای اینکه بنا نزدیک باشد بسیاری از
کار های خوش را در خانه اجتما میدار.
بسیاری از میا ها و یومن های جیبه مردم
برای آزادی فلسطین را، با قایز و ایلی
که داو طلب و شایق تما شای نفا شن ها
و رسیه های پدر شان بودند، در خانه دیگر
میگردند.

ادین گروپ کماندویی ناسیس شد گرچه
هداش ند اول برای الدا خن مبارزه مسحایه
بیود بلکه میخواست با اعراب ساکن امری
نیل نماش بر فرار کند نا زمینه را برای
مبارزه مسلحانه در آینده مساعد سازد.

جبش ملی عربی پژوهی اولین قذاین
خویش را در مبارزه برای آزادی فلسطین
التحار شهادت یختسبید. غسان یک ناول خویش
بنام «دهمه آنچه یتو مانده است» را نه بعد
ها حایزه او بی سال ۱۹۶۶ لیبانی را برند
شد، به یک ن آن شهدا بنام «حلالت
الحاج»، اولین کمیکه به فلسطین بار
گشت نمود و هنوز یمارش خویش ادامه می
دهد اهدا کرد.

غسان به اطفال خویش عشق داشت و شدیشه
راجع به آنها می نوشت اگر چه وقتی یاما
محدود بود اما او عادتاً با آنها بازی میگرد
د بسیار چیز ها را به ایشان می آموخت.
او ندرتاً یلد مراج می شد و هر گز آنها را
ات نمیگرد. شرکت وی با اطفال همیزی
های آنها تک مینهای می خریده یا ندیزی
های شان در خانه شر کت میگرد.

غسان در درفترش در بیروت :

بدین تر تیب غسان در ۱۹۶۹ تصمیم
گرفت کار خود را در الاتوار ترک گند و
هفتنه نامه ای سیاسی «الهدف» را آغاز نماید
با وجودیکه درین کار عواید شخصی اش
پایان می آمد. او هیچگاه بخطاط پول کار
نمیگرد. انگیزه ای کار و نویسنده گی
گست نا پذیرش مبارزه عرب فلسطین و
آزادی فلسطین بود. در جولای ۱۹۶۹ اولین
شماره الهدف که غسان مدیر مسؤول آن
بود منتشر شد. او یقین داشت که جریده
الهدف بنام «جیبه مردم برای آزادی فلسطین
و سایر نیرو های مترقب را به توده های
عرب و خلق های جهان می رساند، اور است
می گفت، در ظرف دو سال آینده الهدف
یکی از پیشترین هنرهای سیاسی
جهان عرب شد که به کثرت از آن
قول می شد و بسیاری از مها مین و سر
متا له های آن؛ همیار زبان ها تر جمه
بیگرید.

غسان بعیت یک تیور یعنی سیاسی در
تنظیم برو گرام های سیاسی و انسانیه
عای جیبه مردم برای آزادی فلسطین شرکت گرد
و برای اینکه بنا نزدیک باشد بسیاری از
کار های خوش را در خانه اجتما میدار.
بسیاری از میا ها و یومن های جیبه مردم
برای آزادی فلسطین را، با قایز و ایلی
که داو طلب و شایق تما شای نفا شن ها
و رسیه های پدر شان بودند، در خانه دیگر
میگردند.

شمان بطور دوامدار کار میگرد و تا می
توانست الهدف را گمک می نمود. هنگامکه
مخفی و سر جیبه مردم برای آزادی
فلسطین شد وقتی با من و اطفال گم و گمتر
شده وقتی من نمیخواستم درگازارو سکنی
وارد گنم زیرا دلخواه های او شکل «امس»
را داشت. اسب در عده ای از داستان ها
خویش را از دست میگیرد و یا در زندان
های اسرائیلی تحت شکنجه جان میگیرد
پس او و قیمه داشت تا جوان را از اقلاب

داستان و قصه های عاشق چوف

بیوی ایجیارگی

نوشته نیدیا دیلو روزنامه هفت کوت



Ayşe İyigöz

انتوان چوف

روز است که او بیمار است .
با بیمارگی گفت :
چه کنم ؟ از اینجا بروم .
نامه را گشیده بیش روی دکتور گرفتم و
این دیگر حال ممکن نیست . او منتظر
شماست و مشتاق است . چه کنم ؟ بامن باید ؟
لحظه صبر کنید و اتاق را ترک کرده . الیشا
ها به زینه ها بالا رفته .
او نباید حتی یک کلمه گیب بزند ! چون
وقتی دکتور برگشت ، نگست تکاه معنی
خطرناک است . یادتان باشد ، هر گم ، هر کلمه
خونریزی را از سر من بگیرد . من شمارا سه
دقیقه فرصت من دهم ، نه بیشتر ! اینطور حالا
فکری نکنید . آرام باشید . بعداز سه دقیقه
من برمی گردم .
اور در اتاق تنبا آرمیده بود . تنبا به پشت
غلتیه و سرش را به سوی دربرگردانیده بود .
به آرایی گفت :
ویرای دیدار شما بود که او در حالت
بیماری و در چتین فصلی از خانه یعنی مسکونی
شروع گردم .
ساورین آمده بود .
درخواستی بود ؟
تیسم نمود و به چوکی نزدیک بستر اشاره
کرد .
گفت :
سندایله وقت داریم .
 ساعتش را از روی هیئت برداشتم او ساعت
را از من گرفت و بدستم بست .
به من بگو : آمده بودی ؟
— دیدار شما ؟ آری آمده بودم ، عزیزم .

علت تقصیر من این است : شام جمعه دچار
که چوف آنجا حاضر نباشد ؟ چگونه آمد
میتواند از او دور شود ؟ و در حالیکه این کار
نا ممکن است چگونه میتوان اورا رد کنم .
باشه که اذیت شوم . باشد که این موضوع
با سایرها همراه باشد ولی این حالت به من
شادی میبخشد . کاه میاندیشم که دوستم
دارد . چه شادمانی ؟ چه شادمانی ؟ از
شادمانی گیب میذشم . شادمانی من چون بگندی
است بر چهره بی اشک الود .

نه ، البته او دوستم ندارد ولی میداند که من
دوستش دائم ، واز این چیز بدش نمیآید .
به هر حال این مارا پیووند می دهد . این نوعی
ابطه است . و جدا من ملامت شوم ؟ من که
کسی را اذیت نکرده ام . من که کسی را از
چیز معروف نکرده ام . چرا گذا هکار باشم ؟
الیشا به لندي انتراض کرد :
— کی گفته گذا هکاری ؟
من هرگز به دیدار دیگری به هول نرفته ام
ولی به خاطر اورقتم . چون او خیلی خوب
است . خیلی راستکار و نجیب است .
الیشا گفت :
— تو امروز خواهی دید که اونادرست نیست .
الیشا تنبایه هوتل رفت ولی غیبتش طول
نکشید . بازویم را گرفت و بازگشتم . الیشا
گفت :
— چه کنم ؟ من می خواهم ...
زن شانه ها یعنی را بالا الداخت لحظه بین فکر
کرد و رفت . دکتور وارد شد واعلام کرد :
— آنون یاولویج اجازه عیادت ندارد .
نیزه دارم گفت به شما خواهد گشت .
— چه کنم ؟ من می خواهم ...

— بر نگشته . می گویند وقتی آمد بیمار بود .
باید فردا معلوم کنم .
باران به باریدن آغاز کرد . بازمانی سنتگین
نیزه ولی دانه های درشت می افتد . هواگرم هیچ صورت نمیتوانم به شما اجازه بازدید
ترو فضای خوشبو تر گشت .
روز دیگر الیشا بیش من آمد تا بگوید که
آنون یاولویج جدا بیمار و در شفاخانه است .
در بیست و پنجم هارچ این باد داشت را
شما امروز از او نامه گرفتید ؟ ولی سه
گرفتم

نژد چغوف رفته ام از صحت وی پرسیدند و سه
تن دیگر از همکارانش را نیز صدا کردند:
ـ نه ، هرگز ! چنین بیماری نباید گسل
بپویند .

ـ یعنی گفت :
ـ بدش این است گه هنگام بهار است . دیروز
دیدم که بخی دریا آب می شد . برای این بیماری
حال که آورده اید ببرید و نشا نس بدهید .
این بدنترین وقت است .

ـ چغوف تکاهی
مشتاقانه به گلها نمود و آنها را گرفت .

ـ چه گل ها و سوسن های زیبا بیم ؟
ـ چه بزرگ اش را در گلها فرو برد و گفت :
ـ نه ، نه ! لیدیا الکسیونا احترامات و تمیمات
مارا به او خواهند رساند . لطفا بگویند عیج
ستابی برای خواندن پروف ها نداشته باشد .
ـ گل سرخ زیبا . سوسن دره سانجه دوست
دارم .

ـ پرسنار گفت :
ـ سولی گل منوع است . دوکتور نخواهد
گذاشت .

ـ چغوف گفت :
ـ خودم دکتورم . منوع نیست . لطفا در آب
نهال دریا . «موس خطرناک برای بیماری
چغوف» طوریکه آنان می گفتند ایندی نبود .
پرسنار مجددا نگاه خصمانه بی پنهان افکرد
ورفت .

ـ آنتون پاولویچ در حالیکه همانتوانی دستم
را می فشرد گفت :
ـ دیر آمدی !

ـ بر عکس . گفتند نباید بیش از ساعت
دو بیام . حالا دو است .

ـ نه ، عفت دقیقه گذشته . عزیزم ، عفت
دقیقه . من انتظار کشیدم و انتظار کشیدم
کاغذ و کتاب عایی را که آورده بودم نگاه
کرد . پروف ها را روی هیز نهاد و به جریان
دیدار من با گلتیسوف گوش داد .

ـ سه ناسانه تقریباً همه این کتاب هارا خواهند
مقالات جای نشده تو لستوی؟ اخرين؟ اینها را
با انتیاق می خوانم . من ...

ـ گفتم :
ـ شما نباید گب بزنید .
ـ تو کی می روی ؟

ـ امروز .

ـ نه ، آنتون پاولویچ بهتر نیست . دیشب
به سختی خوابید . خونریزیش هم بدتر است .
ـ بس من نباید ببینمش ؟

ـ از دکتور پرسیدم . گفت: هی توانید .
ـ سه تیکرامی که رسیده بود گشیدم و به
او دادم . چند بار آنها را خواند .
ـ بقیه در صفحه ۶



گرفت و نوشت :
ـ دوست ۰۰۰ خیلی زیاد شکر می گشم .
هر حال میم نیست .

ـ وقتی «دوست» نوشت نقطه گذاشت و لبخند
زد . من خدا حافظن کرده به سوی در رفتم .
ـ گهمن آدم .

ـ لیدیا الکسیونا . توبه هنر پشهیسی
نمیم نیست؟ میم نیست؟
ـ سه هم این است که شما هر چه زود تر
هنری که به سیاحت آمد باشد .

ـ خنده کنان گفتم : این به خاطر لباس من
دکتور بانارا احتش گفت :

ـ آنتون پاولویچ ، شما خود دکتور هستید
اگر فردا بدتر شدید عیج کسی را به عیادت
تازه کنم .

ـ بخوبی .

ـ آنچه بگویی گفت :

ـ آنتون پاولویچ ، شما خود دکتور هستید
اگر فردا بدتر شدید عیج کسی را به عیادت
تازه کنم .

ـ بخوبی .

ـ آنچه بگویی گفت :

ـ آنچه بگویی که شما خاموش بمانید
ـ نهی دانم چه بگویم که شما خاموش بمانید
ـ امروز ازینجا می روی ؟

ـ نه ، فردا .

ـ بس فردا هم به دیدن بیا ! می آیی ؟

ـ بالته .

ـ دکتور رسیدوبا لیکنی احترام آمیز رویه
چغوف نمود :

ـ ۲۷ هنتری یه هن بوسه مت .

ـ تیکرام دیگر اینطور بود :

ـ زود بیا . منتظریم . برایت دلتنگ هستیم .

ـ صبح روز بعد تیکرام سوم رسید :

ـ ساعت حرکت را مخابره کن . فردا حتی
ـ یک دقیقه اجازه بدهید . ۰۰۰ لیدیا الکسیونا منتظریم .

ـ ۰۰۰ خواهشی دارم .

ـ دکتور انکشتن رایه نشانه اختصار بلند کرد
ـ نشراتی رسکایا میسل رفتم . گلتیسوف با
ـ تعجب گفت :

ـ او حالا پروفه راچه هن گند؟ بعدا هم وقت
ـ بروf های هزار دفتر نشراتی رسکایا میسل
ـ بگیر چیزهایی هم از خودت بیار تابغوانم .

ـ وقتی گلتیسوف داشت که هن در شفاخانه
ـ چیز دیگری هم ...

ـ وقتی باد داشت را خواند م دوباره آن را

سیبری) پیش فتهای برق آسای آسا مان را در شوون مختنگی حیاتی تحلیل میکرد در مورد پیرزو- یهای فرهنگی و مطبوعاتی سر زمین' شوراهما چنین اظهار نظر نمود : (در اتحاد شوروی تمام غنای فرهنگی بدستور سوده های مردم قرارداد، در دستور العمل های بیست و چارمین کنگره حزب کمو نست اتحاد شوروی روی مر بوط بر شد و ترقی اقتصاد ملی اتحاد شو روی برای سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ و سپس در جلسات بعدی آن مو ضوع ترقی و توسعه علمه جانبی باز هم بیشتر تعليمات عمومی و فر- هنگ سو سیاستی پیشیبینی شده است که بمنظور ارضی کاملاً احتیاجات معنوی مردم مو فیتیهای مطبوعات تلویزیون، رادیو، ادبیات و هنر تحکیم زیر بنای ما دی و فنی مو سسات فرهنگی تامین خواهد گردید. در نظر است طبع و انتشار کتاب و تیراز روزنامه ها و مجلات باز هم بیشتر افزایش و شبکه سینما، تیاتر هاو دستگاه های سینما بیشتر تو- سعه داده شود. تو جه خاصی نسبت به تکمیل سیستم خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به سکنه مبدول خواهد گردید.

مطبوعات شوروی والسن مختلف: یکی از ممیزات عبارز و کرس مشخص مطبوعات اتحاد شو روی که روی یک اید یا لو زی نباشد وواحدی بیش روی میکند عبارت از نشر مطالعه مطبوعات متعدد و متعدد است که غیر از زبان روسی بدیگر زیانهای مردمان جمهوری است های مختلف آنکشور نیز نعم میشود علاوه تا معاونه و سایه نه یکتعداد زیاد آثار و کتب مطبوعات خارجی از السن مختلف خارجی بزبان روسی و دیگر السن مختلف محلی و منطقی ترجمه و نشر میشود.

از بد اغلاق اکتوبر بدینظر که نظام سو سیاستی در اتحاد شوروی مستقر شده بیش از پنجاه قوم و ملت صاحب خط و کتاب است دیده اند. در حال حاضر مطبوعات شوروی که روزنامه های دریاره اجلاسیه هم و اساسی آنرا تشکیل میدهند، به بیش از پنجاه و هشت زبان، و مجلات به بیش از چهل و هشت زبان مختلف باشند گان آن سر زمین پیش از طبع و نشر میگردند.

قا نون اساسی برای مردم شور- وی آرا دی مذهب و آرا دی عقیده و ابراز آن حق اجتماع، میتنگت تظاهرات، مسالمت آمیز را قایل شده است، قا نون بطور یکسان از حقوق افراد دفاع میکند، و برای عیجیک از آنان تفویقی را قایل نمیشود. دولت حق هر فردی را برای زندگی صلح آمیز بطور مقدسی رعایت میکند، این حق بو سیله سیاست خارجی صلح آمیز اتحاد شوروی تا مین میگردد تمام موازینی که در معاهدات بین المللی مر بوط بحقوق بشر قید شده است با قوانین کشور شو روی کاملاً مطابقت داردند.

آزادیهای سیاسی و سیعی به اتباع کشورها گذار گردید و قوانین شوروی منافع ملت را از سوء استفاده مقصود میدارد.

مطبوعات شو روی چندی قبل را- جع به اینکه برخی اوقات در صفحات جراید و روزنامه های آنکشور مباحثی بپردازند طرح بعضی قوانین مملکتی مطرد و موضع نظر قرار میگیرد با شاغلی ای. گ. کبین زنیس کمیسیون لایحه قانونی شو روی میلتهای شورا یعنی اتحاد شو روی صناعات را انجام داده که تحت عنوان (ملت قا نو نگار) منتشر گردیده ضمن پوششها یکه از وی بعمل آمد مو صوف در مورد نشر و اشاعه قوانین قبل از تصویب و تطبیق آن که در معراجین آزادی عا مه گذا رده میشود، چنین تو- ضیحاتی را ارائه نمود: همان به خوبی از خواست لیندن در مردم دستگاه های حکومت مبنی بر اینکه تمام کار عاده انتظار توده ها انجام داده شود اطلاع دارند. علت انجام چنین کار عا یکی از مهمترین اصول فعلی است شورا یعنی اتحاد شوروی بشمار میروند، مردم شو روی با کلیه جوانان مقام حکومت کشور خود آشنا هستند. روزنامه های رادیو تلویزیون و خبر سینما بدریاره اجلاسیه عای شورا یعنی اتحاد شوروی و فعالیت هیات رئیسه آن شرعاً میدهند. افراد اطلاعات و سیعی را در مورد کار کمیسیون های دایمی مجلسیں شو- را یعنی اتحاد شو روی یعنی شو- رای اتحاد و شورای ملیت ها کسب میکنند.

یکی از محققان اتحاد شو روی در حالیکه تحت عنوان (فرهنگ-



میر هنر نواب حیرت

پیوسته بگذشته

مطبوعات و اذشارات در اتحاد شوروی

چنانچه در اتحاد شو روی که کلیمه موسسات سیاسی و اجتماعی ایکا بی مو سوم اتحاد یه های صنفی از خود سازما- نهای بخصوص مطبوعات را دارا آند هر سال روز مطبوعات را بصورت شاندا ری بر گزار میکنند.

باید گفت که روز مطبوعات شو روی هر سال بترا ریخت ینجم ماه می منعقد میشود و این تاریخ مصادف است با نشر نخستین شماره روز- نا مهبرا ودا که بترا ریخت پنج ماه می ۱۹۱۲ تو سط و ای . لئین در شهر پترزبورگ پا یاخت او لیه آنر هان تا سیسیش شد. هنوز چند ماهی بیش سپردی نشده بود که بس از غلبه و هو فقیت انقلاب بزرگ اکتوبر، پا یاخت رو سیه شو روی به شهر ما سکو انتقال یافت و تا سیسی روزنامه پراودا نیز بما سکو منتقل گردید که البته معلوم است مزید درباره این روز نامه معروف از گان حزب دو لیت جما هیر اتحاد شو روی به صورت مشترج بخش جدا گانه را ایجاب میکند.

جوا یز مطبوعاتی در اتحاد شوروی: بغرض تشویق، تقویت و انساناف آثار فرهنگی، مطبوعاتی و هنری در اکثر کشورهای جهان جوا یزی تجویز شده است که بعد از هر دو سال یا بعد از چند سال برای مستحقان آن توزیع و اعطای میکرد. چنانچه در اتحاد شوروی نیز چند جوا یزی برای چنان آثاری تجویز شده است که از هر لحاظ ارزش اهمیت برآزند. علمی، فرهنگی، مطبوعاتی و هنری را داشته باشد. اتحاد چنین عملیه که از سنت کهن بنیاد ملی دانش پرور و هنر گسترش است، نشانه قدر دانی جوا میم بقدر دان در مورد حمایت و تعمیم آثار بکرو خلاقه میباشد.

از آنجلمه در اتحاد شو روی نیز بعد از هر دو سال یکباره بتاریخ ۱۹۲۲ بریل که با روزولادت لینین همان دف است جوا یز لینین طی هر سه شکو همندی برای مستحقان آن اعطای میگردد. اعطای جوا یز که در سال ۱۹۲۵ صرف برای آثار عالمی تجویز و آغاز گردیده بود بعد از سال ۱۹۵۷ برای آثار فرهنگی و مطبوعاتی نیز معمول و منظور شد.

بقیه در صفحه ۴۶

یکی از نویسندهای گان وزور- نالستان معروف امریکا بی مو سوم به دوان برادلی در فصل نهم کتاب مو قف روزنامه در نظام دموکرا

سی تالیف خودش زیر عنوان «مساعی جرا ید در راه ایجاد نفوذ و تأثیر آن بر افکار و عقاید عامه» چنین مینویسد:

(قانون اساسی اتحاد شو روی آزادی مطبوعات را برای مردم آنکشور متضمن و متعهد است. قانون اساسی میشود و معتبر است. مذکور را میشود که اتباع مشذکره تو ضییح میکند که اتباع وسیله تبلیغ اید یا لو ری مشخص میشوند که کشور مذکور تو سلطقاً نون آزا دی مطبوعات متعهد بوده و از آن مستفاد

گزارش یافت. و نظرات برخی از صاحب نظران و متفکران آنکشور بپرسن مون موقف مشخصات اید بالو- ذی و دیگر خصوصیات پس منظرو بیش منظر مطبوعات شو روی بی- طرفانه بیان گردیده اکنون در مورد طرز تفکر و ذهنیت اهل مطبوعات غرب را جمع بمعطوبات شو روی تذکرای میدهیم بدین مفهوم که آنان مطبوعات اتحاد شو روی را بصورت کلی و مستقیم تحت تأثیر و اداره دولت و ما سموا بی آزا دی قلم و بیان میشند وندو مطبوعات مذکور را کشور مذکور تو سلطقاً نون آزا دی وسیله تبلیغ اید یا لو ری مشخص میشند که انترون آن بدهست مطبوعات متعهد بوده و از آن مستفاد شوری که اکنون به هفتاد و پنج زبان رشد و تکامل میباشد و غیره ساختن متقدی ای اند فر هنگ- شوری ادا میکند. این فر هنگ- ملی را در خود جمع میکند و فر هنگ- شوری که اکنون به هفتاد و پنج زبان رشد و تکامل میباشد. این فر هنگ- بسطه لعه عمیقتر فر هنگ- جهانی سال بسال افزایش میباشد. این امر بر مبنای مقیمه سهای ادبیات پیش رو بخوبی مشهود است. در سال های اخیر نشر یاتیله از یکصد و یک زبان «از جمله زبانهای خارجی» ترجمه شده بود، بنابراین ملی اتحاد شوروی طبع و منتشر گردید و اضافه از ۷۲۹۲ کتاب و رساله ترجمه و با تیراز بیش از یکصد و شصت و هفت هیلیون نسخه طبع و منتشر گردید. یکی از مهمترین جهات بیدا یشن و رشد تکامل ملت شوروی بعنوان اتحاد تاریخی بجدید افراد عبارت است از افراد ایشان افرادیکه بدو زبان تکلم میکنند. بخصوص توسعه وظایف زبان رو سی بعنوان فوق العاده واقناع کننده، اند کی از بین میلتها بموازات رشد و تکامل ملی آزاد زبانهای ملی هی بیش از بیانزده سالیکه بین سر شمار یهای سال ۱۹۵۹ و سال ۱۹۷۵ سپری گردیده عده افراد غیر رو سی از لحاظ ظرفیت که زبان رو سی را زبان ما دری خود نمیده اند از سیزده هیلیون و دوصد هزار نفر به اضافه از شانزده هیلیون نفر افراد یشن یافت. در عین حال عده افراد یکه علاوه بر زبان ما دری خود بزبان رو سی ویا زبان دیگری آشنا هستند بیش از قابل تو جمی فزو نی حاصل نموده است. مطبوعات غرب چه میگوید:



چند نمونه بی از آثار گرانبهای که در روز مطبوعات شوروی به چاپ رسیده است.

مقدامات دو لشی است. از نگاه مطبوعات غرب استدلال در چنین موارد

شوروی متذکر میشود که کلیه آزادیهای متعهد شده و قبول یافته هم در بازه آن سخن را بد راز میکشند. آنکشور مطول میکرداند. ولی تفسیر کلام را بررسی و تحلیل علمی وار زیا بی

روز مطبوعات شو روی: در اکثر کشورهای مترقبی و ممتاز در لکرو به اکتشاف غرض بزرگداشت و تثبیت مقام وار زش مطبوعات روزی را بنام روز مطبوعات تحلیل میکنند سازد.

هنری تخیل ، هنری المهام ، هنری قریحه، هنری نبوغ روپسانه‌شی ترخو چی دکار اصلی مو ضوع (کنه) کشیدنی .

دیوه هنری اثر منخته را ویل یو خلاقیت دی . آفرینش دانسانی فعاً لیست روند «بهمیر» دی چی د هفه په نتیجه کی کو لی شی په کیفی پلوه نوی او تازه مادی او معنوی ارزښتونه را منځ ته کړی . دا انسانی استعداد دی چی دکار په بهمیر کی ور ته حا .

صلیبری اوددغه استعداد له مخی کولی شی د هفو مصا لحو خخه چی واقعیت وزربنی ، دعینی نهی پرقوانینو باندی په معروفت سره ، نوی واقعیت هست کړی او د دغه نوی واقعیت سره د انسان اود هفه د فر هنګ خینی اړتیا ویله منځه یوسی .

خلاقیت دیبلو بیلودو لو نودزلو . دو نکی اودانسا نی خلاقیت به خصلت بوری اړه لري لکه د مخترع فنی خلا .

قیت ، هنری خلاقیت اوداسی نور افلاطون هنری آفرینش یو آسمانی شی باله . «شلینگ» داسی عقیده در لوده چی هنری آفرینش دانسانی نقسا نیا نو د خود آگاه او نا خود آگاهه برخو یوه خنډه ده . (هار تمان) پدغه برخه کی واړی چی هنری آفرینش دناخود آگاه برخی به زړه بوری برخه ده .

ددغی پیچلی مسا لی د حل سمه لاره کومه ده ؟ علمی فلسفه واړی چی د هنری آفرینش په بهمیر کی نفسانی تول قو تو نه اود هفه د جملی خخه د تخييل قدرت برخه لري او هفه مهارت چی دکار او تحصیل به ترڅ کی سپری ته په برخه کیږی د آفرینش د تحقق ضروری شرط دی او پر دغه هستولو باندی تاریخی او ټولنیز شرایط ژوره اغیزی لزی . کله چی د تولو نفسانی قو تو نو په منځکی د تخييل له پاره خا نکړی خای

په عان دغه ضيو مد لوونو، دتجربې
له پاره داندېښتو په هستو لو سره
خپل معرفتی کار پېيل کوي او هقه
خان ته آسازه کوي . داټول دعلمی
تخيل زین نده ده . به هنري بهير کي
په تيره بيا د هرڅنه د تخيل نقش
ديز ده . په هنري بهير کي تخيل
يوا زى د تېپ د جوړولو او تعتميم له پاره
ندی . بلکي د اسى یو قو ت ده چې
هنري تصویر یو منځ ته راوې، یو
راز بل تخيل همشته چې (خيال پر -
دازی) او یا د بليمسکي به خبری بي-

برخی به زیده بوری برخه ده.
ددغی پیچلی مسالی د حل سمه
لازه کومه ده ؟ علمی فلسفه‌ایی چی
دعنری آفرینش به بهیر کی نفسانی
تول قو تو نه اود هفه دجملی خخه
دتخیل قد رت برخه لری او هفه
مبارات چی دکار او تحصیل به ترخ کی
سیری ته په برخه کیری آفرینش
دتحقق ضروری شرط دی او پردغه
هستولو باندی تاریخی او
تولنیز شرایط زوره‌ایگی لزی . کله
چی دتولو نفسانی قو تو نو به
منځکی دتخیل له پاره‌خا نگوی خای
لرو، لازمه ده چی دهنری روانشناسی
په دغه لنډه خپر نه کی ددغه لفظ
په معنی هم یوه شو .

تخیل به ضمیر کی دحسی یا
فکری نویو تصویر و نو منځته راویل
دی د عفو اغیزو پر ینهست چی انسان
یی دوا قعیت خخه لاس ته راوی او
وروسته بیا یه هفه کی خیمنی بدلوونه
منځته راوی او په اصطلاح سره په
هفه کی لاس وهنی کوی . تخیل د
انسان دکار او فعا لیت په بهیر کی
بیداکیری ، داخکه چی دتخیل دقوق
خخه پرته انسانی کاره‌هدف لرونکی

شکل ګرا بی (فورمالیز م)
دغه شکلی وسیلی دضمون نی چارو
خخه بیلی او مجرد کوی او هفه ته
مطلق او زبنت یادنقدم حق ورکوی .
زمور په نظر دضمون دتقدم بنه او
سمه لازه، تما تیک، پر شکل با ندی
هنری ایده ده، البته دضروری تنـ
سب په مرا عا توگو او دضمون نه
شلیدو نکی اړیکی دشکل سره یعنی
هر معین مضمون حق لری خپل بیاپوی
شکل منځته را وړی او دلته دهـ
مند داختراع او خلاقیت سا حهارتہ
او دغه تضادو نه دی چی وا قعیمت
لری اوددغو بد یدو خپر نه دتصویر
برداز انه او عا طقه لرو نکی ایده آل
سره چی بشر تولنیز او اخلاقی بیاپوـ
تیا ته رسوی .

دهنری اټر هنری بنه دیری زیاتی
دی مرکب عناصر لری دشکل دیر
مهنم عناصر دسو ژی یا پیښی خخه
عبارت دی . د تالیف‌شیوه «کومپوزـ
سیون»، هنری زبه دتصویر اوویلو
مادی وسیلی . لکه خبره، وزن، قافیه
دغرو نو هم آهنگی، رنگ، هوا
(کلوریت)، خط، رسم، زنا او تیاره
و این، جو یوربنت «تکتو نیک» ګډا د پیسا
جنښتن د صحتنی جو یوں، مو نثار
ددغه مو ضوع له پاره بنا یې چـ
خـ، مقوـ لـاتـ لـکـهـ هـنـرـیـ آـفـرـ ینـشـ

هندراو هندی روانشناسی

ادیبہ ادیب لیکنہ

ڙوڻو

گرایا نه اسلو ب، ناتورالیزم، بهی
گرایا نه اسلو ب (فورما لیزم)، بهی
هکله غنی پیرو، زمود مطلب دهستی
او واقعیت انعکاس او نپری تسد
انسان دذوقی او استه تیک اپیکی
دخان نکرو کپرو و پرو بنو دل دی او
همدا رنگه زمود مطلب دتصویری
عنرو نو په بنه د هنفو واقعیتو نود
دیکلازه ده کوم چی دتار ینخ په او بردو
کی منځنه را غایی او او س زمود په
عصر کی خلیپری .

هنری اسالیبد ذوقی او استه تیک
معین ایده آل (بهه زپه پو ری وا لی)
بر یېنمول او تعجم دی . ټول هنری
اسا لیب دهر هغه هنر هند نپی لید
لوکی منفی یا مشته اغیزه ولری، نپو-
دی اپیکی لری خو دغه اپه یکی پیچلی
او ددیا لکتیک له لحاظ متنا قص دی
او هنر هند په خیل وا قع ګرا یانه
بر خورد سره کو لای شی تریوه حده
بوری په خیل محدود یتونوا تنگ -

نظریو با ندی بریالی شی او د خپل
طبقاتی تعلق او نپی لید سره سر،
واقعیتو تو ته سه انعکاس ورکړی.
دغه مطلب انگلنس، ده اوره دویا
بالزالک، په هنکه ویلی دی

هنری اسا لیب پیرو هننو ع دی او
مور نشو کو لای چی هغه تسلو
ترخیپ نی لاندی و نیسو . خو مود
دلته خلور اسلو بو نه چی نن ورخ
دهنر هندا نو دکرو و پو هم اسلوبونه
دی ترخیپ نی لا ندی نیسو دغا

خلصور اسلو بو نه
دادی: روما نتیسیز، نا تورا لیزم،
فورما لیزم، اوریا لیزم.

درو ما نتیسیز اصطلاح د
(رو ما نیو س) در یېنی خخه منځته
راغلی چی دغه ریښه ددغه اسلوب پر
ضمون با ندی کو مه رنها نشی اپو-
لای رو ما نتیسیز یو هنری اسلوب
دی چی په هغه کی دتو صیف شویو
پدیدو سره دهنر هندا اپیکی په
چشمکیرو او پیرو نی بنه (تور او
سبین) بیا نپیرو .

نور بیا

محصر لاتو خخه سر پیرو خیمنی غیر
مستقیم محصو لات هم شته کری
چی دغه وروستی شی مور د الهام
په نا مه پیز نو او په معینو سرایضو
کی دیوی معینی انکیزی له مخی دغه
امکان ترلاسه کیمی چی سپری دخیل
معرفتی خعا لیت دغه بر خی یاندی
مسلط شی او وروسته بیا دغه الهام
می معرفت دوخت په اور دو کی په
منطقی تو ګه په اثبت رسپیزی او په
عمل کی د هغه صحیح والی او غلط
تخیل پسر د نپی دمشخصو والی
با یدوو یل شی چی دالهام په
بخبو نکی کار ادا می ته په لا چیز
خیز تیا او تلاش سرمه هخوی
دانسان دخلافه قریحی ډیره لوا-
په در چه دنبوغ (جنیو س) په نامه
یادبری او د هغه نوری عا دی در جی
داستعداد او پور ته استعداد په
نو مونو سره یادی شوی دی . ددغو
درجا تو بیلول ددر جی دشد تله
مخی کیمی . نا بغه هغه خوک دی چی
وکولای شی دهستو لو (آفرینش)
په بپیرو کی داسی ما دی یا معنوی
آنار چی دخاصو نوبستو نو په
بنه او دانسا نی تو لئی په پیاوړ تیا
کی تار یخی اهمیت ولری او د تل له
پاره دانسان په مدنی ګنجینه کی پاتی
شی، هست کپری ، نا بغه غښتنی
سپری ندی بلکه هغه خوک دی چی
خاص نفسا نی استعدادلاری او په ستر
تلاش لاس پوری کوی تر خو چی د
پولنی خنی اپه تیاوی برابری کپری او
شرایط هم ددغه کار سره هر سته
کپری . که دبخت او شرا یطو ساز-
گاری نه وی پیرو فردوسی گان به
بیسوا پا تی شی او پیرو حافظان به
ګونگی پا تی شی .

دهنری روانشناسی د مهمو مقو لا تو
په هکله زمور دلندي خیز نو خخه
ورو سته داسی سو ج کیدلای شی چی
سلیم عقل دهغه دصحیح والی دیو-
هیدلو په هکله عا جز ندی او که
مسلى دحل کید لو خخه ورو سته
دو مره آسازه بر یېنی تعجب مه
کپری . پیرو کار لازم و ترڅو چی مقولات
را مینځ ته شوه سره بیل شول تعریف
شول . تعاریف دقیق اولاهم دقیق
شول او معما حل شوه . نوکله چی معما
حل شی آسما نپیرو .

هنری اسا لیب او د هنریو نیز
نقش
کله چی دهنری اسا لیبو لکه واقع
ګرا یا نه اسلو ب (ریا لیزم) روما-
نتیک اسلوب (رو ما نتیسیز) طبیعت

خایه (عبث) فا نتزی نو میزی او دغه
تخیل پسر د نپی دمشخصو والی
قمعیتو نو خخه لیری کوی او ده پروت،
په عالم کی پی دوب کوی . دغه تخیل،
هستو نکی تخیل ندی . داکتو بر د
سته انقلاب لارښود هستو نکی
ـ تخیل ته (سته قوت) وا پی چی نه
یواخی دروندا نه په پیز ند لوکی بلکه
دهغه په بد لون او نوی جویو لوکی
عرسته رسوی . دادی او س چی مو
دیو پیچلی او مهم مفهوم یعنی تخیل
سره پیزند ګلوي ترلاسه کړه او
ډیر فکری چمتو لی موو مو ندد هنری
رو حبو هنی دوی تو دی مقولی یعنی
ـ الهام، او (قریحه) ترخیپ نی لاندی
نیسو او ورسه پیزند ګلوي تر-
لامه کوو او هغه دراز پر ده چی بوز-
زوږی هنر پیزندو نکی ور با ندی
خپره کپریده ددغو مقو لا تو دعلمی
درک په ګټه خپره .

الهام اصطلاح چی په عر بی
زبه کی ده وحی د کلیمی سره مترادفه
ده په ازوبایی زبوبکی د (انتواشن)
د کلمی سره معا دله ده چی هغه هم
ـ ده این تونه ری، درې پیشی خخه رامنځه
شوي ده چی دخیل خیز کتلو معنی
ورکوی . خو با یدو بوبه پیچی ددغه
کلمی دلغوی معنی خخه مور ته کوم
شی او هغه و خپره .

ـ دعلمی فلسفی له مخی ، الهام
ـ دعقل خخه پور ته او راز آمیزه معنی
ـ فتی استعدادله بلکه درو ندا نه دپو-
ـ هی بلافا سطه او لیدو نکی په یده ده
ـ چی دمعرفت سره دیا لکتیکی اپیکی
ـ لری او نشی کیدلای چی هغه دحقیقت
ـ دلاس ته او په لپاره دعا دی لارو
ـ خخه یو اصولی انحراف و بولو-
ـ دزیاتی توضیح لپاره باید وویل شی:
ـ دنگهانی حقیقت دحدس د استعداد
ـ ترشا، په حقیقت کی پیرو را تو
ـ شوی تجربه پی شته دی چی ددغه
ـ جهش خخه مخکم، مترا کم شوی وه
ـ انسان دخیل چاپیر یا سره داطلاعی
ـ اوعلا متنی فوں او انفعالا تو په وا-
ـ سطه د معروفتی مستقیمو او آگاهانه

بر تولت بو شهت

در طول تاریخ جوامع پسری، در نبرد حق و باطل وبالآخره در بیرونی مبارزات طبقاً تی قلم نویسندهان همیشه نقش موثری داشته است. هنرمندان و نویسندهان متعهد، به خاطر دفاع از منافع توده‌ها و بسیج ساختن اذ هان جوا معشری، نظر به وظیفه و در کمسوولیت شان، همیشه درین راه کارو پیکار نموده‌اند.

به اساس همین در گسیا سی‌وادبی بودکه بر تولت بر شست‌قلمش را در دست گرفت و به میدان پیکار شتافت واز آنجا بر ضد فاشیزم جهان سوز، مبارزه خود را آغاز نموده و در رهایی جهان آزاد، به سر و دن اشعار پر ارزش و نمایش نامه‌های موثر پرداخت. نامش ایون بر تولت‌فرید رش برگشت بود و به تاریخ دهم فبروری سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود. در طول دوره تحصیلاً تشن در رشته‌های فلسفه و طب پو هنتون‌مونشن (۱۹۱۷)، به خاطر خدیش با جنگ، به مبارزه اساسی دست یازید. او لین نما یشنا مه اش در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل در شب)) مورد نمایش قرار گرفت. بعداً منحیث دراما تورگ وری سوربه کار تیاتر پرداخت.

در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابودی بشریت، توطئه می‌چید وی یعنوان مخالفتش با این شرایط، المان را ترک کفت و روانه سویس، دنمار ک، سویدن (۱۹۳۳-۳۹) فینلاند، اتحاد جماهیر شوروی و بالا خره رهسپار کالیفورنیا ایالات متحده گردید.

در سال‌های (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیمو کرا تیک المان را در پیش گرفت و به کمک خانم‌شنس تیاتر را دوباره در آنکشور پی‌افگند.

وی در طول دوره زندگی اش (۱۸۹۸ - ۱۹۵۶) اضافه تر از سی نمایشنامه، یکهزار و سه صد پارچه شعر ویک سلسله کتاب بهادر موردنموده را نوشته است.

نمایشنامه‌زیر که تحت عنوان (مادر) درینجا پیشکش خوانند کا نگرامی می‌گردد، یکی از عمده ترین اثرای نویسنده بزرگ می‌باشد.

متترجم

نوشته بر تولت برگشت

ترجمه دکتور نجیب الله یوسفی

انسخاون نمایشنامه

خانم والسو: مادر

یاول: (کارگر فرزند خانم والسو)

اندریج ناخودکا: کارگر

ایوان: کارگر

اندری: کارگر

انتون: کارگر

سیسندور: کارگر

مانسا: (خواهر سیسندور کارگر)

خانم کورسونوا: (فروشندۀ صحن فابریکه)

کار بوف: نماینده کارگران

سلنگین: (بیرمرد) کارگر

تاینوف: صاحب ورنس فابریکه

نیکولاو ایوانوویچ: معلم

زیکور شکی: کارگر

زخار: رفیق معلم

تیور: نام دهنده

خانم نیلوونا: نام زن علاقمند به جنبش

اوویسه: نام دهنده (محله)

لوشین: دهقان

بیرکود: نام محله

کریغنا: نام محله

شولیتوشکی: دهقان

تیریک: دهقان

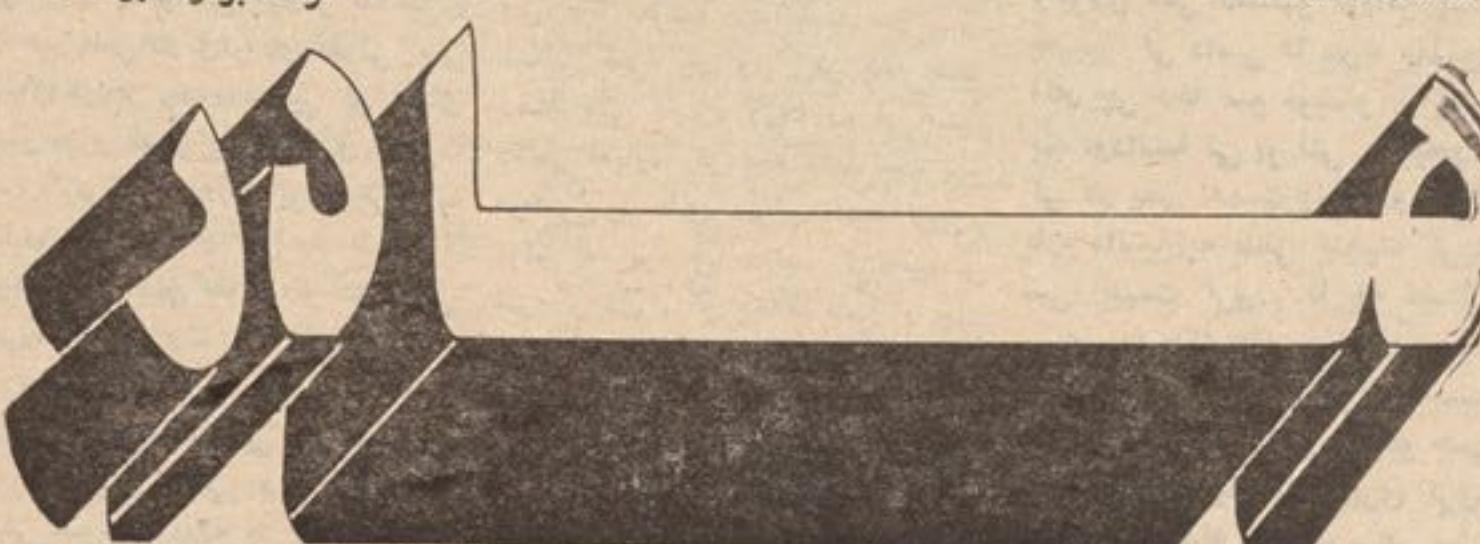
توبایا: نام محله

زیمرنوف: خان محله (فندال)

وایشل: قصاب خان

الکساندروف: همسایه

عسی: کارگر



میزند و میشکند ... بعد خطاب به مادر میگوید: واگر کسی صنف شمارا به تصخر گرفت که امروز صبح دستگیرش گدیم. شما زن تریق هستین... ایره. می‌فهم، چیزی که نباید وقت را تلف کنید. سرمهور پولیس برادر شما بریتان سلام عکس ای گپ مره تابت کنه ده گاو صندوق صنف، به یاخیزید، به یاخیزید. قدرت بزرگ و مشت کوبنده شوید. او بسیار گپ های انقلابی میزد و فضنا درباره عنوز ندیدیم. چه کوچ قدیمی و خوب... اندربیج به عجله وارد اتاق شده میگوید: او بسیار گپ های اتفاق شده میگوید: اما زیرای کوچ را کنچکاوانه باشونک برچه نفتنک باره میکند. بولیس شبانه ها هم چزه های میکلت: بولیس کارگران بیم میگرند... ایوان کاغذهارا پنهان میکند. پاول هاشین را برداشته واز نظرینهان میکند. انتون بالای دیگه در پله لو سلول اوده زندان هنوز خالیس میکند و میگوید: بیبینید: زیر کوچ هم که چیزی کاغذ های که در دست داشت میشیند. سرمهور پولیس خنده میکند) خوب شبانه نیس... بعد بطرف مادر میرود و میگوید: (سرمهور پولیس خنده میکند) خوب شبانه ها کجاس؟... خطاب به مادر: بیخشین ازینکه والسو، والسو، والسو... داده ههای شریف هوشیار مادر: دیدی، یاول؟ بولیس ها آمد به... بطرف پاول میرود و میگوید: پاول، چی مادر خانه شما دنبال شبانه ها میگردیم. هیکی؟ ده کاغذ ها چه نوشتس؟ هاشناسد. مادر را گرفته و اورابطرف بنجره میبرد و میگوید: مادر خانه شما دنبال شبانه ها میگردیم. چینی را برداشته و آنرا بزمین پرتاپ میکند به بطرف الماری قلروف میرود و در حالیکه کاسه مادر، بشین... آرام باش. مادر، بشین: کلی این گاو صندوق کجاس؟ بعد میگوید: تمسخر میگوید: اووه، از دستم افتاد... خوبس که چیزی ده هایشنس نبود.

پاول: تادیروز کمی روغن داشت اما امروز پاول خطاب به بولیس: شما اصلاً دنبال از جایتان حر کست کنین، فیر هیکن... بول میگردین... خویس که خود تان شاهد و بعد بالکشت بطرف مادر اشاره کرده میگوید او مادرش اس... وای هم (بطرف پاول اشاره میکند) بچه نازدایش.

سرمهور پولیس: یطرف آلینه که بدیوار اویخته شده میرود و میگوید: چه آنینه مقبولی اهر شده که خانه شماره تلاشی کنم... راستی ای آدمهای لج ولق ره از کجاجمع کدین؟... نموده میگوید: والسو... والسو... شما پولیس: آها... ای خواهر سیسندور اس مثلیکه از اهنت و عدالت خسته شدین و دنبال

شما میشناسین ، عموزنیکه هر روز چاشت
خوراکه باب ده فابریکه میاره میفروشه . او
جندان جزای برش نخاد دادن ، او نامن فیمند
که او غضوبت ای جنبش ره نداره و فقط بخاطر
سبانیایمه ومه از بعای او خوراکه میفروشم . هه
خوراکه با به دانه دانه در شبنامه هامی بیجانم
بچیش ای کاره میکنه . بعد خطاب به پاول :
نظر گنیم ، اصلاً بدرد مبارزه نمی خورم . ای
رفیق والسو ، نظر به سرايیه حادو بعرانی و
و به کارگرها میتم .

بعداز گفتن ای جملات مادر بگوش از اتفاق
بخاطر سیسدوور مجبور هستم که دعوت مادرته به
رفته و خربطة سودا را میگیرد . مسانا به
یخش ای شبنامه ها قبول گنیم .

ایوان : مه متین هستم که هیچ کس متوجه او
نمیگیرد . مادرت بخاطر ما
خوشحالی میگوید : پاول ، مادرت بخاطر ما
شبنامه هاره یخش میکنه .

ایوان : شما باره در باره ای عمل مادرم
مادر : (با خودش) : گوچه که ای کار خطرناک
خوب فکر کنیم چنده های منبت و منفای مساله
اس ولی مجبور هستم بخاطر پاول ای ره قبول
باید سنجیده شوه . لطفانظرره دری مورد
کنم .

شبنامه خانم والسو نخاد شد .

ایوان : مه موافق عستم .

مادر : (با خودش) : خوب گه ای کار خطرناک
آندری : خانم والسو ، شما حالا در صفت
اوره خوب میشناسن و بولیس هم که هیچ وقت
ماقفار دارین و بخاطر دفاع از حق مبارزه
سرماشنه نخاد کد .

ایوان از ایوان میرسد : ایوان ؟

ایوان : نظرمه هم همیس .

بالیدارد

ایوان خطاب به دیگر کارگران : خوب مساله
توزیع شبنامه ها چطور میشه ؟

آندری : اگه امروز ما ، بخاطر اینکه بولیس
همتوجه شدن ، از تقسیم شبنامه ها صرف
نظر گنیم ، اصلاً بدرد مبارزه نمی خورم . ای
شبنامه ها حتیماً باید توزیع و یخش شوند .

آندری : چند نسخه اس ؟

پاول : تقریباً پنجصد ...

ایوان : گی ایناره توزیع میکنه ؟

ایوان : امروز نوبت پاول اس .

مادر به اشاره ایوان را بطرف خودش میطلبد
ومیرسد : گی شبنامه هاره یخش میکنه ؟

ایوان چوب میدهد : پاول ، امروز نوبت
اویس ... اینکار ضرورس و حتماً باید امروز
یخش شوه .

مادر : گفتی ضرورس ؟ ... اصلانگاه از
نهس اول خوب متوجه بودم که به کتاب خواندن
شروع کرد ... بعد همانوقت به خانه می آمد ...

امروز هم که کارگر راهه بافتشین چاپ اینجع
آورد ... اورسی ره برد زندن که از بیرون
معلوم نشیم ... خیلی کب زدن ها ... امروز هم
که بولیس هاره بخانه هه کشاندن واونا ازما
یا چنانی بتمام معنی ساختند . (از جایش ایستاده
میشود) و بطرف پاول میرود : پاول ، مه قطعاً

برت اجازه نمیتم که ای شبنامه هاره یخش گنی .

آندری : خانم والسو ، یخش ای شبنامه
ها ضرور است .

پاول خطاب به هاشا : به مادرم قصه کوکه
چطور برادر تره زندانی کدن . مادر ، هاباید ای
شبنامه هاره یخش کنیم تا اونا سیسدووره آزاد
کنم .

کارگران دیگر همه بطرف مادر میروند .

پاول بجاشی باقی میماند . هاشا خطاب به مادر
میگوید : بخاطر نجات و رهایی برادرم یخش
ای کاغذ هاضرورس .

ایوان : درغیر اوسیسدووره زندان بوده
خواهد شد .

آندری : اگه امروز های شبنامه هاره یخش
تکنیم ، اونا فکر میکن که تهابیسدووره بود که
همیشه شبنامه یخش میکداونا و ناسیسدووره های
خاطر زیاد سکته خاد دادن .

آندری : ای خاطر هم ضرورس که
امروز ای شبنامه ها یخش گردند .

مادر : مهم فهم که یخش ای شبنامه ها
بخاطر سیسدوور که شما اوره بدام اندختین
ضرورس . ولی اگه پاول ره بندی کن باز جی ؟

آندری : او بندی نمیشه . امروز که جندان
خطرناک نیس .

مادر : خو؟ امروز خطرناک نیس؟ شما بیک
انسان ره گمراه کدین و بدام اندختین ، به
خاطر اوبه نظر شما یخش ای کاغذ ها ضرورس

خطرناک نیس ولی ضرورس ، ماگرچه تحت
تعقیب هستیم ولی باز هم شبنامه هاره یخش
می کنیم . ای ضرورس ولی خطرناک نیس . خوب

ای منطق شما ها؟ شما وقتی متوجه خادشدن
که سریکن از یناره در بالای دار بیشن ۰۰۰ سرخوده

داخل حلقه دار کدن (خطاب به آندری) به نظر تو
خطرناک نیس؟ هر هم شبنامه هاره ، هر همین

مه یخش میکنم نه پاول .

آندری : آخر مادر ، شما که اصلاً تجربه
نداشین ، چطور ای کاره میکنی ؟

مادر : ای دیگه به شما مربوط نیس .

آندری : مه آناره حق میشن ؟

مادر : مه آناره حق میشن ؟

آندری : مه آناره حق میشن ؟

مادر : مه آناره حق میشن ؟

آندری : مه آناره حق میشن ؟

مادر : مه آناره حق میشن ؟

آندری : مه آناره حق میشن ؟

وسله، بلله، اوو بیل بی جی دنگه
آلی دخداي بند گان بی لاری کوي
له همدي کبله بی دهفوی بکار و
بنه نه بلل.

(اورگ) جی بی نشی وخت کي د
مذهبی مو سیقی دیز مهی ساز دی
اود کلیسا له دیرو لو یو تشر یقاتی

اچ خو نو خخه شمیر ل کیزی، یوازی
دنهبی بیزی را هیسمی بی کلیسا وو
تلار موندلی ده. به داسی حال کی چی
دمو سیقی پیداینست مخکی دعسیسح
له میلاد خخه گلیل کیزی.

(اور گ) مو سیقی جی له غیر
سره غیر که وی، د تویسمی بیزی
په نیما بی کی متخته را غله اودودی
وموند. سره لدی تر او سه هم خینی
مذهبی هو سیسات، جی دکر گوزین
دمو سیقی دسا تنسی مد عیان دی، د
هفه له کارو لو خخه دده کوي.

په نو لسمه بیزی کی یوه مذهبی
مشر «سا وو نارول، دفنورا نسی به
بنار کی، دعمو می اخلاقو دنیه وا آی
په خاطر امر و کر چی دمو سیقی
تولی الی له کورو نو خخه راوباسی
اویه عمومی غالی کی اور ورواجوی.

سره دینمن او هم خا تم بنل شوی
دی. ددی له پاره چی دکاتو لیک
کلیسا دیولو خنکو یاملر نه کلیسانه
ملرنی خخه لیری وه. خمل بر مختک
اوبرا خوا لی ته بی دوام ور کر. ترخو
چی دکلیسا وو بی زیا تره هرا سمو
کی بی خاص خای غوره کر، دمو.
سیقی استادا نو جی نشی نری ددوی
دنبوغ بیوزرا ندی داحرام او منتسی
کلیسا مو سیقی ته بی بنه ستر گه
نه کتل خکه چی مذهبی مشرا نو
لکه (مس)، «یاسیون، او، اورانو-
ریو، لیکلی دی.

نقاشا نو او مجسمه جوپو و نکو
هم دیره موده مخکی بی خبلو هغه
آثارو کی چی کلیسا وو ته بی متخته
راوری، دجنت بنای بیزی بی دنولی،
چنک، عود، ویل او تر میت دغیز
ولو به حال کی بشود لی دی.

او دو هم خط بی زیه رنک کبیل
کیده. ددی دول نوت وده اوبر مختک
دیزورو وزو او بی دیز زیار سمه
ترسره کیده او سل کاله بی دوام و کر
ترخوچی پنخه حامل خطونه اود
میزان خط بی بشیره تو گسم اوتد
وین شول. داخلکه جی هفه نه
ستره کیدو نکی کو بشنو نه جی
په مذهبی ناسیسا تو کی بیه
پنخه بیزی کی بیل شوی وو. ان
په شبار سمه بیزی کی نتیجه ته
ورسیدل. بد عمدخنزو پیپ بی کی چی
دهفه دشپه تیاخخه تیر بیزی کومه
بله وده بی نده کری. سر ه لدی جی
خینومو سیقی بو ها نو دایراد او
انتقاد گو ته بیزی نیو لی خوت اوسه
هم په نوله متند نه نهی کی هماغسی
دود او رواج لری.

وهو و بیل جی روها نیون موسیقی
ته هم دینمن او هم خا تم بنل شوی
دی. ددی له پاره چی دکاتو لیک
کلیسا دیولو خنکو یاملر نه کلیسانه
راواپوی، دسندز بیزی مو سیقی
ودی اوبر مختک ته بی ملا و پر له.
سندز بیزی هو سیقی جی تر دیزه وخته
بوری یو غیر بیزه وه. وزو وزو خو
غیر بیزه شوه. سره لدی هم دکاتو لیک

خکه جی نوت لیکنے دالفبی دتوزویه، فا، کلی بی هم به سر کی لیکل کیده
وسیله، چی بخه ناخه دلر غونسی او بی دی دول بی نو تو نه جی د خط
یونان ددوری بخخه ریشه لری، تر- په سر لیکل کیدل، و بیزندل شول.
دزیر او بدم بیزند لوله باره به دهفوی
او سه هم دود لری. انکلیسی او
زدیوا لی اولری والی بی نظر کسی
او تر او سه هم دود (دو) نوت تسه نیول کیده. اوالته دغه طر یقه دیره
(سی) او ده ری، نوت تهدی، وا بی د دقيقه نهوده. سره لدی بی تر دیره
الفعی بی نوت لیکنے کی (دیز) او
«بیمول» بی تورو نو وونسو یاد وی:
وسیله بی بی هو سیقی نیت او لیکله.
دیره موده وروسته بدی فکر کسی
شول چی ده فا، بخط یو بل خط ورزیات
کپری چی ده دو، خانکری نوت او کلی
وی، لو مری خط بی سره رنک

(چی د موسیقی دیز مهی متخصصان
وو) سره ناواره چلتند کاوه او دوی بی
دکلیسا له تللو خخه محرو مول د

هو سیقی هر دول آله بی «دادلیسمن

(دو، ری، می، فا، سو، لا، سی،)
دو هوبی کشیش چی بی بیو لسمه
بیزی کی بی زوند کاوه بدی فکر کی

شوجی ده گام، او دایزه نو تو نه د
مد هبی سرو دو نو دابیاتو بی لو-
هر نی هجاوو و نو هوی، جی وزو سنه
دغه طر یقه دود شوه.

دنوتو نو مونه دیر او ز د لر-

غونتوب لری، بی تیر و وختونو کی هریو
صوت دالفبی بی توری بلل کیده. بی
تیره بیا بی نایان به دی کار کی دیر
پر مختک کپری. ورو سنه لسه

یو نایان نو، رو میا نو هم دغه دود
زده کم. خو دغه تکی ته باید یامنرنه

وشی جی بی هغه دورو کی دیبل توڑی
او دایری په شکل واپول شول چی

(دو) یا، سا، نه بلکی «لا، یا (ده) د
عفه وخت دحر کت یا؛ یسل تکی و
له همدي کبله د عفه وخت تو زی به
لاندی دول بیل او پای ته رسیدل؛ لا،

و بشودل شی، هغه بی دیوه رسیده
دغه تکی دزیاتی با ملر نی ون دی
(مستقیم) خط بی مع و کبیل جی د



خکه جی نوت لیکنے دالفبی دتوزویه، فا، کلی بی هم به سر کی لیکل کیده
وسیله، چی بخه ناخه دلر غونسی او بی دی دول بی نو تو نه جی د خط
یونان ددوری بخخه ریشه لری، تر- په سر لیکل کیدل، و بیزندل شول.
دزیر او بدم بیزند لوله باره به دهفوی
او سه هم دود لری. انکلیسی او
زدیوا لی اولری والی بی نظر کسی
او تر او سه هم دود (دو) نوت تسه نیول کیده. اوالته دغه طر یقه دیره
(سی) او ده ری، نوت تهدی، وا بی د دقيقه نهوده. سره لدی بی تر دیره
الفعی بی نوت لیکنے کی (دیز) او
«بیمول» بی تورو نو وونسو یاد وی:
وسیله بی بی هو سیقی نیت او لیکله.
دیره موده وروسته بدی فکر کسی
شول چی ده فا، بخط یو بل خط ورزیات
کپری چی ده دو، خانکری نوت او کلی
وی، لو مری خط بی سره رنک

dalvabi نوت لیکنے بیو ایتا لیا بی
کشیش چی کی دار تسو نو هیده بیه
دی دول سمه کره:

شها دت تاریخ حکمرانان جوا مع ساختن مردم و رهمنما نی مردم و طبقاً تی هرگز به آسانی به حق تن نما یا ندن دوست و دشمن بمردم، نمی دهنده و فانون و غیره اعمال راه خود را به پیش می گشود و آنها صرف الفاظ بروی کاغذ است علی الرغم هم دسایس و توطنه که مصدا قخوب این ادعاهاد نه سوم عقرب سال ۱۳۴۴ میباشد قانون اساسی مد و نه آن زمان امیر یا لیزم وارتاجاع، بی هراس و سر بلند درین راه به پیش می دارای موادی بود که بمردم بعضی حقوق وامتیازات را قابل شده بود و لی در او لین آز ما یش این آبدیده تر و چنگنده تر می شد ادعاهامه عمل نپوشید. بعد از تشكیل او لین ولسی جر گه در سال ۱۳۴۴ حکومت موظف جمهت اخذ یعنی درست هما نو قیمه ارتاجاع سلطنتی و طبقات حاکمه فنودا لی در تحت تائیر مبارزات پیکر و خستگی نابذیر و قهر هانانه مردم اتفاق نستان در ساحه سیاسی و تحصیل استقلال اتفاق نستان گند دار به عقب نشینی های نسبی شت استعمار محمل برینا تیا به نیز نک دیکری دست زد و شاد شدند و هنکذا چون ارتاجاع وقت گرد آبدیده و فادرخویش (نادر به مشوره باداران امیر یا لیستی غدار) را بر خلق افغانستان تعیین خویش دوام حکمرانی خود را در نمود. نادر غدار و اخلاقی بهبهانه خطر می دیدند اینها بشکل یک اکت خواسته بودن جلسه رای اعتماد به حکومت را شدند زیرا می خواستند تا نایندگان را بینند که آیا چه موضوع و موضع قفقی رادر قبل خواسته باشد نه آز ما یش گذاشته شود و طن برستان واقعی به مردم کو شرذم کردند بودند که قانون و سایر تعهدات دولت های ارتاجاعی از جمله دولت ارتاجاعی طا هر- شاهی صرف برای حفظ منافع خود شان است و گر خلق بخواهد از آن به نفع خود استفاده نماید ارتاجاع سلطنتی با همه قوانین آن خواهد شد.

در روز سیم عقرب ب ۱۳۴۴ در روز سیم عقرب ب ۱۳۴۴ روشنفکران وطن برستان از جر گه اطرا ف مقر ولسی جر گه جمهت استماع و مشاهده جریان رای اعتماد هجوم آوردند. چون آنکه این قیمت قوه مقنه را برای اندختند. مردم اتفاق نستان و بخصوص روش برای بیرون که این تلوی روش برای بیرون حیات مردم نه بلکه برای دوام دار ساختن سلطنت قرون وسطاً نی دوام حکمرانی از تجاوز و طرز ارتاجاعی و دوام نفوذ نسوان سر سپرده شان در شورا تایر حضور مردم و موجودیت روشنفکران از وطن پرست بیان یند و از این سبب هیجا نی نشوند، از علنی بودن این جریان با زور استعمال قوه ممانعت بعمل آوردند و با این عمل خود یکبار دیگر در عمل آن بسته ختند که ارتاجاع و طبقات حاکمه از تجاوز و حرفي که می زند و فدار و بایند نیستند. مراجعین و علاوه متنان که در اطرا ف شورا جمع شده

ساختن هر دن و رهمنما نی مردم و طبقاً تی هرگز به آسانی به حق تن بیشترین شاهد شها دت و وطن ای این اینست که مردم اتفاق نستان او لین کسانی بودند که بوز استعما ربر یانا تیارا به خاک ما لیدند و آنها را با روی سیاه از کشور خویش را ندانند آزادی خویش را بندست آوردند ولی همیشه استعما را جیل و نیر- نک های گونا گون در قبال مردم ما استفاده نموده اند زیرا آنها هر گز نمی توانستند خود شان بشکل مستقیم بر کشورها تسلط یا بند چنانچه بعد از اندکی مدت که از تحصیل استقلال اتفاق نستان گند شت استعمار محمل برینا تیا به نیز نک دیکری دست زد و شاد شدند و هنکذا چون ارتاجاع وقت گرد آبدیده و فادرخویش (نادر به مشوره باداران امیر یا لیستی غدار) را بر خلق افغانستان تعیین خویش دوام حکمرانی خود را در نمود. نادر غدار و اخلاقی بهبهانه خطر می دیدند اینها بشکل یک اکت

باقیه صفحه ۹

۳ عقرب جرقه که...

دبلو ما تیک تر کیب دولت و طرز اداره خود را ظاهراً تغییر دادند به این معنی که مجلس لویه جر گه را احضار و قانون اساسی جدیدی؟! تدوین و مطابق آن انتخابات قوه مقنه را برای اندختند. مردم اتفاق نستان و بخصوص روش برای بیرون که این تلوی روش برای بیرون حیات مردم نه بلکه برای دوام دار ساختن سلطنت قرون وسطاً نی دوام حکمرانی از تجاوز و طرز ارتاجاعی و دوام نفوذ نسوان سر سپرده شان در شورا تایر حضور مردم و موجودیت روشنفکران از وطن پرست بیان یند و از این سبب هیجا نی نشوند، از علنی بودن این جریان با زور استعمال قوه ممانعت بعمل آوردند و با این عمل خود یکبار دیگر در عمل آن بسته ختند که ارتاجاع و طبقات حاکمه از تجاوز و حرفي که می زند و فدار و بایند نیستند. مراجعین و علاوه متنان که در اطرا ف شورا جمع شده افتکنده گی و شیر مساری بیشما راز کشور خویش را نده اند. آیا بهترین شاهد شها دت و وطن ای این نیست که مردم اتفاق نستان او لین کسانی بودند که بوز استعما ربر یانا تیارا به خاک ما لیدند و آنها را با روی سیاه از کشور خویش را ندانند آزادی خویش را بندست آوردند ولی همیشه استعما را جیل و نیر- نک های گونا گون در قبال مردم ما استفاده نموده اند زیرا آنها هر گز نمی توانستند خود شان بشکل مستقیم بر کشورها تسلط یا بند چنانچه بعد از اندکی مدت که از تحصیل استقلال اتفاق نستان گند شت استعمار محمل برینا تیا به نیز نک دیکری دست زد و شاد شدند و هنکذا چون ارتاجاع وقت گرد آبدیده و فادرخویش (نادر به مشوره باداران امیر یا لیستی غدار) را بر خلق افغانستان تعیین خویش دوام حکمرانی خود را در نمود. نادر غدار و اخلاقی بهبهانه خطر می دیدند اینها بشکل یک اکت

امین سفرا ک این جا سو س و دشمن
جوانان وطن پر سرت یعنی مر حله
نوین انقلاب ثور مردم افغانستان
به اراده و حکم خود سر نوشته خود
را می سازند و به همه سر سپرد -
گان راه نجات مردم و میهن
درود می فرستند . آری می رزه
همیشه قربانی می طلبید و بدون
قربانی واژ خود گذری بموقیت
هم ممکن نیست ، با ذکر این موضوع
که سوم عقرب ۱۳۴۴ در تاریخ
نوین میهن ما روز پر افتخار است ،
به شهدای سوم عقرب و همه شهدای
پیروزی رسیدن انقلاب طفر مندوثر
و بخصوص ص بعد ازمحروم قلع و قمع
فرستیم

٣ ساخته

پیام بیو کار مل ...

بخصوص درین ایام فرخنده عید تحمیل نماید.

آنچه ما یه تا سف فراوان ما
میگردد ، جنگ برادر کشانه
است که بین دو کشور مسلمان
همسا یه یعنی ایران و عراق براه
افتاده است .

ما عقیده را سخ داریم که این
جنگ نه به نفع توده های مردم
ایران و نه به نفع مردم عراق میباشد .
این جنگ جنگیست که زمینه
های آن ذر یعه امپر یا لیزم امریکا
میباشد و درین جنگ خانما نسوز
امپریالیزم امریکا دامن میزند .

این جنگ باید هر چه زود تر
پایان یابد درین جنگ خانما نسوز
برادران مسلمان یکدیگر را به
قتل میرسانند ولی صبیو نیزم ،
امپریالیزم و عظمت طلبان چینی
بخاطر آن شادی می کنند .

مردم افغانستان با تکرا نسی
نا ظرداده این جنگ انلو خواهان
حل مسا لمت آمیز بحرا ن کنو نی
بین ایران و عراق میباشد .

امپریالیزم در تلاش است که
منطقه خلیج را به یک لانه خطر ناک
جنگ و آتش افزایی مبدل سازد
تا بدین و سیله سیاهات آزمدنه

بود نه، تو سط پو لیس و سا یز
عما ل دو لت متفرق ساخته شدند
ارتجاع فکر می کرد که می شود با
اعمال زور و جبر از اوج گیری
نهضت مردم جلو گیری نمایند
ولی این غول بیخبر از حقا یق
زمان ما با ید می داشت که وطن
پرستان واقعی برای طرد و محبو
آن قبل اگر دان پیش آهنگ و نجات
بخش خویش یعنی حزب دموکرا-
تیک خلق افغانستان را تشکیل
داده بودند و این ید یده چون
ستاره رهنمای مردم بطریف
بهر وزی و بهزیستی به نورافشانی
آغا ز کرد ه بود.^{۱۱} این اگر دان
پیش آهنگ که بتاریخ ۱۱ جدی

پیش آهنگ که بتا ریخ ۱۱ جدی ۱۳۵۳ بمنا به مغز متفکر و رعنای مردم اعمال انقلابی وطن پرستانه آنها را تنظیم می نمود و هر اقدام انقلابی مردم را در مسیر نهضت عمومی و مبا رزه طبقاً تی علیه ستمکران و استثمار گران سوق می دادند . روی همین ملحوظه محدود و مختصری که برای یک خواست محدود بعیان آمد و بود به یک جنبش عمومی و سرا سری مردم بر علیه ارجاع تبدیل شد و از یک خواست محدود (علتی بود ن جلسات رای اعتماد به حکومت موظف آنوقت) به جنبش عظیم ضد سلطنتی و ضد فتوvalی تبدیل شد . در راس این همه فعالیت های متوجه و انقلابی حزب دموکرا تیک خلق افغانستان و فعالیت آن قرار داشت . به این ترتیب جنبش شکل سرا سری بخود گرفت و ارجاع سلطنتی برای جلوگیری از آن به تلاش افتاد . در وهله اول عکس العمل رژیم با اندختن بی های اشک آور و نما یش تانک ها خلاصه می شد یعنی در نیمة اول روز ارجاع به ما نوردست زد تا بتواند به این شکل و طن پرستان را متشتت سازد و لی روز هند گان راه نجات مردم مصمم شده بودند که هرچه بیشتر ما هیبت واقعی ارجاع سلطنتی و طبقات حاکمه ارجاع علی را برای مردم هو یدا سازد . روی همین ملحوظه از عمل باز نه ایستادند و به پیش رفتند . درین یک نکته مهم را نباید از یاد برد و آن اینکه دولت ارجاع علی درین میان صفوی روز هند گان اجتنب های خود را موظف ساخته بود تا در بیلوی اخلاق معقول گلو له های مذاب و زهر-

در رستوران

روسانی یکی از قبایل آدمخواران با هواپیمای مسافرت می‌گرد و قت غذاخوردن لست
غذا را بیش او آوردن او غذا ها را ملاحظه کرد و به هماندار طیاره گفت غذا را کاملاً
پسندیدم اگر ممکن باشد لیست اسماسی مسافرین را بیاورید وقتی لست غذا را بیش
مشتری گذاشتند او آنها را مرور کرد با تعجب پرسید مگر چلو گبات در بشقاب
سفید چه فرقی با بشقاب سیاه دارد که ثبت آن گرانتر است.
پیشخدمت گفت برادر چنان آخر ماجبور نم طرف های سفید را بشویم.
ارسالی شمس الدین «آرین» از هرات



با ز هم سکا تله دی

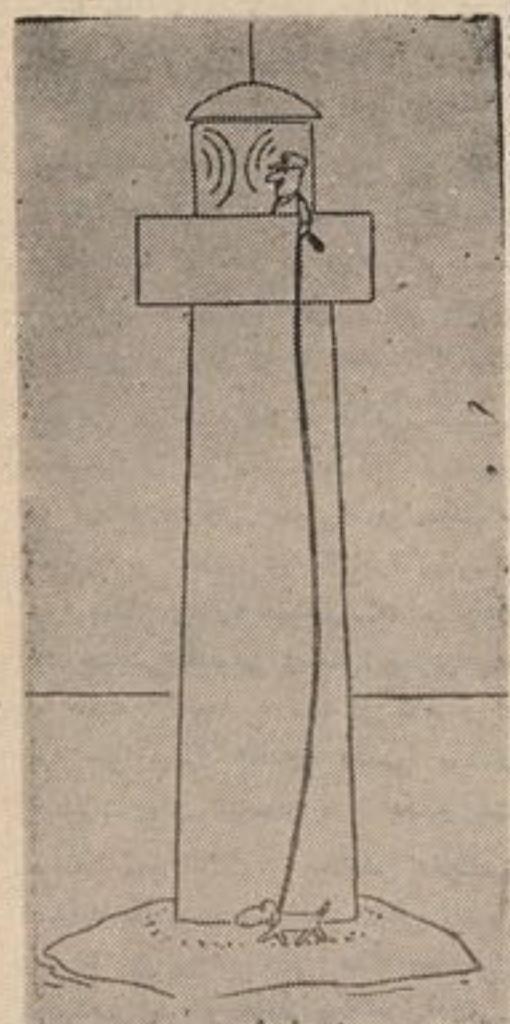
خبر نگاری به ملاقات مرد صد ساله سکا تله دی رفته بود بعد از حال و احوال
پرسی گفت: واقعه سلامت و استقامت بدن شما قابل تقدیر است.

خوب دوست عزیز روز طول عمر شما در چیست؟

اسکاتلندي گفت: برادر جان در گرانی؟ خبر نگار با تعجب پرسید: واضح بگویید
گرانی من نمیدانم سکا تله دی سری تکان داد و گفت:

آخر در این روز ها مغارج تکلیف و تهدیفین بقدری گران شده که چاره ای جز زنده ماندن
خوب شما چرا آن زن بیماره را به
قتل رساندید؟

قاتل گفت: قاضی صاحب من سوگند
یاد می کنم که کدام منظوری دیگر نداشتم
صرف از طرف عقب معلوم می شد که سرش
مثل خشونی است و بس!



بند قنداق بجای

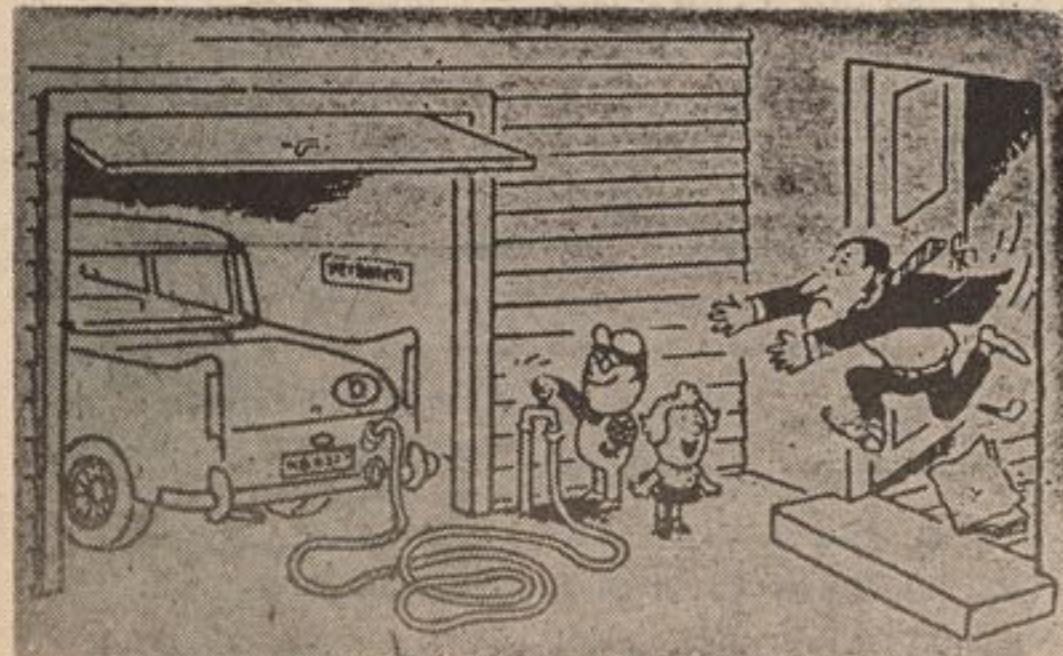
کمه بند

مردبه زن: عزیزم آن نکنی را که تازه خردم
کجاست.

زن باعشوه گفت بستهش به قنداق بده.

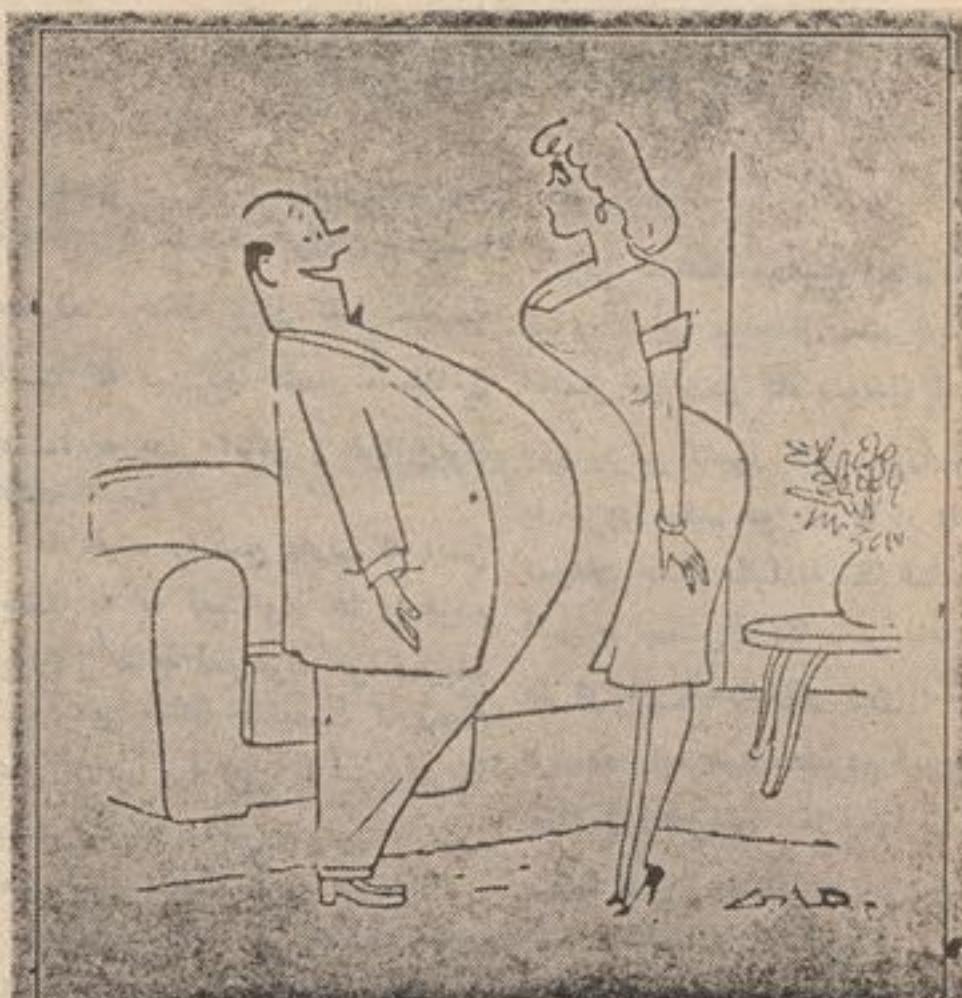
مرد عصبانی و حیرت زده یعنی چه؟

هر کسی نکاین شوهر خودرا به قنداق بجه
بسته می گند خوب حالا که بجه هم خواب است
گهرت زیرا و نکش هم برلباست بیشتر میماند.



پدر جان: می خواهم که در موثر بنزین بازی کنیم!

دوندون

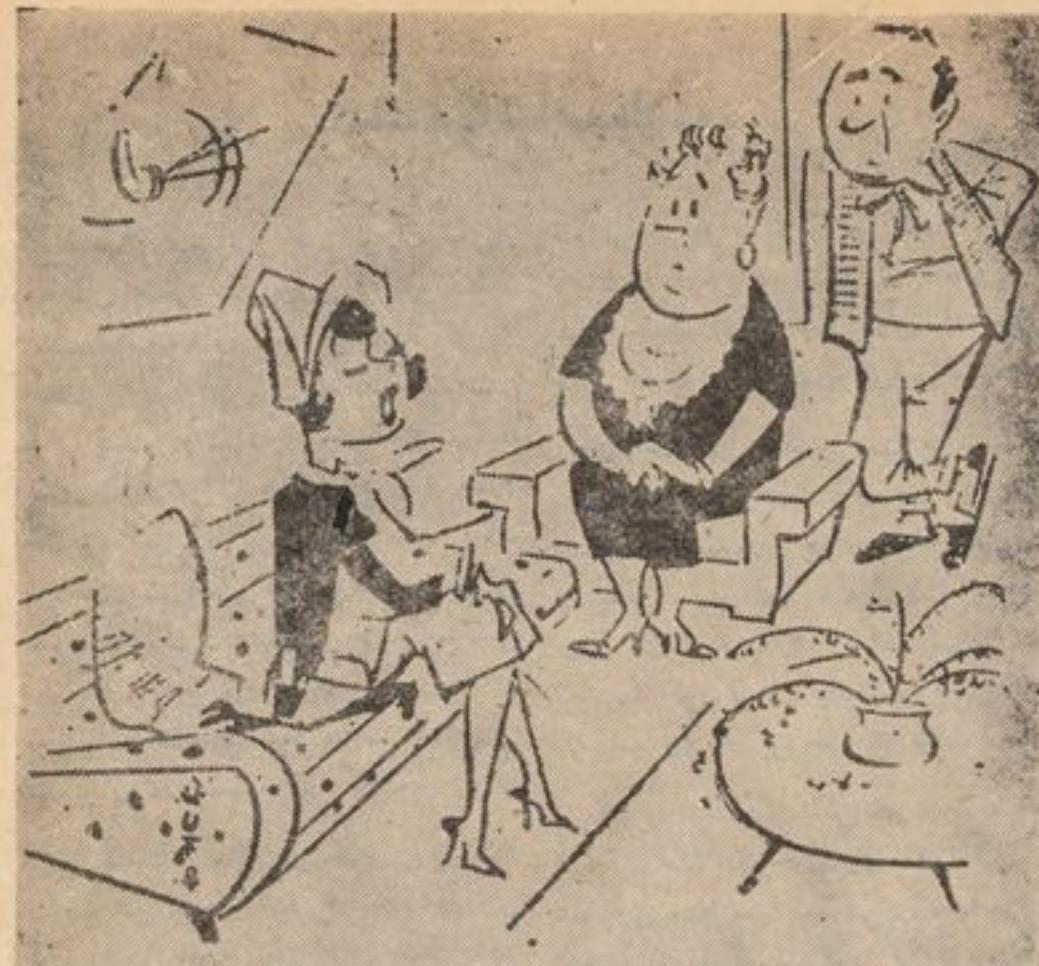


زن به شوهر! عزیزم هر روز تو چاقتر من شوی و من در وقت صحبت با تو مجبور
هم خود را تکلیف بدhem.

تعریف قابل در مقابل نقاش آن

یکی از نقاشان جوان تابلو هایش را در یک نمایشگاه به معرفت تهاش گذاشت
بود یکی از دوستا نش را دید که مشغول نمایشی تابلو ها بود محکم با او دست داد
و گفت:

رفته بودی تابلو ها را تها شا میکردی بلی و باید اعتراف کنم که فقط تابلو های
شما را دیدم ... هر چیزی هم دیدم بسیار مشکرم، نی تسلیم لازم نمایند چون بیش
تابلو های شما رسیلم اینها بقدوری بیچینه بودند که اصلاً نمی شد از آن چیزی
فهمید.



بدون شرح

چیز یکه عوض دارد گله ندارد

خواننده معروفی درخانه یکی از دوستانش مهمان بود .
آخر عای شب بعداز صرف نان صاحبخانه از مهمان غرمند خود خواهش کرد یک دهن
آواز بخواند خواننده گفت . واله من حرفی ندارم . ولی اخرب ممکن است سروصدای
من همسایه تانرا ناراحت کند .
صاحبخانه گفت . هیچ فرقی ندارد چیز یکه عوض دارد گله نداره هر شب سر صدای آنها
اونا نمیکناره ما بخوابیم . امشب هم نوبت ندارست .



بدون شرح

خانم دلسوز

سرک تیر هر شد . خانمی که متوجه خطر شده
بود به سرک نزدیک شدو با همراهانی بدو -
گفت . پسر جان احتیاط کن : خواهر کوچک
پسر هفت ساله دست دختر دو ساله ای را به گشتن میدهی . پسرک گفت پروا نداره
راگرفته بود و با سرعت و بی احتیاط از وسط خانم دونای گله درخانه دارم .
مادر - احمد تو بیکار بودی که تیلفون را در اینجا نصب گردی .

عوض پول کتاب هارا برایم روان کرد

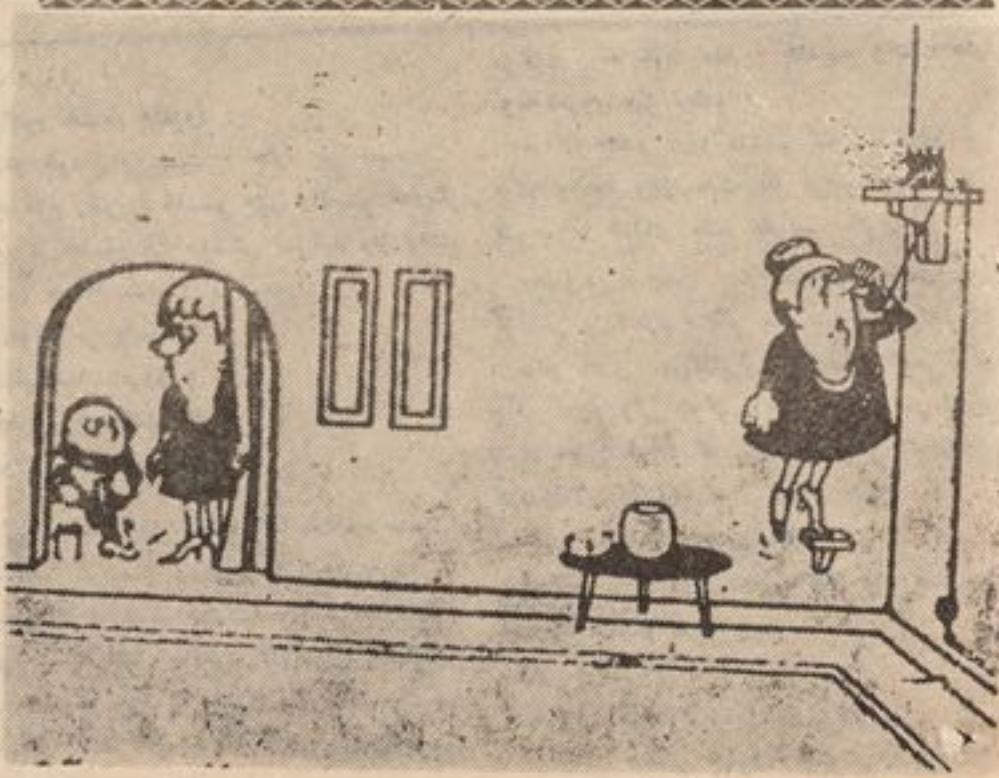
برویز جان ! جرا امروز او قاتل تلغی است ؟
به پدرم گفته بودم که برایم بول بدهد که کتاب بخرم : اما نداد .
- این خو کلام اوقات تلغی نماده .
- جرا ، عوض بول همان کتاب ها را فرستاده است .



بدون شرح

داکتور همسایه قانست

میرفشن در یک همانی دوست و همکارش میرهن زینه زادید واژ او برسید بسیار درست است
که آنرا نمی خوانی چراچه شده میرهن زینه با ناسف گفت، بدستور داکتر دیگر آواز
نمیغوانم . عجب مگر داکتر همسایه تان است .



مطبوعات و...

بناغلی لیو نید کور نو ف ضمن ازانه معلو-
لیو نید کور نو ف ضمن ازانه معلو-
جمهور بیت سو سیا ایستی او کراین
مات مر تبه اش در قسمت تویسندگان
شاعران، نقاشان و هنر پیشگان
جوان که بر نده جوا یزی نیز میشوند،
جای دیگر چنین مینو یسد: دریافت
جا یزه نه تنها بعلام شنا سایی
زحمات آنان بلکه گواه بر از زشی
است که جا معه برای آثار آنها
قابل میباشد، بهمین جهت چندسال
پیش سازمان جوا نان «کمسیول»
که به استادان ادبیات و هنر که آثار
جایزه مقرر نمود که هر ساله بتاریخ
۳۹ آکتوبر یعنی روز سالگرد تاسیس
این توده ای ترین سازمان جوانان
به افراد اعطای میباشد در میان برندگان
این جا یزه میتوان نمایندگان بسیاری
از اعضاخانواده کثیر لعده ملل
اتحاد شوروی را مشاهده نمود. سما-
ست. مثلا در جمهوری فدرالیست
شوری سو سیا لیستی رویه جوا-
یزی بنام ما کیم گور کی تویسند
معروف در رشته ادبیات، جا یزه
ایلیار پین نقاش بر جسته، در رشته
سیکمیان فر هنرک ملی مو سوم شده
است. مثلا در جمهوری فدرالیست
شوری سو سیا لیستی رویه جوا-
یزی بنام ما کیم گور کی تویسند
معروف در رشته ادبیات، جا یزه
ایلیار پین نقاش بر جسته، در رشته
ارتباط جمعی نیز موظف هستند چنین
امکانی را در اختیار آنان قرار دهن.
 فقط پس ازین بخت و مذاکرات که چند
ماه بطول میباشد، کمینه مخصوصی
که برای اعطاء جوا یز تشکیل شده و
شخصیتی بر جسته علم و هنر و
فرهنگ و نما یند گان سازمان تهای
اجتماعی عضویت آفراد دارند، تصمیم
نهایی را اتخاذ میکنند. تاریخچه جوا یز
دولتی اتحاد شوروی در رشته ادبیات
وهنر که از لحاظ اهمیت خود بدرجه
دوم قرار دارد، به بیش از سی
سال میرسد. جوا یز دو لتی هر
سال بتأثیر ششم نو میر یعنی
در آستانه سالگرد انقلاب اکتوبر
اعطا میگردد. جا یزه لینن و جوا یز

لینن واقع در شهر کیف با یتحمیت
جمهور بیت سو سیا ایستی او کراین
دارای جایزه اد بی (من رعه طلبی)
میباشد. این جایزه در قبال آثاری
اعطا میشود که به زندگی و اهالی
روستا های معاصر اختصار صیافت
باشد. جایزه مذکور بنا بر تصمیم
جمعیت عمومی کشاورزان کالخوز
اعطا میگردد. بیش از نیم قرن
بیش یو گئی و اخته نگوف کار-
گردان و هنر پیشه مشهور شو روی
گفته بود: هنر من در بسرا بر
مردم مسؤول است.

علاوه تاریخی سلسله جوا یز یکه
درباره آن تذکرایی داده شد. مطبو-
عات شوروی صرف مساعی دارد
تادر خارج از آنکشور نیز به توجه
و تجویز یکتعداد جوا یز مشترک
کشورهای ذیعلاقه بصورت همکاری
فرهنگی و مطبوعاتی هتفا بلسه
اقداماتی بکند تا به اساس سیاست
جهانی شوروی زیست باهمی، روا-
داریها و حسن تفاهم معنوی هم از
جهات مختلف آن تعیین و تحکیم یابد
بدین ترتیب سهیم مطبر عات
اتحاد شو روی به از تباطع علاوه
انتر ناسیو نا لیستی و قدر دا نی
از آثار دانشمندان و فرهنگی کشور
های مختلف، طور روزافزون گسترش
میباشد و در اجرای چنین روشن علم بر-
ورانه دنیای انسانی، بد و شک
در راه شناخت و معرفت علماء
متغیران متبع و آثار بکر و پرما یه
شان نقش اساسی دارد در توسعه
فضای بیکران علم و کمال دنیای
متر قی بطور موثر محدود واقع
مخصوصی هستند. مثلا کالخوز
مخصوصی هستند.

من گرد . به خود آمدم . خنده دیدم و کتاب هارا
دوباره روی نیز نهادم .
آه که چقدر آرزو داشتم کنار بستر زانو
بزم و آنچه را از مدت ها می خواستم ابراز
کنم ، با صدای بلند بگویم . بگویم :
«عشق من ! بین ... نهیدانم . جرات باور
گردنش را ندارم . اگر یک بار هم می گفت که
دستم داری ، من گفتی برای شادمانی توهم توام
جایی دارم ولی هرگز . اگر امروز من هانم ،
چنین معنی می داد که تصمیمی جدی گرفتارم و
گب زدن در این مورد از سوال خارج است .
توبیماری و نباید اذیت شوی .
دستش را که روی بستر افتاد بود فشردم:
سامید صحت تائز دارم .
واو جواب داد :
سخنی خوشی برایت آرزو نهادم .
واین صدای چخوی درگوشم طینانداز
ماند :

یک روز هم به خاطر من بمان .
بایان

و گپ می زند .
دکتور خنده و افزود :
زندگی من را و هردو به جهت تبدیل میشد .
او خود رای است . چاره بی نیست!
واینهم برای چه ؟ برای سه دقیقه اضافی دیدار
به غم رفتن برخاستم چون دانستم که دیگر
دکتور از حضور من خوش نمی آید و از رفتن
خشود خواهد شد . پرسید :
- اهرور هی روید ؟
- بلی شام امروز .
چخوی به تندی گفت :
سواگر پیش از شام
ولی سخن را ناتمام گذاشت و خاموش
به دکتور تکریست و دکتور تکرار گردید .
شما باید استراحت کنید . استراحت کنید .
من بایست خدا حافظی کنم ولی افکارم به
حدی مشوش بود که نمی دانستم چه می گردم
کتاب ها و کاغذ های پراکنده روی بستراجمع
گردم .

تصادف از دیگر رایر گردانم . آتون پاولویچ
لبغندی می زد و گلها را با هردو دست نوازش

دادم و از این گزینه خانواده مانع ماند و
زندگی من را و هردو به جهت تبدیل میشد .
او خود رای است . چاره بی نیست!
واینهم برای چه ؟ برای سه دقیقه اضافی دیدار
با آتون پاولویچ . همه این اندیشه ها ذهن
را مشوش ساخته بود .
گویا او همه آنچه رادر ذهنی گذشته بود درک
کرد . همه چیز را فهمید . حسادت میشارا و ترس
مرا .
تکرار گرد :
- به خاطر من .
به آرامی گفت :
- آتون پاولویچ نمی توانم .

من در ذهن خود آنچه را که ممکن بود اتفاق
یافتد مجسم میگردم . من توانستم تیلکرامی
به میشان بر سرمه متعطل شده ام . آنوقت شاید
میشا اشبع عالم مسکو میشدیا نمیشد متغیر
نمی ماند . آن وقت منتظر چه نوع یزیرایی
می توانستم یا نام گیرم این هم فرقی نمیگرد .
آنوقت من با یست میگفتیم آتون پاولویچ را دوست

درود پرشور

کلیه نیرو های ملی و دمو کرا تیک جنبش خونین سوم عقر ب ((در تاریخ مبارزا ت آزادی خواها نه ترقیخواه وطنپرست کشور آموخت که :
ما فروع تابناک و خاطره جاویدا ناز دلیری و قیرمانی کار گران ، جوانان مخصوصان کشور و نمونه نیی از قیامت ازیوغ اسارت برده بگو و به منظور تامین پیشرفت اجتماعی ، ارتقای و وحشت استبداد و توطئه جنا حدست راستی هیا ت حاکمه ارتقا عی افغانستان بود .))
درود پرشور بروان پا ک همه قربانیان راه آزادی که خون بھای وطن واحد و محظوظ ما ن میباشد ، ((اتحاد عمل یک ضرورت تاریخی و قانونی دوران ماست)).
خلاصه اینکه :
افغانستان میباشد .

علیه سیاست خشن و ارتجاعی هیئت حاکمه فیودالی ، مظاهرة مسا لمت آمیزی را براه انداختند . دشمنان تاریخی و سوگند خورده استقلال و منافع مردم افغانستان نهضت ضد استدادی و ضد ارتقا عی سوم عقرب را که مظہر روشن مقاو مت و دلیری نیرو های ترقیخواه و وطن پرست مردم مابود . سر انجام با تقیین و توطئه توأم باو حشت و درنده خوبی به واقعه خونین والمنا که مبدل گردانیدند .

واقعه خونین سوم عقرب به متابه جنبش عمومی متعلق به کلیه رحمتکشان کشور ، الهام بخش ظفر مندی نیروهای اصیل و میهن پرست در مبارزة مقدس و نبرد عادلانه علیه بیداد و ستمگری ، استبداد و ارتجاع و صدیق ترین فرزندان توده های و پر پرسد روابط و پیوند های پوسیده فتوالی و وحشی گری های امپرالیسم بوده که صدیق ترین مبارزا ن ، عزیز ترین چیز یعنی زندگی و حیات خویش را ، در راه استقرار و تامین استقلال ملی ، دمو کراسی و ترقی اجتماعی ، و طرد استبداد قرن زده پاسداران دنیای کهن با غروری بیان و ازاده آهنهای قربان نمودند .
حداده المنا ک و سر سپرد گی قهرمانان و شهیدان با شرف در روز سوم عقرب به کلیه رز مندگان پرتوان کشور که به خاطر پیروزی قطعی رحمتکشان بر سیستم پراز ذهن و حاکمیت بر بر منشائی قرون وسطایی سیا هروا ن را به تبلزه مبتلا گردانید ، حکومت وقت را سقوط و شوری را تکان داد .

((جنبش سوم عقرب در تاریخ مبارزا ت ملی ما منادی و طلایه بشمار میرفت معبدا نازیها دست بکار های بیشتر میباشد که سر نکو نی بساط ظلم و ستمگری استبداد و ارتجاع ، استعمار و مشخص میطلبید ، به ابتکار و تدبیر نیاز مندی دارد ، شکست و عقب نشینی در آن نهفته است . ترمهش راه نبرد عادلانه و سنتیز انقلابی راهی است دشوار ، خم و پیچ مدو جذر دارد ، حوصله مندی و تحلیل استبداد و ارتجاع ، استعمار و مشخص میطلبید ، به ابتکار و تدبیر نیاز مندی دارد ، شکست و عقب نشینی در آن نهفته است . ترمهش ترس و نایابری نوید داده و آینده بر شکوه و جلال نظام نوین و مترقب ورشید شکوفان اقتصاد و فرهنگ ایجاد دوستی و اتحاد خلقها ی کشور و سرانجام صلح ، کار ، آزادی ، بر ابری برادری و خوشبختی را بشارت می دهد .))
جنبش پیشناز سوم عقرب برای یعنی حلقه خارجی ، حلقه داخلی و حلقه خود

عملیات بو لین

دریکی از استادجتکی مورخ سهابریل ، شور . نیروهای عمدی دشمن و تعییزات عظیم رعبان نازی اطبارداسته اندکه تسلط بر جبهه آنها مخصوصاًز جبهه کوسترن دکاتس دفاع میکردند . در ناحیه کوسترن که در طی حمله زمستانی بدست نیروهای سوری افتاده بود ، زدیکش سعی فراوان بخراج دادند تا یک معاهده جداگانه صلح را با ایالات متحده بریتانیا منعقد سازند .

رهبری اتحاد شوروی رویناد هارا بادقت پرسی و تعییز مینهود ، چنانکه تبعید آداماتیک در شاهزاده هاروی شوروی صورت گرفت .
کلیه تلاشیای نهایندگان کشور های غربی جهت انجام مذاکرات محرومانه جداگانه با نازیها خشی گردید .

جانکه در ائتلاف میان اعضا نهشت ضد فاشیزم پیشینی شده بود ، بر لین باستی به سرعت فتح میشتنا آلمان نازی بطور کامل و بدون قید و شرط و اداره تسليم میکردید .
محاربه برلین از نظر شدت و وسعت عملیات نظامی در حد قابل توجهی حائز اهمیت بود ،
نیرو های نظامی شوروی شامل (۲۵۰۰۰۰) نیرو های نظامی شوروی شامل (۳۰۰۰۰) اسر و سر باز ، تقریباً چهل و دو هزار توب و هزار پیش از ۶۲۰۰ تانک و توب خود کار و ۷۵۰۰ طیاره جنگی بود .

قوه اندانی عالی قوای اتحاد شوروی به نیروهای ایکانه این یگانه شانس بقای آلمان نازی ایکشور دستور داد تا حلقه محاصره نیروهای زیادی را بر مردم تحمیل نمود و کشور را بسوی تباہی و ویوانی کشانید . نازیها به عمل خویش دشمن را در هم شکسته ، برلین را فتح نهایی کردند .
و خود را به نیروهای متحده در «الب» برساند .
ایاورزد ویا عقب نشینی کند . آتش نمایند .
لشکر های اول و دوم جبهه بیلو روی و لشکر اول جبهه اوکراین در تحت رهبری هار شالاج - ڈوکوف ، ک . روکوسو -

استحکامات بزرگ و نیرومندی در اطراف شیر تبیه نموده بودند . این اقدامات عمدتاً مشتمل بردو خط میم بود : بخش اوردنایز شامل سه هنله دفاعی به شعاع پیست تا چهل داشتند . لشکر های شماره یک و شماره دوم کیلو متر وساحه دفاعی برلین باشد هنله دفاعی بولنده نیز در جبهه فعالیت میکردند . ناتمام

زندگی و سرفوشهت یک ۰۰

سراسر جهان بجانب داری از ها ایستاده اند
و از جنگ عادلانه ی ها پشتیبانی می کنند
این بدان معنی است که خون غسان به
دریای عظیم خونیکه در ظرف پنجاه سال از
خلق ما چاری شده افسا نه گردیده است
و بیان است که ها بخاطر آزادی ، عدالت
و صلح می پردازیم .

بالاتر از همه داعیه ایکه غسان بخاطر از
مبارزه میگرد در اختیار تو است .

آن ، ها بشما مت تو نیاز داریم ، تهمت
تو درین لحظه حساس بمن و به تمام رفاقت
و مبارزین جبهه مردم برای آزادی فلسطین
اهمیت شایان دارد .

چیزیکه هرا بسیار آزار می دهد اینست

آن ، اینرا بخوبی میدانم که ثبت غسان
بنو درد ناک است اما بیاد داشته باش که
دیگر داری آنها اعضا (جبهه مردم برای
تو غایز ، لیلی و هزاران برادر و خواهر
آزادی فلسطین بیں اف ، ال ، بیں) هستند
بیشم و با او صحبت کنم .

بک بار دیگر تکرار می کنم : بشما مت
تو و به درک تو که تبا نیست نیاز داریم ،
برای اولین فرستیکه هیلدا و من ،
خواهر و برادر صمیمی شما ، بتوانیم ترا
بیشم در انتظار هستیم .

ج . جوش

پیشنهاد صفحه ۱۳

آیام و جو دیت ملل متحد ۰۰

عملیات حفظ صلح ملل متحد
هنگام موثر واقع میشود ، که
جوا نب ذیدخل همکاری نما یند
معمو لا این همکاری وجود داشته .
است زیرا جوا نب ذیدخل با قبول
دخالت ملل متحد در واقع متعهد
همکاری نیز میشوند . اگر این
همکاری باز هم صورت نگیرد از
برخورد جلو گیری شده نمی تواند
حوال دست جنوب لبان شاهد
این مدعای است .

اکثر عملیات ملل متحد پس از
اجرا ی ماموریت آن خاتمه می
یا بد فعل علاوه از دو هیئت مشا
هدین ، سه ماموریت حفظ صالح

در قبرس ، از تفاوت جولان ،
و جنوب لبان در جریان است .
وضع در قبرس وار تفاوت
جو لان پس از یکسلسله بر خورد
ها آرام است و دلیل عدمه آن حضور
قوای حفظ صلح ملل متحد درین
تفاوت میباشد . در جنوب لبان
تشنج وجود داشته و بر خوردهای
مسلحانه کرا را بو قوع
میبینند دو لی قوای ملل متحد از
شعنه ور گردیدن تصادمات
وسعی که احتمالاً بسرعت از کنترول
خارج خواهد شد ، جلو گیری
نموده است .

البته که ایمیار معنی دارد اما ممکن از
هده ایست که بدانم چرا ، در مبارزه انقلابی
قدا کاری بیان گز نمیم عالی زندگی و
مبارزه است تا حیات را ارزش انسانی دهیم .
عشق به زندگی برای یک شخص ، عشق به
زندگی توده های مردم و مبارزه برای نجات
آنها از مصیبیت دوامدار ، رنج و سختی روز-

گار است . این نوع درک از زندگی است که او
ارزش اجتماعی بیندا می کند و قادر است
جنگاوران انقلابی را فاتح سازد که در بدله
جان خود زندگی مردم خویش را بست آزند
ایست بیان عالی زندگی .

ما گاهگاهی بر سر قبر غسان می روییم
آنها اورا درسایه درخان دفن گرده بودند .
غسان کتفانی شوید همه چیز خود را وقف
مردم گرده بود .

عر کاه مردم آرزو های او را فراموش
کنند ، هر کاه آنها داعیه او را دنبال نکنند
عر کاه آنها تصایم او را ترک گویند ،
آنکاه باید بر او هاتم گرفت .

تو شوهر خود را و اطفال ات پدر خویش
را ازدست داده اند ، برای تسکین شما
باید یاد آور سوم که شو هر تو و پدر آنها
بیهوده نزیست و هرگز او هم بی معنی
نیود ، زندگی و مرگ او میلیون ها نفر را
افتخار بخشید .

اراد تمند شما .
عمامادش شدیده .
ناهه بی ازداکتر جورج جبس بی انى .
انی عزیز ،

متاسف هستم از اینکه ، انگلیس لسان
مادری من نیست ، نمیتوانم همه احساسات
خود و تمام آنچه را که میخواهم درین لحظه
حسان و مشکل بگویم و بدرستی اداکنم .

حسان از نظر شخصی و بجهه ما بطور
کلی بسیار عزیز ، بسیار گران ببا و بسیار
ضروری بود . باید اختراف کنم که خر به
درد ناکی بنا ژند .

انی ، اکنون همه ما و مخصوصاً شما به
سوال ذیل مواجه هستیم : بخاطر یک انسان
یک ورقه اشک هم تریخت چه او
میدانست که ریختاندن اشک چیز وقت نا

حق را حق نمیسازد و یا حق را بدمست نه
من آوردم . غصه فقط تقدیس این فسایعه و
هاتم اعلان عمومی شکست بود و وقتیکه او

به مردم خویش و به گشوارش تعبد میداد
چشمانتش عاری از نم بودند .

ما شوهر تو را از دست دادیم اما او
اجتناب کنم با شما مت تحمل کنم و بعد
از آن بسیار کار کنم و بپر کار کنم ،
بسیار مبارزه کنم و بپر مبارزه کنم .

خواهر عزیز ، تو خوب میدانی که غسان
بخاطر یک امر عادلانه مبارزه می کرد و
خوب میدانی که خلق فلسطین ما افسا نه تو
از پنجاه سال است که در میر یک جنگ
عادلانه باشد ، اخیراً انقلابیون حقیقی

آتش ده جان...

آرند و نرسن در موقعی که ندادت راسودی نباشد و گردن باید های زندگی مشترک ها از هم پایسیده است مگر اینکه شما را مشوره بیش دیگر باشد که راه عملی داشته باشند.

اداره : هلاز این خانم و آقا دعوت می کنیم تیلفونی باما تماس گیرند تا زمینه ملاقات و نفسست شان را در یک مردم آیی به اشتراک بگذارند و توان رواشناشان و حقوق دانان فراهم آوریم و بیش از پایسیده شدن کانون گرم خانوادگی شان گذر اثر اشتباها غردو طرف به سردی گراییده است راهی پیامیم ساین مشوره مایه آن عاستو با توجه به اینکه هردو هم خوشبختانه از سواد و دانش بهره دارند یقین داریم بیشتر از این در بیراهه زندگی بیش روی نهی کنندو باتمام خودبه این اداره راه دابرای صلح و آشتی باز هی دارند.

البته نام و مشخصات آنها برای همیشه تازه اداره و گروه مشورتی زوندون مطبوعاً خواهد بازد.

شکایتش رادر عمه جامی بیچاند این عا فقط نهونه بود از رویه و شکل بر خوردهای همسرم در زندگی خانوادگی که در نامه خود عنوانی شما. حتی به یک مورد آن هم کوچکترین

باشد در منزل به عمه این مسائل بی توجه اشاره بی تکرده بود و همین عا و ده ها مورد دیگر بود که هر آن خانه و زندگی گریزان ساخت، به بیراهه زندگی ام را کشاندو

وضع من که شهوش هستم مرتب باشد

است و به همین ترتیب اگر در روز های نخست از ازدواج توجه داشت که سر و اکنون بعداز گذشت هدت کم حتی اگر یک حالا دیگر برای چاره بی نهانه است، برای بیرون را چندین روز بپوشم و یا دگمه پایان دادن به عمه این ناسامانی عا که قدرت کار و تلاش و حتی تفکر سالم را از من سلب داشته است روزم و شبم در بیرون خانه میگذرد و اگر باید داوری و فضایی آگاهانه در میان باشد هیچ فردی در این جویان هرما مقصر نمیداند و به چوب ملامتم نمی بندد.

من این چندسال را فقط برای آگاهی و که روز شب آن دانکاره می کند، به زمین چشم باز کردن دیگر خانم های جوان و زمان بد و بیراهه می گوید و صدای شکوه و نگاشتم تا نکنند آنچه که پیشمانی شود، از خانواده ام از خانواده خودش و از...

کرتوی ام کنده باشد و یا بطلونم عفت های اتویا شده آن توجیه ندارد اضافه بر همه اینها از عمه چیز زندگی شکایت دارد - از بخت و طالع اش، از من و رویه ام، از فقر و ناداری اش که ابته با مقایسه با زندگی های از سطح متوسط ببالا ناداری شمرده من شود، از خانواده ام از خانواده خودش و از...

اوکه همیشه می گفت فقر را عیب نمیداندو به زندگی شرافتمدانه اگر فقیرانه هم باشد عشق میورزد و او که روزی ادعا داشت اگر خیمه بی در داشت بر افزایم و ننان و نمک پیشش گذاش هرگز لب به شکایت نخواهد گشود اینکه همسر من است هر روزبار هایا حرکات و نیش ها و ظن های خود این فقر را گذر خود کنم بالاتر از یک زندگی متوسط در شرایط کشور هاست - یعنی زیاد

صفحه ۴۰

هر و هر دم

پیانگر اتحاد بین مبارزه عالوانه مردم عرب فلسطین و موقف عالوانه مبنی بر حمایت از داعیه مردمی ها می باشد که توسعه اتحاد شوروی و سایر ملل صلح دوست جهان انتخاب شده است عرفات تاکید کرده که اقدامات مشعر و مبارزه علیه امیر بالیزم، صیغه نیزم و ارتیاج عربی الهام برای هنر هنرمان ها و همه ملل آزاد براز امید واری های انسانی و تحقق خواهی های مبنی بر نیل یک آینده آزاد و معنوی محسوب می گردد.

منشی عمومی اتحادیه هنرمندان فلسطینی ضمن اشاره به پیده های هنری مردم عرب فلسطین و نقش آن در تعکیم روز افزوون مبارزه علیه صیغه نیزم گفت: بدون شک آثار هنری مردم عرب فلسطین که انعکاسی از خواسته ها و ادامه آن را در غزه افتتاح شدکه با نهایت هموار گردانیده است وی گفت نخستین نمایشگاه آثار هنری فلسطین در اوایل سال های ۱۹۵۰ در غزه افتتاح شدکه با نهایت مشابه تعقیب گردید، ارتیستان و هنرمندان فلسطینی در قبال دش نهضت آزادی خواهی فلسطینی ها جای شان را در میان عساکر احرار گردند و بوس و قلم نقاشی را بعثت

چیزهای را که آن هاض اعصار ایجاد نموده اند کنند این امر هنر هنرمندان فلسطینی سا ناچر چه بیشتر در مبارزه علیه اشغالگران سر فمین آبایی شان سپاه گردند و آثار هنری خوبیش را داد این راه سوق دهند.

باعث احیای مجدد اشکال متعدد هنر سایه و کهن فلسطین گردید که در نتیجه تجاوز اسرائیل و رانده شدن عرب های فلسطین از سر زمین های آبایی شان تقریباً فراموش و ناپدید شده بود.

هنر مردم عرب فلسطین اکنون طور قابل ملاحظه در حال احیاء مجدد است البته هنرمندان با تشدید مبارزات مردم فلسطین برای نیل به حقوق قانونی و مشروع شان، هنر هنرمان فلسطینی، نویسندهان و دانشمندان شان نیز مسامی خستگی ناپدیدی بعمل میاورند تا زاید طرف یک کلتور جدید فلسطینی پیدید آورند از این دیگر به علاقه خود در مردم هنر

عنعنی هر دو این آثار فراتر از محدوده هنر ملی کنند و داعیه فلسطینی دا بهتر به جهانیان معرفی میدارند و تایید

حیاتی این آثار فراتر از محدوده هنر ملی و هنر هنرمان هنرمندان هنرمندان فلسطین واقع می گردد. این آثار در همراهی با این آثار فراتر تفکر دموکراتیک متعلق به عمه ارتیستان

و هنر هنرمان هنرمندان هنرمندان فلسطین و این آثار فراتر از محدوده هنر ملی

عنهای است. یا رهایی بخش هایی می باشد، است. یا سر عرفات رهبر موسسه آزادی فلسطین

است که علیه امیر بالیزم، صیغه نیزم و ارتیاج عربی جمیعت گرفته است کذا این آثار طور متوالی بعیث یوستر های سیاسی بر اذهان

عمل می کند و داعیه فلسطینی دا بهتر به جهانیان معرفی میدارند و تایید

حیاتی این آثار فراتر از محدوده هنر ملی و هنر هنرمان هنرمندان فلسطین و این آثار فراتر از محدوده هنر ملی

و هنر هنرمان هنرمندان فلسطین و این آثار فراتر از محدوده هنر ملی

عنهای است. یا رهایی بخش هایی می باشد، است. یا سر عرفات رهبر موسسه آزادی فلسطین

مجد کلتور مردم عرب فلسطین در سالیان اخیر می باشد که بیشتر شک مسامی گوناگونی که در زمینه توسط موسسه آزادی بخش فلسطین کارگران، دهقالان، روشنگران، شخصیت های سپاهی و موسسات گلتوری مورث گرفته

خانه است یعنی اینکه هم مصروفیت اداری دارد و هم امور منزل را به انجام می آورد هر روز به من که شوهر او هسته هنر نازه میگذارد سدر حالیکه من هم برای چرخاندن چرخ زندگی چند بیشه و کار و مصروفیت را یکجا پذیرفته ام.

اواید بداند که زندگی مشترک در شرایط عصر گنونی ایجاب کار و تلاش مشترک را می کند و از این جمیعت نمایند و کار خود زن به شوهر هنر گلداری کند و غرورش را جریحه دار سازد - اما افسوس که این هارا نمیداند و یا میدانند و به کار نمی بندند.

اوکه در موقع خروج از خانه می گوشد هیچ بی نظمی در شیوه آرایش و شکل لباس وهم آهنگی رنگهاش با هم وجود نداشته

* بازهم قصه بی دلبر جانان من، بر ده دل و جان من، هما نا
احمد ظاهر ...

* روندگان طریقت به نیم جونخر ند
قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست



دلها می نشینند و طرف استقبال
مردم واقع میگردد مورد تو جه
و قبول واقع نمیشود که منظور من هم
از بر تری آهنگ های کابی او از
 نقطه نظر زیبا بی خنجره و توانایی
وموفقیت احمد ظاهر در اجر ای
آهنگ های شیش بود نه در اصل
آهنگ چه آهنگ های فولکلوری
که کوشش از فر هنگ اصیل
آنکه منظور را ازین گفته ام واضح
کنم و هم از خود رفع اشتباہ نموده
باشم لازم دیدم باز هم
چند سطیری در یتباهه بنویسم
البته منظور من ازین نکته آن بود
که حتی آهنگ های کابی که
تو سط احمد ظاهر اجرا گردیده
لذت بخش تر از آهنگ های فو -
لکلور یست که تو سط دیگر آواز
خوانان جوان ما اجرا گردیده
البته به این معنی که اگر یک
آهنگ فولکلوری ما که تو سط داشته
خوانان جوان ما خوانده شده
گرچه بسیار خوب و زیبا اجرا
گردیده و علاوه قمندان فران وان
همدارند نه هیجان و شوری آن
آهنگ های او را داشته و نه مثل
آهنگ های او شنونده هارا
مسحور خویش ساخته میتوانند
که منظور من هم توانایی
و تأثیر صدای احمد ظاهر دیگر
آواز خوانان آما تو رد را جرا
آهنگ های کابی و فولکلوری
بود نه در اصل آهنگ . امیدوارم
اکنون منظور رم فهمیده مشود و
دیگر جای برای انتقاد نماند
همچنان در شماره سیزدهم

جواب پژوهش‌های سما

سلام علیکم خوا نند گا نو همکا -
ران عزیز !

به امید سلامتی و صحتمندی
شما مییر داریم به جواب نامه
ها .

دوست عزیز رحمت الله متعلم
مکتب اسلام قلعه پلخمری

از سلام و بر سان تان تشکر
آقای رحمت الله خان ، بیندیرید
سلام ما را هم . بخوا نید اینهم

که با آخرین نفس های تا بستان
ودر زیبا بی غم انگیز خزان به

آرزوی صحتمندی و موافقیت
شما خوبی هر چه بیشتر مجله

محبو به حضور تان تقدیم
بهر آبادی وطن از صدق دل خدمت

کنید
بهر کامیابی خلق خود همت
میدارم بیندیرید . روندون که

بهر ناموس وطن هم قوت و
واقعاً مجله ایست با ارزش و پرس

غیرت کنید
رهروان راه حق را حرمت و عزت هنری ، ادبی ، سیاسی و اجتماعی

و بادایر نمودن میزهای گرد مشور رتی
کنید
دوست عزیز محمد حسین متعلم

در راه بر آورده ساختن اهداف
و نیاز مندی های حیاتی مردم

نا مه بی تان به اداره رسید ، خدمت ارزشمند و قابل قدر را انجام

میدهد . من به مجله دلچسب
بخوا نید

((محترم مدیر مستثول و دیگر
کار کنان محترم مجله وزیر روندون
سلام های گرم و صمیما نه مرا

روندون بی نهایت علاوه قمند مو

یکی از خواننده گان همیشگی
مجله روندون میباشد و به این

نکته هم باور دارم که مدیر مستثول
محترم مجله به نظر یافت و خواه

ستهای خواننده گان روندون
به نظر قدرمی بینند که من هم به

حیث یکی از خواننده گان مجله
دلچسب روندون خوانه هش میکنم
که اگر در شماره های مختلف روندون

اصحابه های ((احمد ظاهر)) یکبار

* ... هنفه صنف ششم مکتب هم زاده که باده نظر ووف ایست، نه ظرف ...

* عیب کسان منگر و احسان خویش دیده فرو بربه گریبان خویش
آئینه روزی که بگیری بدمت خودشکن آزوذ مشمو خودبرست

* ياللعجب از هردم این ذ مانه وعیمر که اصل را گذاشته اندوبه افع چسپیده اند ...

در چند شما رة ا خیر دا سنا نهای
نمیمانه خوا هشتمند که احساساتی
کو تاه خار جی داشته ایم و لی
نشو ند درست وو ا قصیبا نه
قصاویت نموده و از میانه گویی
داستان کو تاه دا خلی؟ عمر پن
شود خدمت تان آن تو یستند -
گانیکه، دا سنا کو تاه خو ب
بندرزند که به محبو بیت او صدمه
می نویستند فعلا کم می نویستند و
واردمیگردد.

با آنهم تو جه می کنیم .

و باز قصه بی دلیر جا نامن،
برده دل و جان من، همانا احمد ظاهر!
من چنین سختی نزد ام اما اکر
بگویند فلان از نبا س وفیشن

بیجا بی رسیده و بیها ن از زیش و
سبیل انبوه سکه بی شهرت بنا م
زده است ((رجوع گنید به همان
شما زه مجله)) چه میتوانم

بکو یم جز عین ...

رونده کان طریقت به نیم جونخر ند
قبای اطلس آنکش که از هنر عاریست
ولی عذرم را بپندیرید دوست

عزیز که تا هنوز در این جدل ، که
عجا لتا از نشر دو باره مصا جبهه

ای احمد خا هر معدرت میخواهیم
و ترجه شمارا به کلکسیون دو ره

های مختلف مجله زو ندو ن جلب
مینما یم که میتوانند آنچه میخواهیم

مجله علت را بر شمرده ام، اگر
اهید در یا بید . دقيقا نمیدانیم

که چند بار باوی مصا جبهه شده
است و لی شاید چهاربار . از

آنرو به درستی نمادنیم ، که از

کار کنان سایقه و گذشتنه یی

مجله ، کسی در مجله باقی نمانده
است. هر یک به گوشی فسرای

رفته و به مقام و منزلت دیگر
زمینه ند اگر یکی اینجا ما نده ، از

این مصا جبهه ها انقدر به چشمکش
خورده است که یادش نیست این

از کی بود و آن از کی؟ و گناه از

والسلام

او هم نیست آخر حافظه دایرة-

به عالم یجنا ب ما هم سلام میگوییم ،
نه سلامی به زیبایی غم -
انکیز خزان که گشوده در یجه بی
است به سوی زستان و تن لرزی

حقیر و بی تور می جیب دوستان ،
بلکه به طلو عی شفکلو ن افتاد

گر ما می محبت را سنتین آشنا یان
خدا حافظی میکنم))

جواب نویس :

به عالم یجنا ب ما هم سلام میگوییم ،
انکیز خزان که گشوده در یجه بی

است به سوی زستان و تن لرزی
حقیر و بی تور می جیب دوستان ،
بلکه به طلو عی شفکلو ن افتاد

گر ما می محبت را سنتین آشنا یان
خدا حافظی میکنم))

... از نظر محبت آمیز تان تشکر
عجا لتا از نشر دو باره مصا جبهه

ای احمد خا هر معدرت میخواهیم
و ترجه شمارا به کلکسیون دو ره

های مختلف مجله زو ندو ن جلب
مینما یم که میتوانند آنچه میخواهیم

مجله علت را بر شمرده ام، اگر
اهید در یا بید . دقيقا نمیدانیم

که چند بار باوی مصا جبهه شده
است و لی شاید چهاربار . از

آنرو به درستی نمادنیم ، که از

کار کنان سایقه و گذشتنه یی

مجله ، کسی در مجله باقی نمانده
است. هر یک به گوشی فسرای

رفته و به مقام و منزلت دیگر
زمینه ند اگر یکی اینجا ما نده ، از

این مصا جبهه ها انقدر به چشمکش
خورده است که یادش نیست این

از کی بود و آن از کی؟ و گناه از

او هم نیست آخر حافظه دایرة-

المعا ر فی ندارد و علاوه بر آن

کسی جز چندتن ، چنین برسی

هم نمیکرد که او حافظه را جلا

میزد و فکر را بی این کارها می

دوازد . باشد برادر ، هر که

طا و وس خواهد جور را قبول کنید

مجله ها را ورق بزنید تا تعداد

د فیما مصا جبهه بی آواز خوان

تا ترا بیا بید . ما هم علاوه هستیم

یک دا سنا کو تاه در هفته هستیم

که با یست می داشتیم . همینکو نه

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی

معاون : محمد زهان نیکرای

امر چاپ : علی هزار عثمانزاده

آدرس : انصاری واب - جوار

ریاست مطابع دولتی

تلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹

تلفون توزیع و شکایات : ۲۶۸۵۹

روزگار مطلبی تحت عنوان ((شعر
های میهنی در آهنگهای احمد ظاهر))
از طرف م ، ما نی به نشر سپرده
شده که در جایی از مطب احمد ظاهر
لیلی لیلی جان احمد ظاهر میباشد
در حالیکه او این آهنگ را با آنکه
((بسیاری از شعرهای که
انتخاب کرده است فاقد از زیش
شعری اند و از آن جمله میباشد
خواهد : باده ها خالی که باده
منظروف است و نه ظرف و این
ظرف است که می توانند
مکر هنر مند دوران نمیتوانند
از چیزی خالی باشد یا پس نه
منظروف . او اواز خوانی بی هدف
است پیا می ندارد هنر او بستوانه
ای از اندیشه ندارد در حالی که
هنر مند نمی توانند در دو ران
ما وضع نداشته باشد هدفی
رادنیال نکند ... هنر امروز هدف
نمیباشد و هنر مند نیز نمی
تواند به وقار یعنی روز گار خود بی
تفاوت باشد ولی لیلی جان بخواهد
ند در جواب محترم م ، ما نی
باید گفت که اشعار انتخابی احمد ظاهر
همیشه بیان نکر احسان ، طرز
تفکر و نحوه برداشت خود بی
از زندگی میباشد که آهنگ باده های
خالی او نیز باز تاب از یک حالت
روانی اوست و رنه اینست این
هنفه صنف ششم مکتب هم میداند
که باده مظروف ایست نه ظرف
بنظر من شاید احمد ظاهر آن شور
و حالی را که از نو شیدن با ده
و قن داشت بدست نیاورده و
آنکاه فریاد بر آورده که با ده ها
خالی ای اطلس آنکه از هنر عاریست
که در جواب شما رو نده طرز
او میخواست با هنر ش مردم را
شاد نگهدازد و با صدای زندگی
بخشن و ترانه های شادی آفر -
بنش غبار و غم را از دل های مردم
بزداید . او همیشه در غم ها شادی ها
با مردم خود شر یک بود چنانچه
این احسان او را در آهنگهای الهی
من نمیدانم به علم خود تو میدار
نمی ، عجب صبر خدا دارد ، زعمراء
خان جدایی ، ای هموطن و غیره
میتوان یافت هر آهنگ احمد ظاهر
که آنکه اینه تمام نمایی از زندگان
تاری اوست تر ای بی از شور و
طیشن ، عشق و ناطفه انسانی



M.Amin.s.

59

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library